

تفسیر روشن

برای عموم طبقات

با بیان قاطع از جهات لغات و تفسیر و حقائق

مجلد چهاردهم

نوشته
محقق مفسر
علامه مصطفوی

سوره انبیاء

عدد آیات ۱۱۲

سوره - ۲۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِیْ غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ . - ۱ ما یَأْتِيهِمْ مِنْ ذِکْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ یَلْعَبُونَ . - ۲ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَ اسْرُوا النَّجْوَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلَكُمُ افْتَاتُونَ السِّحْرَ وَ انْتُمْ تُبْصِرُونَ . - ۳ قَالَ رَبِّيْ يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِی السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ . - ۴ بَلْ قَالُوا اضْغَاثٌ اَحْلَامٌ بَلْ افْتَرِيْهِ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَاْتِنَا بآیةٍ كَمَا اُرْسِلَ الْاَوَّلُونَ . - ۵ مَا اَمَنْتُ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْیَةٍ اَهْلَكْنَاهَا اَفْهَمْ يُؤْمِنُونَ . - ۶ .

اقتراب : از باب افتعال که دلالت میکند باختیار فعل (قرب) یعنی قرب و نزدیکی در جریان خارجی ، و حصول قرب قهری بمرور آیام زندگی .
و ذکر محدث : یعنی یاد کردن و توجه خداوند متعال ، که خداوند برای همیشه در یاد بنده خود بوده ، و نظر لطف و احسان او دائمی باشد ، ولی انسان در همه حال محجوب و در غفلت بوده ، و بجای سپاسگزاری و توجه و تذکر نعمتهای او ، مشغول لهو و اعمال بیهوده باشد .

و لاهیه قلوبهم : از ماده لهو و بمعنی لغو و بیفائده است .
و لغو در قلوب بالاتر است از لغو در اعمال : زیرا افکار و توجهات قلبی چون لغو و بیجا گردد ، قهراً اعمال ناشی از توجهات قلبی نیز همه مهمل و لغو و بیحاصل خواهد گشت .

و نجو : بمعنی چیزی را در قلب نگهداری کردن و از این معنا است کلمه مناجات که مطالبی را در قلب داشتن باشد . و کلمه - نجوی : اسم است برای

چیزیکه خالص و یا در قلب است .

و سحر : چیزیرا برخلاف حق نشان دادن است .

و أضغاث : جمع ضغث و بمعنی آلوده و مخلوط و ناپاک باشد ، و منظور مفاهیم آلوده و نامرتب است که در خواب دیده شود .

و أحلام : جمع حلم است ، و آن بمعنی چیزییست که در خواب دیده می شود .

می فرماید : مردم پیوسته بسوی دیدار حق و معاینه نتیجه حساب اعمال و افکار خودشان ، در حرکت هستند ، و رسیدن زمان بررسی محاسبات و نتیجه شده است ، و جای اُسف است که آنها از این برنامه در غفلت بوده ، و بلکه اعراض می کنند . - ۱ نمی آید ذکری از جانب پروردگار متعال که تازه باشد مگر که آنها شنیده و مشغول بازی می شوند . - ۲ در حالتیکه در دلهای آنها تمایل به لغو و لهو است ، و می پوشانند آنچه را که در دلهای آنها پوشیده شده است ، از خیال آنکه - آیا او کسی نیست که مانند شما بوده ، و هرگز برتری بشما ندارد ، و گویند که او بشری است بمانند شما و آیا شما اقبال می کنید بسحر در حالیکه میدانید و می بینید . - ۳ گفت پروردگار من میداند آنچه را که در آسمان و در زمین است ، و او هر سخنی آگاه بوده ، و او شنونده و محیط و عالم است . - ۴ و بلکه گویند که سخنان او رؤیاهائیس است آلوده ، و آنها را می بافد و می سازد ، و گویند که او شاعریست که مطالب را منظم میکند ، و لازمست که او هم مانند انبیای گذشته آیت و معجزه ای نشان بدهد . - ۵ ایمان نیاورد از پیشینیان افرادی که آنها را بهلاکت رسانیدیم ، آیا اینها ایمان می آورند . - ۶ .

و ما أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . - ۷ و ما جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ مَا كَانُوا خَالِدِينَ . - ۸ ثُمَّ

صَدَقْنَاهُمْ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ . - ۹ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ . - ۱۰ وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ . - ۱۱ فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ . - ۱۲ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ . - ۱۳ .

و اِلَّا رِجَالًا - اشاره می شود باینکه انبیای گذشته همگی از رجال بودند ، نه از ملائکه و نه از نساء ، زیرا ملائکه سنخیتی با انسانها ندارند ، و نساء هم نمیتوانند بآنطوریکه لازمست در امور اجتماعی وارد شوند .
و جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ - جَسَد : بدن انسانست قطع نظر از روح او . و جَسَد بی روح قابل نمو و تغذی نیست . و قهراً موت هم ندارد .
و فنای او در اثر حوادث خارجی صورت میگیرد .
و الْمُسْرِفِينَ : اِسراف عطایبست که تجاوز از حدّ عادلّه کند ، و یا خرجیست که افراط در آن باشد ، و بمعنی جهل و غفلت هم استعمال می شود .
و قَصَمَ : بمعنی شکستن و هلاک کردن بسرعت باشد .
و رَكَضَ : بمعنی حرکت بسرعت باشد ، بهر نحویکه صورت بگیرد .
و اِتْرَافَ : بمعنی متنعم شدن و طغیان در هوسرانی است .

می فرماید : در روزگار گذشته افرادی را از رجال برای انجام وظائف نبوت مبعوث میکردیم . و حقایق را برای آنها وحی نموده و روشن می ساختیم ، و اگر شما آگاهی ندارید از دیگران که علم و آگاهی دارند بپرسید . - ۷ و آنها کسانی نبودند که جسد خشک و بی روح بوده و طعامی تناول نکنند ، و یا برای همیشه باقی باشند . - ۸ و سپس بوعده خود عمل کرده و آنها را با افرادی که می خواستیم نجات داده ، و

دیگرانرا که از حدود خود تجاوز می‌کردند هلاک ساختیم . - ۹ هر آینه بتحقیق نازل کردیم بشما کتابیکه بیاد می‌آورد شما را بحقایق لازم ، آیا دقت نمی‌کنید که تا متوجه شده و بفهمید . - ۱۰ و چقدر هلاک کردیم از آبادیها که ظلم کننده بودند ، و آوردیم پس از آنها گروه دیگر را . - ۱۱ پس چون درک کردند شدت و عذاب ما را در این هنگام آنها حرکت سریع کردند از آن محیط . - ۱۲ حرکت نکنید و برگردید بآن حالتیکه بودید ، و مشغول هوسرانی شوید که از پیش بودید ، و در مسکنهای خودتان قرار بگیرید که شما سؤال کرده می‌شوید . - ۱۳ .

قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين . - ۱۴ فما زالت تلك دعوتهم حتى جعلناهم حصيداً خامدين . - ۱۵ و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما لاعبين . - ۱۶ لو اردنا ان نتخذ لهما لآخذنا من لدنا ان كنا فاعلين . - ۱۷ بل نقذف بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق و لكم الويل مما تصفون . - ۱۸ و له من في السموات و الأرض و من عنده لا يستكبرون عن عبادته و لا يستحسرون . - ۱۹ يسبحون الليل و النهار لا يفترون . - ۲۰ أم اتخذوا آلهة من الأرض هم ينشرون . - ۲۱ لو كان فيها آلهة الا الله لفسدتا فسبحان الله رب العرش عما يصفون . - ۲۲ .

حصید : از ماده حَصَد و حِصَاد ، بمعنی قطع زراعت است .

خامد : از ماده حُمُود و بمعنی آرام و ساکت شدن شعله آتش است .

نَقَذَف : از ماده قَذَف و بمعنی انداختن و نسبت دادنست .

دَمَغ : بمعنی شکندن و زخم کردن است .

و زاهق : مضمحل شدن و بطلان و هلاک گشتن باشد .

و استحسار : رنج دیدن و خسته شدن و ضعف پیدا کردن .

عرش : چیزیکه بالای سر و محیط باشد در مقابل فرش است .
انشار : از ماده نشر و بمعنی احیاء ، و بلند کردن باشد .

می فرماید : ای وای بر ما که پیوسته بخود ظلم کننده بودیم . - ۱۴ پس پیوسته اینگونه اظهار می کردند ، تا وقتیکه قرار دادیم آنها را شکسته شده و خشک و ساکت ، و هرگز بخود نیامده و خودشانرا اصلاح نکردند . - ۱۵ و ما زمین و آسمانرا بله و بازی نیافریدیم . - ۱۶ و اگر میخواستیم که آنها را روی لغو و لهو آفریده و بوجود آوریم ، می توانستیم ، ولی ما چنین فکر و برنامه ای را نداشتیم . - ۱۷ بلکه ما طرح کرده و می اندازیم حق را بروی باطل ، پس آنرا شکننده و محو میکند ، و وای باد شما را از گفته های خودتان و از آنچه وصف می کنید . - ۱۸ و برای او باشد آنچه در آسمانها و زمین است ، و آنکه در نزد او است که خود را بزرگ نمی بینند در مقام بندگی او ، و هرگز خستگی و ضعف احساس نمیکنند . - ۱۹ و پیوسته شب و روز تسبیح کرده ، و ضعف و سستی در خود نمی بینند . - ۲۰ آیا میگیرند خدایانی از جنس مخلوقات زمینی که آنها مخلوقات زمینی را نشر میکنند . - ۲۱ و هرگاه باشد در آسمان و زمین خدایانی غیر از پروردگار متعال ، هر آینه زمین و آسمان فاسد و محو می شوند - پس منزّه باشد پروردگار متعال از آنچه وصف میکنند . - ۲۲ .

و اما فساد زمین و آسمان در صورت تعدد الّٰهه : برای اینکه تعدد ملازم با اختلاف است ، و اختلاف در مراحل خلقت موجب بهم خوردن نظم جهان گشته ، و نتیجه آن فساد خواهد بود .

و اما نبودن لهو در مقام خلقت : برای اینکه هر کسی عملش مطابق با فکر و نقشه او باشد ، و خداوند حکیم و قادر مطلق هرگز عملی را که برخلاف عقل و حقیقت و نظم است ، بجا نمی آورد ، و او منزّه است از لغو .

و اما ربّ العرش : کسیکه پروردگار عرش محیط به همه موجودات ارضی و

سماوی است ، هرگز جهات ضعف و انکساری در وجود او نخواهد بود .

لا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ . - ۲۳ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ معرضون . - ۲۴ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ . - ۲۵ وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَہِ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ . - ۲۶ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ . - ۲۷ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَ هُمْ مِنْ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ . - ۲۸ .

و هم يُسْأَلُونَ : خداوند متعال از هر جهت (زمان ، مکان ، علم و آگاهی) نامحدود است ، و از این لحاظ اعمال او را نتوان محدود به فکر و نظر محدود ما نموده و منطبق به آنها کرد .

و حَشِيَّتٍ : بمعنی خوفی است که با پرهیز صورت بگیرد .

و إِشْفَاقٍ : خوفی است که با حرص به آگاهی صورت بگیرد .

می فرماید : آیا گرفتند از غیر خداوند متعال خدایانی را ! بگوی که بیاورید دلیل و برهان خودتانرا برای سخن خودتان ، این سخن از افرادیست که با من هستند ، و سخن آنها بیست که پیش از من بودند ، و بیشتر این مردم از حق آگاهی ندارند ، و بلکه از حق إِعْرَاض می کنند . - ۲۴ و ما نمی فرستیم رسولی را و نفرستادیم از پیش از تو مگر آنکه وحی میکنیم باو که خدایی نیست مگر او پس او را بندگی کنید . - ۲۵ و گفتند که خداوند فرزندی گرفته است ، منزّه است او از این نسبت ، و این افرادی که اسم می برند بندگان گرامی پروردگارانند . - ۲۶ و هرگز سخنی را از پیش خود و پیش از او نگویند ، و آنها گوش بفرمان او هستند . - ۲۷ و او میداند و محیط

است بآنچه در پیشروی آنها است و به آنچه در پشت سر آنها باشد ، و نمیتوانند دستگیری کنند مگر از افرادی که خداوند راضی از آنها باشد ، و آنها کسانی هستند که از خوف او پیوسته در پرهیز بوده و در عین حال در توجه بوده و از او غفلت نمیکنند . - ۲۸ .

و لا یسبقونه بالقول : این جمله اشاره بمقام تسلیم صرف و فناء باشد ، که بنده در همه حال در مقابل خواسته خداوند متعال تسلیم گشته ، و هیچگونه از جانب خود سخنی اظهار نکرده و مخالفتی نکند - لا یسبقونه بالقول .

و مَنْ یَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكِ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ . - ۲۹ أولم یر الذین کفروا أن السّمواتِ و الأرض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ أفلا یؤمنون . - ۳۰ و جعلنا فی الأرض رواسی أن تمیدبهم و جعلنا فیها فجاجاً سُبلاً لعلهم یتهدون . - ۳۱ و جعلنا السماء سقفاً محفوظاً و هم عن آیاتها معرضون . - ۳۲ و هو الذی خلق اللیل و النهار و الشمس و القمر کل فی فلكٍ یسبحون . - ۳۳ و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد أفان متّ فهم الخالدون . - ۳۴ کل نفس ذائقة الموت و نبلوكم بالشرّ و الخیر فتنّةً و إلینا ترجعون . - ۳۵ .

رَتَقَ : سدّ و اصلاح و از بین بردن خلل و جدایی است .

فَتَّقَ : جدا کردن و شکافتن و فاصله دادنست .

رواسی : جمع راسیة ، از ماده رسو و بمعنی ثبوت است .

أن تمیدبهم : بمعنی تحرّک و اضطراب ، و حرف باء برای تعدیه است .

فِجَاجٌ : جمع فَج است ، و بمعنی طریق روشن و وسیع است .

عن آیاتها : جمع آیت که بمعنی نشانه و علامت است .

سَبَّح : بمعنی جریان و سیر کردنست .
 بَلَو : اختبار و امتحان و آزمایش کردن است .
 فِتْنَه : بمعنی انحراف از حق ، و پیدایش اختلاف و نزاع است .

می فرماید : و کسی که گوید من خدا و معبود شما هستم ، بغیر از پروردگار متعال ، چنین افرادی را جزاء میدهیم جهنّم را که وارد جهنّم شوند ، و همچنین ستمگرانرا . - ۲۹ .

آیا ندیدند کسانیکه مخالف و کافرند که آسمانها و زمین بهم متصل بودند ، پس جدا ساخته و شکافتیم در میان آنها ، و قرار دادیم از آب همه موجودات زنده را آیا ایمان نمی آورند . - ۳۰ و قرار دادیم در روی زمین کوههای سنگین تا اینکه حرکت بدهد آنها را ، و قرار دادیم در روی آن راههای گشاده تا بتوانند بهر طرف هدایت پیدا کنند . - ۳۱ و قرار دادیم آسمانرا سقفی محکم و حفظ شده ، و آنها از آیات الّهی اعراض می کنند . - ۳۲ و او خدایبست که آفریده است شب و روز و آفتاب و ماه را و هر کدام در یک دایره معین حرکت می کنند . - ۳۳ و قرار ندادیم برای فردی از بشر از پیش از تو ، همیشگی و پاینده بودن را ، آیا تو بمیری و آنها زنده بمانند . - ۳۴ .

و نَبْلُوکُم بِالشَّرِّ وَ الخیر : امتحان و آزمایش در مورد خیرات و هم در مورد شرّ میتواند صورت بگیرد ، در مورد امور خیریه : لازم است که از استفاده دیگران که نیازمند هستند ، جلوگیری نشود . و در مورد شرور : باید کاملاً دقّت و مراقبت شود که بدیگران ضرر و ناراحتی نرسد .

کُلّ شیء حیّ : حیوة ملازم است با تحوّل و تغیر ، و تحوّل در اثر غذا و خوراک متحقّق گردد ، و آب سرچشمه و مبدء همه غذاها است ، و اگر آب نباشد موجودات بصورت جمود باقی می مانند .

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ
 بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ . - ۳۶ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا
 تَسْتَعْجِلُونَ . - ۳۷ وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۳۸ لَوْ يَعْلَمُ
 الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَ لَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَ لَا هُمْ
 يُنصَرُونَ . - ۳۹ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَ لَا هُمْ
 يُنظَرُونَ . - ۴۰ وَ لَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا
 كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ . - ۴۱ قُلْ مَنْ يَكْلَأُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ
 ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ . - ۴۲ .

هُزُوعًا : بمعنی مسخره کردن و تحقیر باشد .

عَجَلٌ : شتاب و سرعت کردن در موضوعی .

تَسْتَعْجِلُونَ : خواستن و طلب سرعت باشد و مخاطب و جمع است .

بَغْتَةً : بدون مقدمه و ناگهانی است .

بَهَتٌ : بدهشت و بدون مقدمه عملی انجام گرفتن است .

حَاقٌ : از باب نصر بمعنی کنس و تمیز کردنست .

كَلَّوْا : از باب منع یمنع ، بمعنی بیدار شدنست .

می فرماید : و چون دیدند تو را افرادی که مخالف و کافرند ، نمیگیرند تو را مگر
 بمسخره و تحقیر ، و گویند که آیا این است که خدایان ما و شما را بحقارت ذکر
 میکنند ! و آنها کافر و مخالفند بیاد کردن خداوند رحمن که رحمتش همه جهان و
 جهانیان را فرا گرفته است . - ۳۶ آفریده شده است انسان از ماده ای که قرین سرعت
 و عجله است ، و من آیات و نشانیهای خود را نشان میدهم در طول زندگی برای
 شما پس عجله نکنید . - ۳۷ و گویند که این وعده کی صورت می گیرد اگر سخن شما

راست است . - ۳۸ اگر بدانند آنها یکه کفر می‌ورزند ، زمانیکه نمی‌توانند آتش را از صورتها و از پشتهای خودشان دفع کرده ، و آنها هیچگونه یاری کرده نمیشوند . - ۳۹ بلکه ناگهان آتش آنها را احاطه می‌کند ، و نمیتوانند از آن جلوگیری کنند ، و هرگز مهلت و انتظار برای آنها داده نمیشود . - ۴۰ و بتحقیق استهزاء و تحقیر شده است ، انبیائی پیش از آنها ، و برطرف و پاک شده است آنچه استهزاء میکردند . - ۴۱ بگوی که چه کسی متنّبّه و بیدار و متوجّه میکند شما را در شب و روز از یاد پروردگار متعال ، بلکه این چنین نیست و آنها از توجّه و یاد کردن خداوند اعراض می‌کنند . - ۴۴ .

نتیجه :

در جریانهای طبیعی و خارجی ، باید توجّه بامور خارجی و واقعی داشته ، و از سخن و حرف دوری کرد ، و نباید در رسیدن بحقّ و فهمیدن حقیقت شتاب و عجله نمود .

و مخصوصاً در اموریکه مربوط بخداوند متعال است : لازم است که از هر جهت تسلیم شده و تفویض باو نمود .

آری خداوند متعال بهمه خصوصیات امور محیط و قادر و عالم است .

أَمْ لَهُم آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنْنَا يُصْحَبُونَ . - ۴۳ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ . - ۴۴ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ . - ۴۵ وَ لئن مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ . - ۴۶ وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ إِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا

حاسبین . - ۴۷ .

و آلِهَة: جمع إله است ، مانند أرغفه ، و إله بمعنی معبود است .
 دُون: بمعنی غیر است که پائینتر باشد .
 و صَحْب: بمعنی ملازمت و معاشرت و مرافقت است .
 و عُمر و عُمر: آنچه ادامه پیدا کند از زندگی و حیات .
 و قِسْط: بمعنی عدل است و جمع آن أقساط باشد ، و در مفرد و جمع هر دو استعمال می شود ، چون المَوَازینَ القِسْطَ .
 خَرْدَل: دانه کوچکی است .

می فرماید: آیا برای آنها خدایانی هست که مانع میشوند آنها را از مراحل پایین تر پروردگار متعال ، در صورتیکه آنها نمیتوانند خودشانرا حفظ کرده و یاری کنند ، و آنها استعداد مصاحبت و ملازمت خداوند را ندارند . - ۴۳ بلکه ما زندگی و لذت دادیم آنها و پدرانشانرا تا زندگی و عمر طولانی داشته باشند ، آیا نمی بینند که ما کم میکنیم از اطراف زمین آیا با اینحال آنها غالب و مسلط هستند . - ۴۴ بگوی که ما انذار میکنیم شما را بوسیله وحی که می شویم ، و نمی شنود شخص ناشنوا ، دعوت را زمانیکه انذار شوند . - ۴۵ و هرگاه اگر مس کند آنها را نسیمی از عذاب إلهی ، هر آینه میگفتند که وای بر ما که بودیم ستم کننده . - ۴۶ و وضع میکنیم میزانهای عدالت را برای روز قیامت ، پس ظلم نمیشود کسی بمقدار اندکی ، اگرچه باشد باندازه دانه خردلی ، و ما آنرا آورده و نشان میدهیم ، و کفایت است برای ما حساب کردن آنها . - ۴۷ .

نتیجه :

باید توجه شود که تمام اعمال انسان اگرچه باندازه خردلی باشد ، در پیشگاه پروردگار متعال محفوظ و مضبوط بوده ، و مطابق خصوصیات آن از هر جهتی باشد (کماً و کیفاً) جزاء داده خواهد شد .

و لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ . - ۴۸ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ . - ۴۹ وَ هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ . - ۵۰ وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَ كُنَّا بِهِ عَالِمِينَ . - ۵۱ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ . - ۵۲ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ . - ۵۳ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . - ۵۴ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ . - ۵۵ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَ أَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ . - ۵۶ .

فُرْقَان : چون قرءان مصدر است از فرق و جدا کردن باشد .

ضِيَاء : بمعنی روشنایی و نور دادنست .

خَشِيَّة : بمعنی ترسیدن که توأم باشد با پرهیز کردن .

إِشْفَاق : بمعنی ترسیده توأم باشد با طلب آگاهی و علم .

سَاعَت : آلتی است که با آن اوقات معین گردد ، و اطلاق میشود بساعتیکه به

عالم آخرت انتقال می شود .

رُشْد : هدایت پیدا کردن و جریان امرش مستقیم و درست شدن است .

تَمَاثِيل : جمع تَمَثَال است ، و بمعنی صورت تصویر شده باشد . (صورتهای

ساختگی) .

عُكُوف : خود را بیک امری وابسته و مقید کردن است .

می‌فرماید : ما دادیم به موسی و هارون نیروی روحانی که بتواند در میان نور و ظلمت و خیر و شرّ تمییز داده و آنها را از همدیگر جدا کند .

و تشخیص صلاح و فساد و خوب و بد ، اولین قدم از سیر معنوی انسانست ، و در مرتبه دوم روشن بودن باطن و دید قلب است که بتواند در میان امور و اعمال مفید و مضرّ فرق بگذارد ، و هم برای افراد متقی که خواهان پرهیز و خودداری از فساد و شرّ هستند ، یادآوری از حقّ و واقعیت دادیم . - ۴۸ و متّین اشخاصی هستند که میترسند از مقام پروردگار متعال از روی غیب (در مقابل شهود و حضور) و پیوسته از رسیدن ساعت قیامت در ترسند . - ۴۹ و این قرآن یادی است مبارک از جانب خداوند متعال که نازل کردیم آنرا ، آیا شما آنرا انکار می‌کنید . - ۵۰ و بتحقیق پیش از این آوردیم به ابراهیم نبیّ هدایت او را ، و ما بجریان زندگی او إحاطه داشته و آگاه بودیم . - ۵۱ زمانیکه گفت پدیر و قومش که چیست این صورتهای ساخنگی که شما در مقابل آنها عبادت و خضوع می‌کنید . - ۵۲ گفتند که ما پدران خودمانرا یافتیم که به آنها عبادت میکردند . - ۵۳ گفت بودند پدران شما و شما در گمراهی محکم و آشکار . - ۵۴ گفتند آیا آوردی حقّ را و یا تو بازی میکنی ! . - ۵۵ گفت بلکه پروردگار شما خدای آسمانها و زمین است ، آن خداییکه آنها را آفریده است ، و من بر جریان امور شما شاهدم . - ۵۶ .

نتیجه :

گفتیم که جدا کردن و فرق در میان نور و ظلمت معنوی ، یعنی خیر و شرّ ، و صلاح و فساد ، و هدایت و ضلالت ، در رفتار و گفتار : نخستین مرحله سیر و سلوک بسوی حقّ متعال است ، و کسیکه هنوز راه حقّ و هدایت را تشخیص نداده است : چگونه انتظار می‌رود که در راه خیر و حقّ باشد ، و جدا کردن حقّ و باطل در مرتبه اول لازمست که با نور باطن ایمانی باشد ، و اگر چنین نورانیتی در باطن او نباشد :

لازمست متعبد باشد بنور شرع مبین .

و تَالِهَ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ . - ۵۷ فجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ . - ۵۸ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ . - ۵۹ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ . - ۶۰ قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَىٰ عَيْنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ . - ۶۱ قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ . - ۶۲ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ . - ۶۳ فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ . - ۶۴ ثُمَّ نَكَّسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ . - ۶۵ .

کید : قصد سوء کردن و محاربه داشتن است .

جُذَاذٌ : بحركات سه گانه ، بمعنی شکسته شده و قطعات کوچک است .

می فرماید : سوگند بخداوند متعال که هر آینه می شکنم بتهای شما را پس از پشت کردن شما که از این محیط کنار بروید . - ۵۷ پس قرار داد آن بتها را شکسته و قطعه قطعه شده ، مگر بزرگ آنها را ، که شاید آنها بخود آمده و بسوی خداوند برگردند . - ۵۸ آن قوم چون چنین مشاهده کردند گفتند که چه کسی به خدایان ما تجاوز کرده است که او از ستمگرانست . - ۵۹ گفتند که : شنیدیم از مرد جوانیکه از آن أصنام بدگویی می کرد ، و اسم او ابراهیم است . - ۶۰ گفتند که بیاورید آنرا در مقابل دید مردم ، تا آنها نیز حاضر و شاهد باشند . - ۶۱ گفتند آیا تو خدایان ما تجاوز کردی ای ابراهیم . - ۶۲ گفت : بلکه بزرگ آنها چنین عملیرا انجام داده است ، پس بپرسید از آنها اگر میتوانند جواب داده و حرف بزنند . - ۶۳ آنها بهمديگر نگرسته و گفتند که شما تجاوز از حقیقت میکنید و ظالم هستید . - ۶۴

سپس سرهای خودشانرا پایین انداختند ، و گفتند که تو میدانستی که آنها نتوانند سخن گویند . - ۶۵ .

و نکس : بمعنی وارنه شدن و سر بجای پای آمدن باشد .

نتیجه :

پیامبران الهی و اولیای او در همه حال موظف هستند که با افراد مدعی که مقامات حق را غصب کرده و باطل دعویهای خلاف میکنند ، مقابله کرده ، و برای مردم بطلان و انحراف آنها را ثابت کنند .

و نخست وظیفه انبیاء : دعوت کردن مردم است به مقام توحید ، و توضیح دادن حقیقت توحید ، و مخصوصاً در آیین مقدس اسلام .

و اما نسبت دادن عمل کسر اصنام به صنم بزرگ : مطابق اعتقاد آنها باشد که اصنام را مؤثر در جریان جهان میدانند ، مخصوصاً که بزرگ اصنام را که حاکم و نافذ در اصنام دیگر است .

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئاً وَ لَا يَضُرُّكُمْ . - ۶۶ أَفِ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ . - ۶۷ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ . - ۶۸ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلَيَّ إِبراهيمَ . - ۶۹ وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ . - ۷۰ وَ نَجَّيْنَاهُ وَ لُوطاً إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ . - ۷۱ وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلاًّ جَعَلْنَا صَالِحِينَ . - ۷۲ وَ جَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ . - ۷۳ وَ لُوطاً أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسْقِينَ . - ۷۴ .

- دُون : غیریست که در مرتبه پایین باشد .
 أُفّ : اسم فعل است بمعنی اُتَضَجَّر ، و یا تَضَجَّر باشد .
 کید : بمعنی مکر و خدعه کردنست .
 بارکنا فیها : و آن سرزمین بیت المقدّس است که مبارک باشد .
 و نافلة : از نفل بمعنی اعطاء زیادی و اعطاء بی درخواست باشد .
 اُخسِر : بمعنی زیانکارتر است .
 اُئمه : پیشوایان که هادی امت هستند ، و موارد وحی اِلّهی باشند .

می فرماید : حضرت ابراهیم (ع) خطاب کرد به قومش که : آیا پرستش میکنید از غیر پروردگار متعال از چیزهای پستی که سودی نتوانند برسانند بشما و نه ضرری میرسانند شما را . - ۶۶ بیزاری باد شما را و آنچه را که می پرستید از غیر خداوند ، آیا نمی فهمید . - ۶۷ گفتند : بسوزانید او را و یاری کنید خدایان خود را اگر میتوانید عمل کنید . - ۶۸ گفتیم که ای آتش سرد باش و بی ضرر و سلامت باش برای ابراهیم . - ۶۹ و خواستند که مکر و حيله‌ای کنند ، و قرار دادیم آنها را از زیانکارترین اشخاص . - ۷۰ و نجات دادیم ابراهیم و لوط را ، و بردیم آنها را بسرزمین پاک و مبارکی که برای اهل عالم مبارک است . - ۷۱ و دادیم برای او اسحق و یعقوب را به عطای بی عوض ، و قرار دادیم آنها را از اهل صلاح و رستگاری . - ۷۲ و قرار دادیم آنها را پیشوایان که بفرمان ما دیگرانرا هدایت میکردند ، و فهمانیده و وحی کردیم بآنها اعمال خیر و خواندن نماز و دادن زکوة را ، و بودند برای ما از عبادت کنندگان . - ۷۳ .

نتیجه :

لوط از اقربای نزدیک حضرت ابراهیم بود و در شهر سدوم (شهری بود از

فلسطین در کنار دریای لوط (ساکن بود ، و شهر سدوم بخاطر معاصی اهل آن ، مورد غضب الهی قرار گرفت .

و لوط - در قصص انبیای جزائری از تفسیر عیاشی است که : سؤال کرد مردی از امیر المؤمنین (ع) از موضوع نزدیک شدن بزنها از جهت پشت آنها ؟ فرمود : پایین آمدی و خداوند تو را پایین آورد ، آیا نشنیدی آیه - أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ . و فرمود : من نمیدانم کلامی از قرآن که این را جایز بداند .

و أَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ . - ۷۵ و نُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلِ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ . - ۷۶ و نَصْرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ . - ۷۷ و دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفِثَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ كُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ . - ۷۸ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كُلًّا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ . - ۷۹ وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ . - ۸۰ .

کرب : بمعنی مشقت و حزن و داهیه است .

و الْحَرْثِ : زراعت کردن و کشت کردن تخم است .

و نَفِثَتْ : بهم زدن پنبه و پشم ، و چرا بردن حیوانات است .

و حَصَانَةٌ : محفوظ نگه داشتن است .

و لَبُوسٍ : بوزن ذلول ، چیز است که پوشاننده باشد از انواع لباسها .

و طَيْرٍ : جمع طائر است و آن هر پرنده صاحب بال و پر است .

می‌فرماید : و ما داخل کردیم ابراهیم را در رحمت خودمان ، و بتحقیق او از أهل صلاح و رستگاری بود . - ۷۵ و متذکر باش نوح را که نداء کرد خدا را پیش از آنان ، پس پذیرفتیم ندای او را و نجات دادیم او را و خانواده‌اشرا از گرفتاری و مشقت بزرگ . - ۷۶ و یاری کردیم او را از میان گروهیکه تکذیب کردند آیات و نشانیهای ما را ، و آنها قوم بدی بودند ، پس غرق کردیم آنها را همگی . - ۷۷ و متذکر باش داود و سلیمان را که حکم میدادند درباره زراعتی که گوسفندهای قومی وارد شده و از آن میخوردند ، و ما شاهد بودیم به گفتار آنها ، و حکم آنها را محیط بودیم . - ۷۸ پس فهمانیده و روشن کردیم سلیمان را ، و بهمه آنها حکم و علم تعلیم کردیم ، و مسخر کردیم به داود کوهها را که همراه او تسبیح میکردند ، و همچنین پرندگانرا ، و ما قدرت داریم . - ۷۹ و تعلیم کردیم داود را صنعت خیاطی لباس ، تا حفظ کند شما را از شدت و ناملائمات ، آیا شما سپاسگزاری نمی‌کنید . - ۸۰ .

نتیجه :

در کتاب قصص الأنبياء جزائری از حالات حضرت نوح و دیگر انبیاء و از جریانهای زمانهای آنان نقل می‌کند .
و نقل می‌کند که : چون حضرت نوح از کشتی پیاده شد ، ابلیس بخدمت او آمده و عرض کرد که : شما حقّ زیادی در گردن من دارید ، و کسی از أهل زمین بمانند خدمت تو ، بمن خدمت نکرده است .
شما خداوند را دعاء کردی بر علیه این جماعت بدکار ، و مرا از آزار آنها نجات دادی . آگاه باش که من تو را بسه خصلت توصیه می‌کنم که در آن سه مورد مرا فراموش نکنی .
أول - متوجّه من باش در موردیکه غضبناک میگردی .

دوّم - مرا فراموش مکن چون در میان دو نفر قضاوت کنی .
 سوّم - از من غفلت مکن در جاییکه با یکرزن نامحرم خلوت کنی .
 و متوجّه باش که من در این سه مورد نزدیکترین فردی هستم باو .

و لَسْلِيمَانَ الرِّيحِ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ . - ۸۱ و مِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ . - ۸۲ و أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . - ۸۳ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ . - ۸۴ وِاسْمِعِيلَ وَاَدْرِيْسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلِّ مِنَ الصَّابِرِينَ . - ۸۵ وَاَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ . - ۸۶ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . - ۸۷ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ . - ۸۸ .

و لسليمان : عطف است به آیات گذشته ، - و علمناه صنعة لبوس لكم .
 عاصفة : جریان تند و شدید داشتن است .
 و من الشياطين : جمع شیطان و بمعنی بعید و شریر و متمرد است .
 يغوصون : فرو رفتن در آب است ، و او را غواص گویند .
 و أيوب : صاحب بفری از عهد عتیق است و در شرق بحر المیت بوده است .
 و اسمعیل : فرزند اوّل حضرت ابراهیم از هاجر است .
 و ادريس : در سوره ۵۶/ از سوره مریم ذکرى اجمالاً گذشته است .
 و ذا الكفل : صاحب کفالت بود که کفالت کرده بود از یک فردی .
 و ذا النون : نون بمعنی ماهی بزرگیست که او را گرفته بود .

می‌فرماید: و دادیم برای سلیمان نبی، باد را که جریان پیدا میکرد بفرمان او، بسوی سرزمینی که برکت دادیم در آنجا، و هستیم ما بهر چیزی عالم و محیط. - ۸۱ و از شیاطین که افراد متمردی بودند، برخی از آنها فرو می‌رفتند در آب، و اعمالی غیر از این داشتند، و ما حافظ آنها هستیم. - ۸۲ و ایوب را توجّه کن که نداء کرد پروردگار خود را که بتحقیق من مبتلا شده‌ام به ضرر، و تو مهربانترین مهربانها هستی. - ۸۳ پس اجابت کردیم خواسته او را و برداشتیم آنچه را که او را بود از ضرر، و دادیم او را اهل و عیالاتشرا که رفته بودند، و بمانند آنها از دیگران را که رحمت و مهربانی بود از جانب او، و تذکر و تنبیهی بود برای افرادی که پرستش پروردگار میکردند. - ۸۴ و یاد کن اسماعیل و ادریس و ذا الکفل را که همگی از صابرین بودند. - ۸۵ و داخل کردیم آنها را در رحمت خودمان، و آنها از اهل صلاح بودند. - ۸۶ و یاد کن ذا النون را که بناراحتی دوری کرد از ما، و تصوّر کرد که ما نخواهیم توانست او را محدود کنیم، پس در محیط تاریک و ظلمانی ما را نداء کرده و گفت: پروردگاری نیست مگر تو، و من از ستمکارانم. - ۸۷ پس اجابت کردیم خواسته او را و نجات دادیم او را از گرفتگی، و این چنین نجات می‌دهیم مؤمنین را. - ۸۸.

نتیجه:

- ۱- باد اگر بموقع و بمقدار لازم بوزد: بهترین وسیله برای بهبودی هواء و رشد نباتات است، و یکی از اسباب مبارک بودن هر سرزمینی است که هوای معتدل و باد لطیفی داشته باشد.
- ۲- مَنْ یغوصون له: زیر آب رفتن و شنا کردن از فنون مخصوصی است که محتاج به ممارست و یاد گرفتن باشد، تا بتواند از منافع دریا بهرمنند و مستفید باشد.

و اسماعیل : فرزند اول حضرت ابراهیم است ، که اعراب و حجازیها از اولاد او باشند ، و حجر اسماعیل منسوب باو باشد .

و زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ . - ۸۹
 فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَوَصَّلْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي
 الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ . - ۹۰ وَالَّتِي أَحْصَنَتْ
 فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ . - ۹۱ إِنَّ هَذِهِ
 أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ . - ۹۲ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا
 رَاجِعُونَ . - ۹۳ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيهِ وَإِنَّا لَهُ
 كَاتِبُونَ . - ۹۴ .

زَكَرِيَّا : در آیات اول سوره مریم ، بطور اجمال بحثی از آن شده است .
 و زَوْجَهُ : رجوع شود به آیات ۶ و ۷ سوره مریم ، و ۳۹ - آل عمران .
 الَّتِي أَحْصَنَتْ : آیات ۹۱ از سوره انبیاء .
 و ابْنَهَا : ۹۱ از سوره انبیاء .

می فرماید : زمانیکه نداء کرد زکریا پروردگارش را که : پروردگار من مرا ترک مکن
 تنها ، و تو بهترین وارث گذشتگان هستی . - ۸۹ پس اجابت کردیم برای او ، و
 بخشیدیم برای او یحیی را ، و اصلاح کردیم برای او زوجش را ، بتحقیق آنها سرعت
 میکنند در انجام امور خیر ، و میخوانند ما را از روی رغبت و ترس ، و بودند برای ما
 خشوع کنندگان . - ۹۰ و آنکه حفظ کرد دامن خود را ، پس دمیدیم در آن از روح
 خودمان ، و قرار دادیم او و فرزندش را آیت و نشانه برای مردم دنیا . - ۹۱ این امت
 شما است که تنها امتی باشند ، و من پروردگار شما هستم ، پس مرا پرستش

کنید . - ۹۲ و قسمت کردند جریان امر خودشانرا در میان خود ، و همه آنها بسوی ما برگشت خواهند کرد . - ۹۳ پس کسیکه عمل کند از اعمال صالح و صحیح و او ایمان داشته باشد ، پس پوشیدنی نیست برای او و برای کوشش او ، و ما سعی او را ضبط میکنیم . - ۹۴ .

نتیجه :

او فرزندشرا آیت : حضرت یحیی و چگونگی زندگی او : آیت بزرگ و جالبی بود از مقامات معارف الهی ، و از عبودیت و توجه خالص بخداوند متعال ، و مطالعه زندگیهای انبیاء گرامی هر یک کتاب مستقل و کافی برای ارشاد بوده است .

و حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ . - ۹۵ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ
و مَا جُوجُ وَ هُمْ مِنْ كُلِّ حَذَبٍ يَنْسِلُونَ . - ۹۶ وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَاذَا هِيَ
شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا
ظَالِمِينَ . - ۹۷ إِنَّكُمْ وَ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا
وَارِدُونَ . - ۹۸ لَوْ كَانَ هُوَ لِآلِهَةٍ مَا وَرَدُوهَا وَ كُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ . - ۹۹ لَّهُمْ فِيهَا
زَفِيرٌ وَ هُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ . - ۱۰۰ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ
عَنْهَا مُبْعَدُونَ . - ۱۰۱ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَ هُمْ فِيهَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ
خَالِدُونَ . - ۱۰۲ .

یأجوج و مأجوج : در سوره کهف ، آیه ۹۴ گفته شد که آنها دو طائفه هستند از جنس زرد پوستان که در شمال چین ساکن باشند ، و از آنها باشند طایفه مغول و تتر ، که در قرن هفتم بایران حمله کرده و شهرهای شرق ایران را تصرف نمودند . و در آن حمله جمعی از دانشمندان کشته شدند ، و از جمله آنها بود ، عطار

نیشابوری در شهر نیشابور .

من کلّ حَدَبٍ یَنْسَلون : حَدَبٌ بمعنی محلّ مرتفع باشد .
 و نَسَلٌ : بمعنی ساقط شدن ، و سرعت کردن ، و توالد .
 شاخِصَة : بمعنی مرتفع ، و متورّم ، و باز کردن چشم است .
 حَصَبٌ : سنگ ریز ، آنچه بآتش می اندازند .
 زَفیرٌ : تنفّس و بیرون آوردن نفس که دفع حرارت گردد .

می فرماید : و حرام و ممنوعست بر آبادی که هلاک کردیم آنرا ، که آن رجوع نمیکنند . - ۹۵ تا وقتیکه سدّ یا جوج و مأجوج برداشته شده و آنها از هر بلندی سرازیر گردند . - ۹۶ و نزدیک شده است وعده حقّ متعال که ساعت مجازاتست ، و در این ساعت چشمهای آنانکه ظالم و متجاوز هستند از شدّت حیرت متوقّف شود ، و گویند ای وای بر ما که از حدّت و شدّت این روز غفلت کرده بودیم ، و ما ظالم بودیم بخودمان . - ۹۷ بتحقیق شما و آنچه عبادت میکنید آنرا ماده سوزان جهنّم باشند ، و شما بآن وارد می شوید . - ۹۸ و هرگاه بودند این امور معبودهای حقّ ، هرگز واقع نمی شد که داخل آتش شوند ، در صورتیکه برای آنها که در آتش باشند ، دوام و پاینده بودن باشد . - ۹۹ و برای اهل جهنّم تنفّسی باشد و آنها از شنیدن محروم هستند . - ۱۰۰ بتحقیق آنانکه واقع شده است بر آنان از طرف ما نیکویی آنها دور می شوند . - ۱۰۱ نمی شنوند صدا و حرکت آنرا و آنها در محیطی که می خواهند زندگی همیشگی پیدا میکنند . - ۱۰۲ .

نتیجه :

رجوع نمیکنند : آری قومیکه در اثر عصیان و خلاف از جانب خداوند متعال بهلاکت میرسند ، امید نجات و برگشت و زندگی و رجوع جدیدی برای آنها نباشد ،

زیرا هر کسی یکمرتبه بحساب اعمال او بدقت رسیدگی میشود ، و نتیجه صددرصد روشن گشته و برگشتی پیدا نمیکند .

تا سدّ برداشته شود : می فرماید که این افراد هلاک شده برگشت نمیکنند ، حتی روزیکه یأجوج و مأجوج آزاد شده و از هر طرف وارد شوند ، ولی این افراد هلاک شده نمیتوانند از محدودیت خودشان آزادی پیدا کرده و بزندگی خودشان برگردند . - ۹۶ و نزدیک شده است وعده حقّ الهی ، پس در این زمان حیرت زده میشود چشمهای افرادی که کافر شده اند ، و گویند که ای وای بر ما که غفلت کردیم از این جهت ، و ما ظلم کننده بودیم بخودمان . - ۹۷ .

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ . - ۱۰۳ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ . - ۱۰۴ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . - ۱۰۵ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ . - ۱۰۶ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ . - ۱۰۷ .

الْفَزَعُ الْاَكْبَرُ : خوف با اضطرابست که وجود انسانرا فراگیرد .

وَ تَلَقَّيْ : أخذ کردن بهم رسیدن و ملاقات .

طَيَّ السَّمَاءَ : پیچیدن آسمان که بهم پیچیده گردد .

السِّجِلِّ : کتاب مخصوصی است که نوشته های مخصوصی در آن باشد .

الزَّبُورِ : بمعنی کتاب و نوشته است ، و نام کتاب داوود است .

می فرماید : محزون و غمگین نمیکند آنها را ، خوف و اضطراب سنگین ، و أخذ و برخورد میکند آنها را ملائکه ، و گفته می شود که این روزیست که شماها بآن وعده

شده‌اید . - ۱۰۳ روزیکه می‌پیچانیم آسمانها را مانند پیچانیدن نوشته‌ها بوسیله سِجَلّ که جلد نوشتجات است ، آن چنانکه در آغاز آفرینش بود ، و همچنین به وعده‌ایکه داده‌ایم برمیگردانیم آنها را . - ۱۰۴ و بتحقیق ثبت کردیم در کتاب زبور داود که زمین را بندگان صالح و درستکار وارث می‌شوند . - ۱۰۵ بتحقیق ما ضبط کرده و نوشتیم که زمین را پس از ذکر بندگان من وارث گردند . - ۱۰۶ و این معنی رسانیدن حقیقتی است برای قومی که پرستش کنندگانند ، و ما تو را نفرستادیم مگر برای مهربانی و اظهار رحمت به جهانیان . - ۱۰۷ .

نتیجه :

محزون نمیکند : آری کسیکه اطمینان بمحاسبات خود داشته و خود را بدهکار نمی‌بیند : از خوف و اضطراب حساب در امان خواهد بود ، وارد شده است که - الخائن خائف - کسیکه خیانتکار است همیشه ترسنده باشد .
أخذ ملائکه : ملائکه مامورین الهی هستند ، برای همه افراد که بهشتی باشند و یا جهنمی ، و آنها با نور ذاتی مقامات اشخاص را دیده و می‌فهمند .
می‌پیچانیم : آری در آنروز نظم کواکب و آسمانها و زمین بهم خورده ، و عوالم از صورت سابق بصورت آسمانی و ما فوق طبیعت تبدیل شود ، و در حقیقت حقایق غیر طبیعی ظاهر گشته ، و جهان از عوالم بهشت و جهنمی متشکل گردد .
آری نقشه‌ها و برنامه‌های دنیوی سپری شده ، و محیط کار و عمل به محیط مجازات و پاداش و جزاء تبدیل گردد .
و خصوصیات آن عالم قابل بحث و توضیح نیست .

قُلْ إِنَّمَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ . - ۱۰۸ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّمَ آذُنُكُمُ عَلٰى سَوَآءٍ وَإِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ . - ۱۰۹ إِنَّهُ يَعْلَمُ

الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ . - ۱۱۰ وَإِنْ أَدْرَىٰ لَعَلَّ فِتْنَةَ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ . - ۱۱۱ قُلْ رَبِّ أَحْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ . - ۱۱۲ .

وَحَى : فهمانیدن است با اشاره باشد یا بتفہیم غیر آن .
 تَوَلَّى : نزدیک شدنست ، و با کلمه عن بمعنی دور شدن و اعراض باشد .
 اِيْذَان : خبر دادن و اطلاع گرفتن باشد .
 سَوَاء : برابری و مساوی بودن بدون ترجیح طرفی .
 فِتْنَةٌ : آزمایش و گرفتاری و ناملائم است .
 مَتَاع : لذت و ملایم طبع باشد .
 مُسْتَعَان : کسیکه یاری و کمک طلبیده میشود .

می فرماید : بگوی که اینست وحی میشود بمن که معبود شما خدای یگانه است ، پس آیا شما تسلیم و مطیع او هستید ؟ - ۱۰۸ پس اگر برگردند و مخالفت کنند ، پس بگوی که من اعلام کردم شما را روی تساوی و برابری ، و اگر بدانم که آیا نزدیکست آنچه وعده می شوید ؟ و یا دور است . - ۱۰۹ بتحقیق خداوند میداند آنچه را که در قلب دارید ، و آنچه را که ظاهر میکنید . - ۱۱۰ و اگر بدانم آنچه را که برای شما است ، آیا فتنه و گرفتاریست ، و یا لذت و ملایم است تا زمانی معین . - ۱۱۱ بگوی : پروردگارا حکم کن بحق ! و پروردگار ما رحمتش عمومی است و کسی است که همه از او یاری مطلبند . - ۱۱۲ .

نتیجه :

خدای یگانه : وقتیکه معبود حق یگانه و واحد شد ، هرگز بحکم عقل و

وجدان نتوان از او کنار رفته و منحرف گشت . و مخصوصاً کسی باشد که همه موجودات غرق نعمت و رحمت او باشند .

روی تساوی : آری افراد همه بطور مساوی مکلف هستند ، و بطور مساوی نتایج اعمالشانرا مشاهده میکنند ، و ملائمت و یا ناملائمت وجودشانرا زود و یا دیر درک میکنند ، و در اینجهت امتیازی در میان نباشد .

این چند آیه کریمه ، نتیجه این سوره ، و نتیجه خطابات با انبیاء است .

۱- از خداوند یگانه اطاعت کرده ، و تسلیم او باید شد .

۲- در مقابل تکالیف و دستورهای الهی همه و همه برابر هستند .

۳- وعده‌های پروردگار متعال صددرصد قطعی است ، اگرچه دیر عمل شود .

۴- خداوند متعال از نیات قلبی شما آگاه است .

۵- آنچه خداوند برای بندگانش در نتیجه نیات و اعمالشان ، مقدر فرموده است

از دیگران پوشیده است .

تمام شد از جلد چهاردهم ، (قسمت اول از سوره انبیاء) و شروع میشود با

توجه خداوند متعال به سوره حج ، و از او یاری و توفیق میخواهم .

سوره حجّ

سوره - ۲۲ عدد آیات ۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ . - ۱ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ
 كُلَّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ
 مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ . - ۲ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ
 بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ . - ۳ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلَّهُ وَ
 يَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ . - ۴ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا
 خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ
 لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَ نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ
 لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ
 بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئاً وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ
 أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ . - ۵ .

ساعت : چون بطور مطلق ذکر شود ، باخرین ساعت زندگی دنیوی که زمان
 انتقال بعالم آخرت است اطلاق می شود . و مراد زلزله و اضطراب و تحولات
 شدید است که در موجودات و مخصوصاً در انسانها پیدا می شود .
 ذَهْلٌ وَ ذُهُولٌ : فراموش کردن و غفلت کردن است .
 رَضَعٌ وَ رَضَاعٌ : شیر دادن ، و از پستان خوردن است .
 وَ سُكَارَى : جمع سَكَرَى ، بمعنی مست شدن و بیهوشی است .
 وَ مَرَدٌ : بمعنی قطع و تجاوز و عصیان است . و مَرِيدٌ بمعنی تجاوز کننده است .
 وَ سَعِيرٌ : بمعنی مشتعل و سوزان و دردناک است .

عَلَقَه : چیزیکه تناول کند آنرا چهارپایان از نباتات و أشجار .
 مُضَغَه : چیزیکه جویده میشود از گوشت و غیر آن .
 هَامِدَة : چیزیکه ساکن و آرام و از عوارض دور باشد .

می فرماید : ای مردم در مقابل خداوند متعال تقوی و خودداری داشته باشید ،
 بتحقیق زلزله ساعت زمان آخر از زندگی ، چیز بسیار بزرگیست . - ۱ روزیست که
 می بینی در آن که غفلت میکند مادر شیر دهنده از آن بچه ایکه شیر می خورد ، و
 بزمین میگذارد هر حمل کننده محموله خودشرا ، و می بینی مردم را مست
 شدگان ، و آنها مست نباشند ، ولی عذاب خداوند شدید باشد . - ۲ و از مردم برخی
 هستند که مجادله میکنند در خصوص خداوند ، بدون داشتن علم ، و پیروی
 میکنند از هر شیطان طرد شده متجاوز . - ۳ نوشته شده است که هر کسیکه پیروی
 کرد از شیطان ، شیطان او را گمراه میکند و هدایت کند او را بعذاب شعله ور
 سوزان . - ۴ ای مردم اگر در شک هستید از بعث و قیامت ، پس ما آفریدیم شما را
 از خاک و سپس از نطفه ، و سپس از عَلَقَه ، و پس از آن از مُضَغَه مخلّقه و غیر
 مخلّقه ، تا روشن کنیم برای شما ، و قرار بدهیم در أرحام آنچه را که می خواهیم ، تا
 وقت

شده ، و سپس خارج کنیم شما را بصورت طفل ، و پس از آن برسید بکمال وجودی
 خودتان ، و از شما کسی هست که بآخر میرسد ، و برخی از شما برگردانده میشود به
 پست ترین عُمر ، تا نداند پس از دانستن چیزها ، و می بینی زمین را ساکت و آرام ،
 و چون نازل کردیم بر آن آبرا بحرکت درآمده و نمو کرده و می رویاند از هر جنس
 خرّم . - ۵ .

نتیجه :

زلزله ساعت : در این زلزله موجودات از ظاهر و باطن متزلزل و متحوّل می‌شوند ، و اختصاص بزلزله مکانی ندارد ، و عظیم بودن این زلزله از این لحاظ باشد ، و در حقیقت نوع مخصوص از ابتلاء و سختی و ناراحتی است که در اثر تحوّل نوع زندگی و محیط پدید آید .

و نمونه‌ای از این زلزله کلی : زلزله در افرادیست که در ساعت آخر از زمان قبل از مرگ پدیدار گشته و حالت و زندگی را دگرگون می‌کند .

شیطان مرید : شیطان هر فردیست که منحرف و دور از رحمت پروردگار است ، خواه از انسانها باشند و یا از نوع جنّ .

کنتم فی ریب : ریب عبارتست از توهم کردن با شک ، یعنی تخیل و توهمی که توأم با شک باشد .

و در مقام ردّ و توضیح این توهم چهار مورد ذکر شده است که در حقیقت از مصادیق بعث باشند - بعث از تراب ، بعث از نطفه ، بعث از علقه ، بعث از مضغه ، و بعث مورد نظر که موجب ریبه و توهم است ، از همین قبیل باشد .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - ۶ و
 أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ . - ۷ و مِنَ النَّاسِ مَنْ
 يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ . - ۸ ثَانِيًا عِطْفَهُ لِيُضِلَّ عَن
 سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَأَنَّهُ يُغْنِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ . - ۹ ذَٰلِكَ بِمَا
 قَدَّمْتُمْ يَدَاكُمُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . - ۱۰ .

الحقّ : بمعنی الثبوت ، و الوجوب ، و الجدير .

مجادله : خصومت شدید ، و قوّت و صلابت است .

مُنیر : از مادّه نور و بمعنی روشنائی دهنده است .
 ثانی : تمایل کننده ، پیچانده است .
 عطف : میل ، و رجوع کردن .
 خزی : ذلت و هوان است .
 ظلام : ظلم کننده‌ای که برنامه او ظلم باشد .

می‌فرماید : خداوند متعال وجود واجب و ثابتی است ، و او مردگانرا زنده میکند ، و او بر هر چیزی قادر است . - ۶ و بتحقیق که ساعت برای قیامت آینده است ، و شکّ و توهمی نیست در آن ، و خداوند برمی‌انگیزاند آنچه را که دفن شده و در قبور است . - ۷ و از مردم است که مجادله میکند درباره خداوند متعال ، بغیر علم ، و بدون هدایت و نوشته روشن کننده . - ۸ و برگردانده باشد تمایل خود را تا منحرف کند دیگرانرا از راه خداوند ، برای او است در دنیا خواری ، و می‌چشانیم برای او در آخرت عذاب آتش سوزانرا . - ۹ و اینمعنی بخاطر اینستکه اعمال نامناسبی داشته ، و خداوند هرگز ظلم کننده نیست به بندگان خود . - ۱۰ .

نتیجه :

هو الحقّ : او است که حقّ و ثابت صددرصد است ، و هیچگونه تحوّل و تغیری در وجود او پیدا نمیشود ، زیرا چیزیکه متحوّل و متغیّر گردد : هرگز وجود او حقّ و ثابت و دائمی نباشد - و کلّ متغیّر حادث .
 علی کلّ شیءٍ قدیر : برای اینکه ذاتش ثابت و حقّ است ، و هرگز در وجود او ضعف و فقر و احتیاجی نباشد ، و از آثار نبودن فقر و احتیاج اینست که در مقام اراده بوجود آوردن چیزی ، با قدرت ذاتی و اراده نافذ و کامل خود ، اراده خود را صورت عمل بدهد .

الساعة آتية : پیدایش ساعت آخر از زندگی دنیوی مادی ، نتیجه این زندگی است ، و مقدمه است برای روشن شدن حساب و بدست آوردن ثواب و عقاب از اعمال گذشته ، و اگر این نتیجه روشن نگردد : زندگی این دوره دنیوی لغو و عبث خواهد بود .

آری هر انسانی حدود پنجاه سال با ناملائمات و گرفتاریها مواجه شده و صبر میکند ، و خواه و ناخواه بامید حسن عاقبت است ، و اگر در نتیجه حساب و جزایی نباشد ، زهی بدبختی و یأس باشد .

و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ . - ۱۱
 يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ . - ۱۲
 يَدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَ لَبِئْسَ الْعَشِيرُ . - ۱۳ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ . - ۱۴ .

حَرْفٌ : بمعنی جانب و طَرْفٌ ، و میل و عدول است .

فِتْنَةٌ : بمعنی اختلاف و انحراف از حق است .

الْمَوْلَى : شخصیکه در مقام ولایت و تولی شود .

عَشِيرٌ : کسی که با او آمیزش و خویشی باشد .

می فرماید : برخی از مردم هستند که پرستش می کنند خداوند متعال را روی حرف (بگوشه ای از سخن) پس اگر خیر و سودی داشت : قلبش آرام و مطمئن گردد ، و اگر اختلاف و ناراحتی پیدا شود ، برمیگردد ، و چهره اش را عوض میکند : او

زیانکار باشد در جهت دنیا و هم در آخرت ، و این معنی زیانکاری آشکار است . - ۱۱
 میخواند از غیر خداوند کسیرا که ضرر و نفعی نمیدهد او را ، و این گمراهی دور از
 حقّ است . - ۱۲ دعوت میکند کسی را که ضرر او بیشتر و نزدیکتر از نفع است ، هر
 آینه بد مولى و بد خویشی دارد . - ۱۳ بتحقیق آنان را که ایمان آورده و أعمال
 صالح بجا آوردند ، خداوند متعال داخل میکند آنها را به بهشتهاییکه جاری می شود
 از زیر درختها ، نهرها ، و خدا آنچه را که بخواهد عمل میکند . - ۱۴ .

نتیجه :

روی حرف : البتّه پرستش کردن خداوند متعال و عبودیت او لازمست که با
 خلوص نیت و بقصد خالص باشد ، و اگر توجّه به منافع مادی و بلکه بجهت معنوی
 و اخروی باشد : از حقیقت عبودیت خارج می شود .
 او زیانکار باشد : آری وقتی انسان از عبادات خود بهرمنند میشود که بنظر خالص
 و با نیت پاک عبادت کرده ، و هیچگونه توجّهی بجهت دیگر نداشته باشد .

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ
 ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ . - ۱۵ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
 وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ . - ۱۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَ
 النَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ . - ۱۷ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
 وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَ
 كَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا
 يَشَاءُ . - ۱۸ .

لُيْمَدُ: بمعنی تطویل و جذب و بسط است ، و فعل أمر است .
 صابئین : جمع صابئه است که ذکر شده است .
 مَجُوس : اطلاق می‌شود به پیروان زردشت که در ایران بودند .
 يُهِنُ اللّهُ : خوار و تحقیر و تضعیف است .

می‌فرماید : کسیکه تصوّر می‌کند که یاری نخواهد کرد او را در دنیا و آخرت ، خداوند متعال ، پس با یک وسیله‌ای امتداد بدهد تا آسمان ، و سپس آن وسیله را قطع کند ، و بدقت نظر کند و ببیند که آیا مکر و حيله او زایل میکند آنچه را که او را بغضب می‌آورد . - ۱۵ و اینچنین نازل کردیم آیاتی را که روشن است ، و خداوند هدایت میکند آنکه را که بخواهد . - ۱۶ بتحقیق آنانکه ایمان آوردند ، و آنانکه به یهودیت گرایش پیدا کردند ، و ستاره پرستان ، و ترسایان ، و گبران ، و آنانکه شرک آوردند ، بتحقیق خداوند متعال جدا میکند آنها را از همدیگر ، و خداوند بر هر چیزی شاهد و آگاه است . - ۱۷ آیا ندیدی که خداوند را سجده میکند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ، و آفتاب و ماه و ستارگان و کوهها و درختها و چهارپایان ، و بسیاری از مردم ، و بسیاری از افراد که ثابت است بر آنها عذاب ، و کسیکه إهانت کند خداوند او را : هیچ گرامی گیرنده‌ای او را نباشد ، و خداوند میکند آنچه را که خواهد . - ۱۸ .

نتیجه :

سجده میکند آنچه : یعنی همه موجودات سماوی و ارضی بهمگی در مقابل خداوند متعال و فرمان و حکم او ، مطیع و فرمانبردار و تسلیم صرف هستند .
 آری سجده تکوینی مخصوص افراد مؤمن نباشد ، بلکه همه در مقابل او خاضع و مطیع و تسلیم هستند ، و در مقام تکوین هرگز عصیان و تخلف در میان اراده

خداوند متعال و موجودات دیده نمیشود .

هُذَانِ حَضْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ . - ۱۹ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ . - ۲۰ وَ لَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ . - ۲۱ كَلِمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ . - ۲۲ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ . - ۲۳ وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ . - ۲۴ .

إختصام : اختیار کردن خصومت و دشمنی است .

قُطِّعَتْ : تقطیع بمعنی قطع و بریدن است .

يُصَبُّ : از صب که بمعنی ریختن است . (ریخته میشود)

حَمِيم : آب یا مایع دیگر که گرم باشد .

يُصْهَرُ : از صهر بمعنی جوشاندن و آب کردن است .

مَقَامِعٌ : جمع مِقْمَعٍ و بمعنی آلت تذلیل و قهر است .

می فرماید : این دو گروه (مؤمنین و کافرین) خصم همدیگرند که درباره پروردگار متعال با هم خصومت میکنند ، و آنانکه کافر شدند بریده میشود برای آنها لباسهایی از آتش ، و ریخته میشود از بالای سرهای آنها آب گرم . - ۱۹ و جوشاننده گردد با آن آنچه در شکمهای آنها است و پوستهای آنها . - ۲۰ و برای آنها است که آلات قهر و تذلیل بکار می رود که از آهن باشد . - ۲۱ و هر موقعیکه خواستند که بیرون شوند از آنجا ، برگردانیده گردند بآنجا ، و گفته می شود که بچشید عذاب سوزانرا . - ۲۲ و آنانکه ایمان آورده و اعمال صالح بجا آرند داخل میکند خداوند

آنها را به باغهاییکه جاری میشود از زیر درختها نهرها ، و زینت میشوند با دست بندهایی از طلا و لؤلؤ ، و لباس آنها در آنجا از حریر باشد . - ۲۳ و هدایت می‌شوند به گفتار پاکیزه و هدایت شوند براهیکه پسندیده است . - ۲۴ .

نتیجه :

و ریخته میشود : این عمل بخاطر افکار و اعتقادات باطل آنها است که در سر و مغز خود می‌پرورانند ، و راه تطهیر آن افکار همین است که با آب داغ آن افکار شستشو داده شود ، چنانکه لباسهای آتشین برای سوزاندن و محو کردن آثار اعمال سوء باشد ، و حتی آثار اکل و شرب از محرّمات که آنها مصرف کرده‌اند .

و آلات قهر و تذلیل : و این آلات برای رام و ساکت کردن آنها باشد که مبتلا به گردنکشی و خودبینی هستند ، چنانکه این برنامه در مقابل برخی از حیوانات ، بخاطر تسلیم و اطاعت و آرام کردن بکار می‌رود .

به باغهاییکه : در مقابل محیط زندگی افراد کافر باشد ، که افراد مؤمن و وابسته بخداوند متعال که با مقام قدس الوهیت ارتباط دارند ، در باغهای سبز و خرم باشند که از زیر درختها ، آب جاری گردد ، و لباس آنها از حریر باشد که لطیفترین پارچه‌ها است ، و دست بندهایی از طلا و لؤلؤ بدست می‌کنند که بعنوان زینت باشد .

و هدایت میشوند : این هدایت جهت تکوینی داشته و بموجب صفات ذاتی و حالات نفسانی آنها است که بدست آورده‌اند .

چنانکه کفار باقتضای صفات باطنی و قلبی آنها لباسهای مخصوص و خوراک مخصوصی داشته ، و رفتار و گفتارشان تاریک گردد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيُضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ

لِلنَّاسِ سِوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ . - ۲۵ و إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ . - ۲۶ و أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ . - ۲۷ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقْتَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْبَأْسَ الْفَقِيرَ . - ۲۸ .

صَدَّ : مانع شدن و ایجاد منع است .

الْعَاكِفُ : کسی که خود را منع و حبس کرده و ملازم باشد .

و الْبَادِ : از ماده بدی که بمعنی ظهور و آشکار شدن است .

إِلْجَادُ : میل کردن از چیزی ، و تمایل از حق است .

تَبَوَّأَهُ : أخذ محلّ و نزول در مکان است .

رِجَالٍ : جمع راجل که بمعنی پیاده است .

ضَامِرٍ : شخصیکه لاغر و کم گوشت باشد .

فَجٍّ : فرجه و محلّ گشاده است .

الْبَأْسُ : شخصیکه در شدت و خوف باشد .

بَهِيمَةً : هر حیوان چهارپایی است که درنده و پرنده نباشد .

می فرماید : بتحقیق آنانکه کافر شدند و مانع میشوند از راه خداوند متعال و از مسجد الحرام که قرار دادیم آنها برابر و یکسان برای اشخاص معتکف که ملازم مسجد هستند ، و مردم خارجی که در بیرون مسجد هستند ، و کسیکه اراده کند در ارتباط بآن مسجد ظلم و تجاوز را ، می چشانیم او را عذاب دردناکی را . - ۲۵ و زمانیکه مکان دادیم برای ابراهیم در محیط بیت مسجد ، اینکه شرک قرار مده

برای خداوند متعال چیزها ، و پاکیزه کن بیت مرا برای طواف کنندگان ، و قیام کنندگان برای عبادت ، و رکوع کنندگان ، و سجده کنندگان . - ۲۶ و اعلام کن برای مردم به زیارت حجّ که بیایند بسوی تو پیاده ، و بر هر مرکبی مجهّز و لاغر ، که بیایند از هر راه گشاده و دور . - ۲۷ تا مشاهده کنند منافی را برای خودشان ، و یاد کنند پروردگار را در آیام معلوم حجّ ، روی آنچه روزی کرده است خداوند متعال آنها را از چهارپایان قربانی ، پس بخورید از آن قربانیها ، و اطعام کنید بهر شخصی که در شدت و اضطرابست . - ۲۸ .

نتیجه :

و المسجد الحرام : عطف است به - سبیل الله - و ملعوم میشود که مانع شدن از مسجد الحرام از مصادیق صدّ از سبیل الله باشد . و صدق میکند به حکومتها یکه مانع از سفر حجّ می شوند ، و دلالت میکند باینکه مانع شدن از زیارت مسجد الحرام در عرض کفر بخدا است .

و فج عمیق : اشاره است به کروی بودن زمین که بلاد دیگر قهراً پائینتر باشند از سرزمین مکه معظمه ، از هر طرف حساب شود .

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ . - ۲۹ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ . - ۳۰ حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ . - ۳۱ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ . - ۳۲ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ . - ۳۳ .

- تَفَثٌ : بمعنی وَسَخ و چرک زائد باشد .
 حُنْفَاءٌ : جمع حنیف ، بمعنی متمایل بحق یا باسلام است .
 خَرٌّ : از ماده خُرور و بمعنی سقوط است .
 سَحِیقٌ : بمعنی دور و چیز طرد شده است .
 حُنْفَاءٌ لِلَّهِ : متوجّه و متمایل بسوی خداوند است .
 تَخَطَّفُ : از خَطَفٌ که بمعنی گرفتن و أخذ بسرعت است .

می فرماید : سپس انجام بدهند پاکسازی خود را ، و باخر برسانند تعهدات خودشانرا که لازم است عمل کنند ، و طواف کنند به بیت عتیق (خانه کعبه که ساخته حضرت ابراهیم است) . - ۲۹ این معنی بخاطر اینستکه : کسیکه تعظیم کرده و بزرگ بشمارد حرمت‌های پروردگار متعال را پس آن بهتر و نافعتر است نزد خداوند ، و حلال شده است برای شما گوشت چهارپایان ، مگر آنچه خوانده میشود برای شما ، پس دوری کنید از رجس و نجس از بت‌های نصب شده و پرهیز کنید از گفتار منحرف . - ۳۰ و متمایل باشید بسوی خداوندیکه حق است ، و شریک قرار ندهید او را ، پس اگر کسی شریک قرار داد او را : گویی که از آسمان سقوط کرده ، و بزمین افتاده است ، پس مرغ‌های پرنده او را بسرعت گرفته است ، و یا باد تند او را بزمین دوری انداخته است . - ۳۱ و این معنی برای اینست که کسیکه شعارها و آثار اِلَهِی را بزرگ بشمارد : آن از نتایج پرهیزکاری قلوب باشد . - ۳۲ و برای شما در این برنامه منافی است تا مدّت معین ، و سپس جایگاه آن بسوی بیت عتیق (کعبه) باشد . - ۳۳ .

نتیجه :

پاکسازی خودتان را : منظور مهتّا شدن و تطهیر بدن و لباس و تنظیف آن است

برای آماده شدن برای طواف خانه کعبه .

و بیت عتیق : مسجد کعبه است که بدست حضرت ابراهیم و اسمعیل ساخته شده است ، و مسجدی قدیمی‌تر از آن نباشد که بمعنی ثابت و قدیم و نیکو و شریف باشد .

گویی که از آسمان سقوط کرده : و از مصادیق حقیقی آسمان - سماء و آسمان روحانی است ، و کسیکه شرک قرار میدهد بخداوند متعال ، در حقیقت از مقام روحانی و حقیقت تنزل کرده ، و از مرحله توحید حق متعال سقوط نموده ، و بشرک گرفتار شده است .

و پس مرغهای پرنده : آری کسیکه از مقام توحید و حقیقت منحرف شده ، و بشرک وابسته گردید در حقیقت مورد استفاده مرغان وحشی بیابان قرار گرفته ، و تحت نفوذ و تأثیر بادهای وزنده گشته ، و بهر طرفی که وزید او را هم همراه خود حرکت خواهد داد .

و باد تند : مقصود باد تند هوی پرستی است که صاحبش را از محیط حق و عدل و صواب دور کرده ، و در بیابان هوسرانی فرو خواهد برد .

و لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ . - ۳۴ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ . - ۳۵ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمَعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . - ۳۶ .

مَنْسَك : و نَسَك و نُسُوكاً بمعنی تعبد و زهد و تطوع است .

بَهيمَةُ الْأَنْعَامِ : چهارپایان که درنده نباشند ، چون گوسفند و شتر و گاو که با ذبح قابل خوردن میشوند .

و مُخْبِتِينَ : از اخبات که بمعنی خشوع و إخفاء و اطمینان است .

و مَوْجِلٍ و وَجَلٍ : از باب نصر و عَلِمَ ، بمعنی خوف است .

و بُدْنٍ : جمع بادِن و بَدِين ، بمعنی آنکه تنش چاق باشد .

شَعَائِرٌ : بمعنی علامات و جمع شَعَار است ، و در مفرد شَعَارَه گویند .

صَفٌّ : منظم شدن است و صَوَافٍ جمع صَافَه و صَافٍ است .

و وُجُوبٌ : بمعنی ثبوت و تمام شدنست .

و قَانِعٌ : کسی که راضی ، و سائل متواضع است .

و مُعْتَرٌّ : کسی که در شدّت و اضطراب باشد .

می‌فرماید : برای هر امت و طائفه‌ای را قرار داده‌ایم عبادت مخصوصی ، تا یاد کنند نام خدا را روی آنچه روزی داده است بآنها از چهارپایان قربانی ، پس پروردگار شما خدای یکتا است ، پس در مقابل او تسلیم باشید ، و بشارت بدهید خشوع کنندگانرا . - ۳۴ آنانکه چون یاد شود خداوند متعال ، از هیبت او ترسناک گردد دل‌های آنها ، و آنان صبر کننده باشند بآنچه بآنها برسد از ناگواریها ، و بر پا کنندگان نماز باشند ، و از آنچه بآنها داده می‌شود انفاق کنند . - ۳۵ و چهار پایان قربانیرا قرار دادیم برای شما از علامات مقام عظمت پروردگار متعال ، و برای شما در این برنامه خیر است ، پس یاد کنید نام خدا را در قربانیها ، پس یاد کنید نام خدا را در حالت نظم داشتن ، و چون پهلوه‌ای قربانی بزمین افتاد : پس بخورید از گوشت آن ، و إطعام کنید به افرادی که قانع هستند ، و آنها یکه در شدّت زندگانی هستند ، این چنین مسخّر و رام کردیم آن چهارپایانرا برای شما ، شاید شما شاکر باشید . - ۳۶ .

نتیجه :

عبادت مخصوصی : عبادت لازم است باقتضای محلّ و مطابق حال و مقام باشد ، و عبادت چون داروئی است از جانب طبیب حاذق در مورد لازم و مخصوص تجویز گردد ، و باید با رعایت شرائط لازم صورت بگیرد .

و اگر نه : برای بیمار جسمی و یا روحی ، موجب گرفتاری شدید خواهد شد .

و در اینجا برای بیماران نیازمند ، شرائطی ذکر شده است :

أول - بودن در حالت طمأنینه و تسلیم و تفویض .

دوم - عبادت مخصوصی که برای آنها معین شده است ، باید مقید باشند .

سوم - قربانی کردن است که گوشت آن بفقراء اطعام بشود .

چهارم - روی اخلاص بخداوند متعال متوجه شده و پرستش کنند . - ۳۴ .

و بشارت بده محبتین را که دارنده صفات زیر هستند :

أول - چون یادی از خداوند بشود ، حالت اضطراب و وحشت پیدا کرده ، و بأعمال خود توجه پیدا میکنند .

دوم - در مقابل ناگواریها و پیش آمدها متحمل و صابر گردد .

سوم - در موضوع نماز اهتمام کاملی داشته باشند که نماز بزرگترین وسیله ارتباط بنده با پروردگار متعال باشد .

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَ لَدِمَاؤَهَا وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ . - ۳۷ إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ . - ۳۸ أذنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ . - ۳۹ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ

لَقَوَىٰ عَزِيزٍ . - ۴۰ .

نَیْل : بمعنی إصابه و بلوغ و وصول است .
 خَوَّان : صیغه مبالغه است از خیانت از مادّه خَوْن .
 صَوَامِع : جمع صَوَمَع ، بنای بلند ، محلّ راهب ، دَیْر ، بالای کوه .
 بَیْع : جمع بَیْعَه ، بمعنی مَعْبَد نصاری و یهود است .
 صَلَوَات : معابد یهود است ، و در معرّب : صلواتا کنائس یهود است .
 عزیز : بمعنی غالب و قوی و شدید است .

می فرماید : هرگز نمیرسد بخداوند متعال گوشتهای قربانیها که اطعام میکنند ، و نه خونهای آنها که ذبح میشوند ، ولیکن میرسد باو صفت تقوی و خودداری بندگان ، و اینچنین مسخّر کرده است خداوند متعال قربانیها را برای شما ، تا تکبیر کنید او را در مقابل آنچه بخشیده است برای شما ، و بشارت بده نیکوکارانرا . - ۳۷
 و خداوند متعال دفاع می کند از افرادی که ایمان آورده اند ، و او دوست نمیدارد هر کسی را که خیانتکار و کفر ورزنده است . - ۳۸ اذن داده شده است برای کسانی که در مورد قتال واقع میشوند و مظلوم شده اند ، که از خود دفاع کنند ، و خداوند بر یاری کردن آنها هر آینه توانا باشد . - ۳۹ کسانی که بیرون شده اند از خانه های خودشان بدون حق ، مگر آنکه گویند پروردگار ما خداوند متعال است ، و اگر نباشد که پروردگار متعال دفع کرده و حفظ کند مردم را بوسیله مردم دیگر : هر آینه خراب میشود صومعه ها و کنیسه ها و مساجدیکه ذکر میشود در آنها اسم پروردگار متعال ، و هر آینه یاری میکند خداوند کسی را که یاری کند او را ، و خداوند هر آینه توانا و غالب و شدید است . - ۴۰ .

نتیجه :

نمیرسد بخداوند گوشتها : آری خداوند متعال مانند مردم نیست که طمعی در گوشت و خون قربانیها داشته ، و انتظاری برای استفاده از آنها داشته باشد ، و همه عوالم و موجودات در تحت قدرت و اراده او باشد .

و آنچه خداوند متعال از مردم انتظار دارد : صفت تقوی و طهارت و درستی است ، تا بندگان ضعیف او بتوانند بزندگی خود ادامه بدهند ، و خودشان نیز در محیط آرام و ساکتی بتوانند براحتی زندگی کنند .

و ایجاد و آفرینش در سایه اراده و قدرت پروردگار متعال صورت گرفته است ، و حفظ و نظم عوالم نیز لازمست با نظر و مراقبت او انجام بگیرد .

و خداوند دفاع میکند : آری کسیکه وابسته شده است بخداوند متعال ، و امور خود را با او تفویض کرده است ، بطور مسلّم در مورد حمایت و لطف و حفظ او قرار خواهد گرفت ، و این معنی یک امر طبیعی است .

و اگر نباشد دفاع خداوند متعال : خداوند متعال مردم را دعوت فرموده است به عبادت و اطاعت و بندگی او ، و این معنی ملازم میشود با حفظ و حمایت و تأمین او ، و دعوت بدون تأمین هرگز صحیح نباشد .

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ . - ۴۱ و إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ . - ۴۲ و قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ . - ۴۳ و أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ . - ۴۴ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ بُرٌّ مُعْتَظَلَةٌ وَ قَصْرٌ مَشِيدٌ . - ۴۵ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ . - ۴۶ .

آتوا: جمعی آتی، و ضمّ واو برای وصل و رفع التّقاء ساکنین است .
 أملیتُ: بمعنی تأخیر و إمهال و توسعه است، از مادّه - ملو .
 نکیر: اسم است از إنکار، و بمعنی شدید و صعب است .
 کأینّ: = کأیّ، إفاده تکثیر میکند، و کاف برای تشبیه است .
 خاویة: از خواء بمعنی سقوط و انهدام است .
 مُعظّلة: بمعنی ترک شده، و بدون تشریف و زینت است .
 مَشید: از شاء یشید، بمعنی رفعت و بلندی است .

می‌فرماید: کسانی هستند که اگر آنها را در روی زمین وسعت داده و امکاناتی بدهیم، برپا میدارند نماز را و میدهند زکوة را و امر میکنند بمعروف و نهی میکنند از منکر، و برای خداوند است عاقبت کارها . - ۴۱ و اگر تکذیب کنند تو را، پس بتحقیق تکذیب کرد پیش از تو قوم نوح و عاد و ثمود . - ۴۲ و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط . - ۴۳ و أصحاب مدین، و تکذیب شد موسی، پس مهلت دادیم برای کافرین و سپس گرفتیم آنها را، پس چگونه بود مخالفت و انکار من . - ۴۴ پس چقدر از آبادیها که هلاک کردیم آنها را و آنها ظالم بودند، و آنها سقوط کردند بر عرشها و سقفهای خود، و چقدر از چاهها که متروک شده است، و چقدر از قصرها که محکم و ساخته شده و خراب شدند . - ۴۵ آیا حرکت نکردند در زمین تا باشد برای آنها قلبی که با آنها تعقل کنند، و یا گوشهایی که بوسیله آنها بشنوند، و باید متوجه گردید که چشمها نابینا نمیشوند، ولی نابینا گردد قلبی که در سینه‌ها است . - ۴۶ .

نتیجه:

الذین إن مکنّاهم: مربوط است به جمله - اذین للذین یقاتلون - که اشخاصی

هستند اگر امکاناتی پیدا کنند ، و ما آنها را قدرتمند قرار بدهیم ، برپا دارند نماز را ، و أداء میکنند زکوة را .

و ضمناً اهمیت نماز معلوم میشود که در مرتبه اوّل ذکر شده است . و بهمین ترتیب است دادن زکوة که رسیدگی بفقراء بندگان خدا باشد .

و امر بمعروف و نهی از منکر در مرتبه پس از نماز و زکوة باشد .

و لله عاقبة الامور : البته نماز و زکوة و سائر عبادات ، از لحاظ خود اعمال ، مطلوب و پسندیده است ، ولی از نظر نتیجه و عاقبت : جریان امر با خدا باشد .

و وظیفه بنده اینستکه در اعمال خود بقصد خالص پروردگار متعال انجام داده ، و از هر جهت توجه باو داشته باشد .

و چون عملی با برنامه خالص و به نیت پاک صورت بگیرد : صددرصد مورد توجه خداوند متعال قرار گرفته ، و از طرف او پذیرفته خواهد شد .

و يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ . - ۴۷ و كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ . - ۴۸ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ . - ۴۹ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ . - ۵۰ وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ . - ۵۱ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ . - ۵۲ .

می فرماید : شتاب میکنند درباره تو برای عذاب ، و تخلف نمی کند خداوند در عمل بوعده خود ، و بتحقیق هر یکروز نزد پروردگار تو مانند هزار سال باشد ، از آنچه می شمارید . - ۴۷ و چقدر از آبادیها که مهلت دادم آنها ، و آن ظلم کننده

بود ، و سپس گرفتیم آنرا ، و بسوی ما است برگشت . - ۴۸ بگوی که ای مردم من ترساننده آشکاری هستم شما را . - ۴۹ پس آنانکه ایمان آوردند ، و أعمال صالح داشتند ، برای آنها است آمرزش و رزق گرامی شده . - ۵۰ و افرادی که کوشش میکنند در مقابله با امور ما و میخواهند که آیات ما را کوچک نشان بدهند : آنها همراهان دوزخ خواهند بود . - ۵۱ و ما نفرستادیم از پیش از تو رسولی را و نه نبیی را ، مگر آنکه چون آرزویی داشت ، شیطان چیزها را در محیط فکر او وارد میکرد ، پس از بین میبرد خداوند متعال آنچه را که شیطان وارد کرده است ، و سپس آیات و نشانیهای خود را تثبیت و محکم کرده ، و حق را روشن میساخت ، و خداوند دانا و حکیم است . - ۵۲ .

نتیجه :

مانند هزار سال است : کلمه هزار برای تکثیر است نه تحدید و تعیین .
و این تکثیر در حقیقت فرق عالم ماده و عالم ماوراء ماده است .
و عالم ماوراء ماده و روحانی هم در مقابل عالم لاهوتی ، چنین نسبتی را داشته ، و چنین حالتی را پیدا می کند .
یعنی علم و قدرت و مالکیت پروردگار متعال در مقابل عالم روحانی ، هزار در مقابل عدد یک باشد ، و عدد هزار هم برای تکثیر است نه تحدید .
و در حقیقت باید گفت که : عالم لاهوت لایتناهی است ، و عالم روحانی متناهی باشد .

و رزق گرامی : عبارتست از فیوضات و توجهات مخصوص پروردگار متعال ، که جهت روحانی و معنوی دارد ، و خارج از عالم مادی باشد .
و اُمْنِيَّة : موضوعیست که انسان آرزوی آنرا دارد ، ما یتَمَنَّى .
و اِمْلَاء : تأخیر کردن ، و طولانی کردن عمر و لذت بردن است .

و سَعَى : کوشش کردن در انجام عمل .

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ . - ۵۳ وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . - ۵۴ وَ لَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَقِيمٍ . - ۵۵ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي حَيَاتِهِمُ النِّعَمِ . - ۵۶ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ . - ۵۷ .

می‌فرماید : نسخ خداوند متعال إلقاءات شیطانرا ، برای اینستکه قرار بدهد إلقاءات شیطانرا موجب فتنه (انحراف از حق ، تمایل بسوی باطل ، اختلاف شدید ، و امتحان) تا بواطن قلوب معلوم گردد .

و از همین القاءات بقلوب ، صفاء و کدورت و إقبال و إدبار ، روشن شود ، و معلوم گردد که کدام قلبی تمایل بإلقاء شیطانی دارد ، و کدامین منزجر است ، و افرادی که بخود ظلم کرده و رعایت حقوق دیگرانرا نمیکنند : در مشقت دور و سختی باشند . - ۵۳ و تا بدانند آنانکه علم دارند که او حق است و از جانب پروردگار تو ، پس ایمان بیاورند بآن ، و خشوع کند بر آن قلوب آنها ، و بتحقیق خداوند متعال هر آینه هدایت کننده است مؤمنین را بر راه راست . - ۵۴ و همیشه هستند کافرین در تردید و شک از آن ، تا وقتیکه آید برای آنها ساعت آخر زندگی دنیوی بناگهانی ، و یا آید آنها را عذاب روزیکه شدید است . - ۵۵ مالکیت در آنروز برای خدا است ، و حکم می‌کند در میان آنها ، پس آنانکه ایمان آورده ، و أعمال صالح بجا آوردند در بهشتهای نعمت خواهند بود . - ۵۶ و کسانیکه کفر بورزند و تکذیب کنند آیات ما را

برای آنها عذاب خوار کننده‌ای باشد . - ۵۷ .
 و قسوة و قساوت : بمعنی غلظت و صلابت و ظلمت است .
 و شقاق : بمعنی شدت و عسرت و ضدّ سعادت است .
 و مرّیة : بمعنی شکّ و مجادله و توهم باشد .
 و بغتة : آمدن به دفعه ، و وارد شدن بناگهانی و بدون مقدمه است .

نتیجه :

در هر جریان و برنامه‌ای لازم است که آزمایش و امتحان و تحویل و تحوّل واقع شود ، تا واقعیت و حقیقت امر روشن گشته ، و پرده‌ها برداشته گردد .
 و در مسیر عبودیت نیز لازمست که اعمال و حرکات بنده ، روی صفا و خلوص نیت و معرفت صورت بگیرد ، و در برخورد به سختیها و شدائد و حوادث متحمل و صابر گشته ، و در برنامه حرکت خود متزلزل نشود .
 و مالکیت برای خداوند است: و او حاکم بحق و روی عدالت است ، و هر کسی را روی حساب دقیق و باقتضای اعمالش پاداش خواهد داد .
 تکذیب آیات : یعنی آنچه خداوند و مقامات او را نشان میدهد ، خواه مقامات تکوینی باشد ، چون انبیاء و اولیاء الهی ، و یا تشریحی باشد ، مانند آیات و احکام و کلمات او .

و الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ
 إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ . - ۵۸ لِيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ
 حَلِيمٌ . - ۵۹ ذَلِكَ وَ مَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوِقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ
 اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ . - ۶۰ ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
 وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ . - ۶۱ ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ

الباطلُ و أنّ الله هو العلیُّ الکبیرُ . - ۶۲ .

مهاجرت : از محلی بیرون آمدن بقصد محلی دیگر .
و مهاجرت در راه خدا : عبارتست از حرکت بقصد انجام وظائفِ اِلهی ، از تحصیل علم ، و جنگ با دشمنان دینی ، و دفاع از مسلمین .
و گفتیم که : رزق پسندیده عبارتست از فیوضات روحانی و توجهات معنوی اِلهی که از جانب خداوند متعال افاضه می شود .
و مُدْخَل : برای اسم مکانست ، یعنی جاییکه داخل شوند .
و حِلْم : بمعنی عقل و صبر و سکون و ادراک و بلوغ است .
و عَفْو : صرف نظر از خلاف ، و محو ذنوب است .

می فرماید : و آنانکه مهاجرت کردند در راه خدا ، و سپس کشته شدند و یا مردند : هر آینه روزی می دهد خداوند متعال آنها را روزی نیکو ، و خداوند بهترین روزی دهندگانست . - ۵۸ و هر آینه داخل می کند آنها را البته به محیطی که خوشحال و راضی شوند ، و بتحقیق خداوند هر آینه عالم و حلیم است . - ۵۹ این معنی برای اینستکه چون کسی مجازات کرد بمانند آنچه مجازات و عقوبت شده است ، و سپس باو تجاوز و ستم شود : هر آینه یاری خواهد کرد او را خداوند متعال ، و خداوند صرف نظر کننده و آمرزنده است . - ۶۰ این معنی برای اینستکه خداوند داخل می کند شب را در روز ، و روز را در شب ، و خداوند شنونده و بینا است . - ۶۱ این معنی از اینستکه خداوند متعال او حَقّ است ، و آنچه دعوت می کنند از غیر او باطل است ، و خداوند بلند و بزرگ است . - ۶۲ .

نتیجه :

بهترین روزی دهندگان : برای اینکه خداوند متعال محیط و عالم است بخصوصیات تمام اقسام آرزاق ، و تمام خصوصیات مواردیکه باید روزی داده شود . داخل می کند شب را : اینمعنی برای همه افراد و در تمام موارد محسوس است ، و چیزی بالاتر نباشد از شب و روز ، از جهت روشنایی و تاریکی ، و خداوند همیشه و در همه جا روز را پشت سر شب می آورد ، و بعکس .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ . - ۶۳ له ما في السموات و ما في الأرض و إنَّ اللهَ لَهُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ . - ۶۴ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفَلَكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ . - ۶۵ وَ هُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ . - ۶۶ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُونَكَ فِي الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٌ . - ۶۷ وَ إِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ . - ۶۸ .

أُصْبِحُ يُصْبِحُ : صبح کرد ، و متحوّل شد ، و برگشت .

مُخْضَرَّةٌ : از اخضرار است ، بمعنی سبز تند نزدیک بسیاهی شدن .

فَلَكَ : بمعنی مدار نجوم است ، و جمع آن فُلك و أفلاك است .

و اطلاق می شود بکشتی ، باعتبار دور زدن آن در آب .

می فرماید : آیا ندیدی که خداوند نازل می کند از آسمان آب را ، پس برمیگردد زمین سبز می شود ، و خداوند مهربان و آگاه است . - ۶۳ برای او است آنچه در

آسمانها و آنچه در زمین است ، و خداوند هر آینه بی نیاز و پسندیده باشد . - ۶۴ آیا ندیدی که خداوند متعال مسخر کرده است برای آنها آنچه را که در روی زمین بوده و کشتی‌ها را که در روی آب است و جاری می‌شود در دریا با فرمان او ، و حفظ می‌کند آسمانرا که واقع شود بزمین مگر با اذن او ، و بتحقیق خداوند متعال به مردم هر آینه مهربان و رحم کننده باشد . - ۶۵ و آن خدایبست که آفریده است شما را و سپس می‌میراند ، و پس زنده می‌کند شما را ، و انسان هر آینه کفران کننده است . - ۶۶ برای هر طائفه‌ای قرار دادیم عبادتگاهی که آنها با توجه با آن عبادت می‌کنند ، پس نزاع و اختلاف نکنند در امر الهی ، و دعوت کن بسوی پروردگارت و بتحقیق تو روی هدایت مستقیم هستی از جانب پرورگار متعال . - ۶۷ و اگر با تو مجادله کرده و تسلیم نگردند ، پس بگوی که خداوند متعال دانا است بآنچه می‌کنید . - ۶۸ .

نتیجه :

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً : آبیکه از آسمان نازل شد ، أَوَّلًا - صاف و پاک بوده و از آلودگیهای مختلف برکنار باشد . و ثانیاً - روی میزان تمام نازل شده و همه اشجار و نباتات بطور مساوی استفاده می‌کنند . و فقیر و غنی بطور لازم در زراعتهای خود بهره‌مند می‌گردند . - و افراد ثروتمند و قدرتمند نمی‌توانند انحصارطلبی کرده ، و دیگرانرا محروم کنند . و همه قطعات زمین از بلندیها و دره‌ها از آب بارانها استفاده می‌کنند . و خداوند متعال مالک همه زمین بوده و در عین حال نیازی ندارد که از آب و زمین بهره برداری کند .

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ : انسانرا از موادیکه حیات ندارد در مرتبه اول آفریده ، و او را حیات بخشیده است ، و سپس که مدت حیات او سپری شد ، و أجل او فرا رسیده است ، حالت مرگ پیدا کرده است ، و چون ماده اساسی آن روح است ، دوباره حیات و

زندگی پیدا کرده است ، و این زندگی و پیدایش حیات اخروی : نتیجه و نمایانگر زمان ممتدی است که از ابتداء تحولاتی داشته است .

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ . - ۶۹ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ . - ۷۰ و يَعْبدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا و مَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ و مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ . - ۷۱ و إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْبِيئَكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَمُ النَّارِ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا و بئسَ الْمَصِيرُ . - ۷۲ .

حُکم : قضاوت در یک موضوع بطور قاطع و بدون ذکر دلیل باشد .
 کتاب : نوشته ایکه مضبوط و روشن باشد .
 سُلْطَان : حجت و دلیلی که موجب تفوق باشد .
 و کاد یکاد کُوداً : منعه و لم یفعل ، و این از افعال مقاربه است .
 و سطا یسطو سطواً : وثب علیه و قهره .

می فرماید : و خداوند حکم می کند در میان شما ، در روز قیامت در موضوعاتی که بودید و اختلاف می کردید . - ۶۹ آیا ندانستی که بتحقیق خداوند متعال می داند آنچه را که در آسمان و در زمین است ، و این جریان در نوشته ای مضبوط است ، و اینمعنی برای خداوند متعال سهل است . - ۷۰ و پرستش می کنند از غیر خداوند چیزی را که نازل نکرده است در آنمورد ، برای آن حجتی را و در آن خصوص علمی ندارند ، و نباشد برای ظلم کنندگان از یاری کننده ای . - ۷۱ و زمانیکه خوانده شود برای آنها آیات ما که روشن باشند : مشاهده می کنی در چهره های آنان گرفتگی و

مخالفت را ، و نزدیک می‌شوند که حمله کنند بآنانکه میخوانند آنانرا آیات ما را ، بگوی آیا خبر بدهیم بشما بچیزیکه بدتر است ؟ و آن آتش است که وعده داده است آنرا برای کسانیکه کافر و مخالف شدند ، و بد محلی است . - ۷۲ .

نتیجه :

اختلاف می‌کردید : اختلاف بزرگترین علامت جهل است ، زیرا در صورت پیدایش اختلاف یکی از دو طرف قهراً بر باطل خواهد بود . پس بودن اختلاف خود رحمت و لطف است ، و نباید از پیدایش آن ناراحت شده ، و یا خود را بر حق و صواب بیند . و بطور کلی ، نباید از برخورد باختلاف و مخالفت ، ناراحت گشت .

يا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ . - ۷۳ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ . - ۷۴ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ . - ۷۵ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ . - ۷۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . - ۷۷ .

مَثَلٌ : صفت مشبیه است از تمثّل ، بمعنی چیزیکه متّصف باشد بآن .
 دُونٌ : بمعنی غیریکه حقیر و سافل است .
 اسْتَنْقَاذٌ : نجات دادن و خلاص و آزاد کردنست .
 قَدْرٌ : و قُدْرَةٌ بر چیزی عبارتست از قوّت و اقتدار بر آن .

می‌فرماید: ای مردم زده شده است مثلی، پس گوش بدهید آنرا که بتحقیق آنانکه دعوت می‌کنید از غیر خداوند، نمیتوانند ذبابی را (پشه) خلق کنند، اگرچه دست بدست همدیگر بدهند، و اگر ذبابی چیزی را از آنها بگیرد: نتوانند آنرا پس بگیرند، ضعیف است طالب و مطلوب. - ۷۳ توانایی و قدرت نتوانند پیدا کنند درباره خداوند متعال بآنطوریکه لازم است، و خداوند قدرتمندتر و عزیز است. - ۷۴ خداوند برمی‌گزیند از میان ملائکه رسولانیرا و هم از میان مردم، و بتحقیق خداوند شنونده و بیننده است. - ۷۵ میداند آنچه را که در پیشروی آنها و آنچه را که در پشت سر آنها است، و بسوی او برمیگردد کارها و جریانها. - ۷۶ ای آنانکه ایمان آوردند! رکوع و خضوع و سجده کنید در مقابل پروردگار متعال و پرستش کنید او را، و اعمال خیر انجام بدهید، شاید که شما رستگارباشید. - ۷۷.

نتیجه:

ذباب از لحاظ خلقت بدنی و اعضاء و جوارح و قوای ظاهری چون فیل باشد، باضافه داشتن عضو پریدن که در فیل این خصوصیت نیست، و البته کوچک بودن و لطیف بودن هم خود امتیاز دیگری باشد.

و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ و مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِثْلَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ و فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ و تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ و آتُوا الزَّكَاةَ و اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى و نِعْمَ النَّصِيرُ . - ۷۸ .

مجاهده: کوشش و سعی تمام در انجام دادن وظایف است.

حَرَج: ذنب، مضیقه، حرمت، است.

مِلَّةٌ : طریقه ، شریعت است .

می‌فرماید : و کوشش کنید در راه خداوند بکوشش و سعی تمام که حق و با واقعیّت باشد ، و خداوند است که شما را از میان مخلوق خود برگزیده است ، و قرار نداده است در راه خود برای شما از مضیقه و فشار و زحمتی ، راه جدّ بزرگ شما ابراهیم است ، او نامیده است شما را بعنوان - مسلمین - از پیش از این ، و هم در این قرآن ، تا باشد رسول خدا شاهد و مشرف بر شما ، و باشید شما شاهدی بر مردم دیگر . پس برپا دارید نماز را ، و بیاورید زکوة را و چنگ بزنید بمقام عظمت پروردگار متعال ، و او متولّی امور شما است ، و خوب مولی و یاری کننده است . - ۷۸ .

تمام شد قسمت دیگر (سوره حجّ) از جلد چهاردهم و شروع می‌شود بیاری خداوند متعال به سوره مؤمنون .

خلاصه و نتیجه سوره حجّ :

حجّ بمعنی قصد کردنست ، و در این سوره کریمه ، نظر بقصد کردن و توجّه پیدا کردن بخداوند متعال و بخانه او کعبه است ، در آیه ۲۷ می‌فرماید : و أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ . و در آخر سوره (۷۶) می‌فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ .

و در آیه (۶۷) می‌فرماید : لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ .

سوره مؤمنون

سوره - ۲۳ عدد آیات ۱۱۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قد أفلح المؤمنون . ۱ - الَّذِينَ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ . ۲ - وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ
 اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ . ۳ - وَالَّذِينَ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ . ۴ - وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْجَاهِهِمْ
 حَافِظُونَ . ۵ - إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ . ۶ -
 فَمَنْ ابْتغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ . ۷ - وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ
 رَاعُونَ . ۸ - وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ . ۹ - أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ . ۱۰ -
 الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . ۱۱ .

إفلاح : ظفر پیدا کردن و فوز داشتن و نجات .

خشوع : سکون ، و تذلل ، و تواضع و خضوع است .

زکوة : نمو داشتن ، پاکیزگی ، حق شرعی از اموال .

فروج : جمع فرج که قبل و دبر است ، و خلل بین دو چیز باشد .

لوم : ملامت و عذل شدید کردن . و ملوم : اسم مفعول است .

صلاة : بمعنی دعاء و اقامه نماز ، و مبارکی است ، و جمع آن صلوات است .

و لغو : کلام یا فعلی است که بدون قصد و نیت واقع شود .

می فرماید : بتحقیق رستگار و مظفر شدند مؤمنین . ۱ - آنانکه در نماز حالت
 خشوع و خضوع پیدا کرده ، و در مقابل خداوند متعال با بر پا داشتن نماز بحالت
 سکونت و توجه تمام مشغول می شوند . ۲ - و آنهایی هستند که از لغو پرهیز
 می کنند . ۳ - و افرادی باشند که برای زکوة و تزکیه اموال و خودشان عمل

می‌کنند ، و حقوق مالی خود را بفقراء تأدیه می‌کنند . - ۴ و کسانی باشند که دامنه‌های خودشانرا از فحشاء حفظ می‌کنند . - ۵ مگر در خصوص شوهرها و زنهای خودشان و یا آنها بیکه مالک باشند و یا مملوک شده‌اند که در این صورتها ملامت نمی‌شوند . - ۶ پس کسیکه عمل کند بغیر این صورتها آنها از احکامِ اَلْهٰی تجاوز کرده‌اند . - ۷ و آنهایی باشند که از جهت امانتداری و تعهدات خود پابند و مقیدند . - ۸ و آنها پیوسته در انجام نمازهای خودشان محافظه کارند . - ۹ این افراد آنها وارث می‌شوند بهشت فردوس را ، و برای همیشه در آنجا باقی می‌مانند . - ۱۰ .

نتیجه :

در این آیات شریف ده خصوصیت برای مؤمنین ذکر فرموده است .
در مرتبه اول : موضوع معین شده است - قد أفلح المؤمنون .
یعنی اشخاصیکه مرتبط شده‌اند با مقام الوهیت ، بوسیله وابسته شدن بآن ، و سپس نه صفت دیگر برای آنان ذکر می‌شود .

می‌فرماید : خصوصیت اول اینکه ، در مقابل عظمت او اولین برنامه عبارتست از اقامه نماز که در حالت توجه کامل و خضوع تمام صورت گرفته و موجب ارتباط لازم گردد .

و خصوصیت دوم اینکه : در تمام حالات نماز بحالت خضوع و خشوع و توجه تمام بمقام الوهیت بوده ، و ارتباط قلبی داشته باشند .

و سوم اینکه : این حالت ارتباط دوام داشته ، و بسبب اعمال لغو که توجه و قصد به مفهوم آن نباشد ، منقطع نگردد .

و چهارم اینکه : حقوق مالی که در خصوص فقراء بگردن او هست (زکوة)

تأدیه کرده ، و اموال خود را چون اعمالش تزکیه نماید .
و پنجم اینکه : دامنه‌های خودشانرا از فحشاء تزکیه و پاک کنند .
و ششم اینکه : بجز زنها و شوهرها و مملوکها بدیگران تجاوز نکنند .
و هفتم اینکه : در جهت امانتداری و تعهدات خود مقید بعمل باشند .
و هشتم اینکه : در انجام دادن نمازهای واجب هرگز کوتاهی نکنند .
و نهم اینکه : بطور کلی برنامه زندگی آنها طوری باشد که با بهشتی بودن وفق بدهد .

و لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ . - ۱۲ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ . - ۱۳ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ . - ۱۴ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ . - ۱۵ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ . - ۱۶ و لَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ . - ۱۷ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ . - ۱۸ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَ أَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهِ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ . - ۱۹ .

- سُلَالَةٌ : خلاصه ، نسل ، از ماده سَلَّ بمعنی نزع است .
- مَكِينٍ : از مکانت بمعنی رفعت و منزلت است .
- نُطْفَةٌ : از نطف و بمعنی سیلان به تدریج است .
- عَلَقَةٌ : آنچه أخذ کند حیوان از اشجار ، و خون است .
- مُضْغَةٌ : چیز جویده شده ، در آیه ۵ حج گذشت .
- وَ طَرَائِقَ : جمع طریقه بمعنی مذهب و حالت و خط و سیره است .

می‌فرماید: هر آینه بتحقیق آفریدیم انسان را از نسلی که از طین بود. - ۱۲
 سپس قرار دادیم آنرا سیلان یافته در محلی که محفوظ و محدود و برقرار
 بود. - ۱۳ و پس آفریدیم نطفه را بصورت علقه، و قرار دادیم علقه را مضعه، و
 آفریدیم از مضعه استخوانها را، و پس پوشانیدیم استخوانها را با گوشت، سپس
 بوجود آوردیم مخلوق جدید را، پس مبارک است خداوندیکه بهترین خلق
 کنندگانست. - ۱۴ سپس شماها بعد از این جریانه‌ها هر آینه میت شوید. - ۱۵ و
 پس از این در روز قیامت زنده خواهید شد. - ۱۶ و بتحقیق آفریده‌ایم در بالای
 محیط شما هفت نوع آفریده‌هایی را و نیستیم ما از مخلوقات غفلت
 کنندگان. - ۱۷ و نازل کردیم از آسمان آب بمقدار محدود و لازم، و برقرار کردیم
 آنرا در زمین، و ما توانایی داریم که آنرا بالا ببریم. - ۱۸ پس ایجاد کردیم بوسیله
 آن آب، برای شما باغها و بستانهایی را از خرما و انگور، و برای شما در این برنامه
 میوه‌های مختلف بسیاری هست، و از آنها می‌خورید. - ۱۹.

نتیجه:

مِنْ سُلَالَةِ مَنْ طِينٍ: در مقابل انواع دیگر خلق که از آب آفریده می‌شوند، مانند
 انواع ماهیها، و یا از آتش باشند، مانند انواعی از نوع جن، و بطور کلی آنچه از
 نباتات تغذی می‌کند، در حقیقت از طین آفریده می‌شوند، زیرا ماده اول هر نباتی
 از گل باشد.

فِي قَرَارِ مَكِينٍ: مراد رحم حیوانات زاینده است که اطفال خود را در ارحام
 خودشان حفظ و تربیت می‌کنند. - ۱۳

و شما بعد از این میت باشید. - ۱۵: و سپس در روز قیامت زنده خواهید
 شد. - ۱۶: میت بودن مربوط است بجهت مادی.

و أمّا در رابطه روح: برای آن مرگی نباشد، و در قیامت هم روی حساب

روحی ، تجدید حیات می کند .

آری روح انسان باقی است ، و مرگی برای او نباشد .

و اَمَّا سَبْعَ طَرَائِقَ : مراد هفت راهها برای سیر و سلوک انسان موجود است که پس از مرگ از آن راهها بسوی پروردگار متعال سیر کند .

و آن راهها عبارت می شوند از راه تزکیه نفس و صفاء و طهارت آن که در زندگی دنیا تحصیل کرده است . ۲- راه ارتباط با خداوند متعال بوسیله ادعیه و اذکار مناسب . ۳- ارتباط پیدا کردن بوسیله توسل و قرب بأولیاء پروردگار متعال .

۴- تقرب باو از راه ادعیه وارده و مناسب . ۵- تقرب باو از راه مناجات و اظهار محبت و عشق . ۶- تقرب باو از راه بندگی و عبادات . ۷- تقرب باو از راه خدمات و اعمالیکه در راه او و برای او صورت می گیرد .

و شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبِغٍ لِلْأَكْلِينَ . - ۲۰ و إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ . - ۲۱ و عَلَيْهَا وَ عَلَى الْفَلَكَ تَحْمِلُونَ . - ۲۲ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ . - ۲۳ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ . - ۲۴ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فُتِرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ . - ۲۵ .

حین دلالت بمدّت و زمان نزدیک میکند .

طُورِ سَيْنَاءَ : طور بمعنی جبل است ، و اطلاق می شود بجبل مناجات موسی .

صَبِغٍ : خورشفت ، و آنچه با نان خورده می شود .

فُلْكَ : بمعنی کشتی است ، و جمع فَلَک هم باشد .

جَنَّةٌ : بمعنی جنون و زوال عقل باشد .
 تَرْبُصٌ : طلب فرصت برای انجام خیر و یا شری است .
 حَتَّى : دلالت به انتهاء می‌کند - اكلت السمكة حتى رأسها .

می‌فرماید : و درختی که خارج می‌شود از طور سینا ، که می‌رویاند روغن را و خورش است برای خوردگان . - ۲۰ و بتحقیق برای شما در خصوص چهارپایان عبرت گرفتن است ، آشامیدنی می‌دهیم که از شکمهای آنها است ، و برای شما در وجود آنها منافع بسیاری هست ، و از آنها می‌خورید . - ۲۱ و بر آنها و بر کشتی‌ها سوار می‌شوید . - ۲۲ و بتحقیق فرستادیم نوح (ع) را بر قوم خودش ، پس گفت ای قوم من پرستش کنید پروردگار متعال را ، که نیست برای شما معبودی غیر او ، آیا تقوی نمی‌دارید ! - ۲۳ پس گفت گروهی که کافر شدند از قوم او : نیست این مگر بشری بمانند شما که می‌خواهد برتری جوید بر شماها ، و اگر خدا می‌خواست هر آینه نازل می‌کرد ملائکه‌ای از آسمان که نشنیده‌ایم آنرا در پدران گذشته ما . - ۲۴ نیست او مگر مردی که باو جنون باشد ، پس منتظر باشید او را تا وقت محدود . - ۲۵ .

نتیجه :

نازل می‌کرد ملائکه : مراد آسمان غیر مادی است که مخلوقات آنرا ملائکه گویند ، و وجود آنها از عالم ماورای این عالم بوده که سبب جلب توجه می‌شود .
 و شجره : اشاره است به درخت زیتون که روغن زیت می‌دهد .
 باو جنون باشد : بنظر افراد دنیاپرست ، کمال عقل در ادراک لذات مادی و تمایلات نفسانی است .

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ . - ۲۶ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ
وَحِينَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ
إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَا لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ . - ۲۷
فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَ مَن مَعَكَ عَلَى الْفُلْكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ . - ۲۸ وَقُلْ رَبِّ أُنزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ . - ۲۹ إِنَّ
فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ . - ۳۰ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا
آخِرِينَ . - ۳۱ .

أَعْيُنٌ : جمع عَيْن بمعنى چشم و باصره است .

قُرٌّ : بلند شدن و جریان آب در روی زمین است .

التَّنُّورُ : بشکل معین در زمین درست می شود برای پختن نان و غیره .

فُلْكَ : مفرد و جمع استعمال می شود ، بمعنی کشتی است .

مُبْتَلًى : از ابتلاء که بمعنی اختبار و امتحان است .

قَرْنٌ : دو گروه مقارن همدیگر از لحاظ زندگی و یا زمان .

گفت نوح : پروردگارا یاری کن مرا بسبب آنچه تکذیب می کنند مرا . - ۲۶ پس
وحی کردیم باو که بساز کشتی را بوسیله توجّهات و وحی ما ، پس زمانیکه آمد
دستور ما ، و تنُّور فوران کرد : پس جای بده در آن از هر زوجین دو عدد را ، و هلاک
کرد مگر افرادی را که نام آنها برده شده بود ، و مرا در مخاطبه قرار مده درباره
کسانیکه ظالم بودند ، و آنها از غرق شدگان باشند . - ۲۷ پس چون برقرار شدی در
کشتی ، بگوی که ستایش و حمد برای کسی است که ما را از میان ستمگران نجات
داد . - ۲۸ و بگوی که پروردگارا فرود بیار مرا در محیط با برکت ، و تو بهترین
شخصی هستی که فرود میآوری . - ۲۹ بتحقیق در این جریان آیات و نشانه‌هایی

هست از مقامات الوهیت ، اگرچه هستیم ما از آزمایش شدگان . - ۳۰ و سپس
 بوجود آوردیم بعد از آنان قرنی را از مردم دیگر . - ۳۱ .

نتیجه :

فی ذلک لآیات : یعنی در این جریان ساختن کشتی و سوار کردن جمعی از
 اصحاب حضرت نوح ، نشانه‌ها و آیاتی هست از برنامه‌های الهی و خواسته‌های او
 که مؤمنین را بهر نحو و کیفیتی باشد ، از شرور مخالفین و دشمنان نجات
 می‌بخشد .

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا
 تَتَّقُونَ . - ۳۲ و قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ أَتْرَفْنَاهُمْ
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا
 تَشْرَبُونَ . - ۳۳ وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ . - ۳۴ أَيْعِدْكُمْ
 أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَابًا وَ عِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ . - ۳۵ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا
 تُوعَدُونَ . - ۳۶ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَى وَ مَا نَحْنُ
 بِمَبْعُوثِينَ . - ۳۷ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَ مَا نَحْنُ لَهُ
 بِمُؤْمِنِينَ . - ۳۸ .

هَيْهَاتَ ، هَيْهَاتَ : بحركات مختلف ، بعد .

الْمَلَأُ : تشاور ، اجتماع ، اشراف قوم است .

وَعَدَ : تعهد کردن با اجرای عملی باشد .

إِتراف : افساد .

افترى : از ماده فری که بمعنی قطع و شق و صنع است .

می‌فرماید: پس فرستادیم برای زمانها و قرنهای متأخر رسولی از خود آنها که: پرستش کنید خدا را، و نیست برای شما پروردگاری بجز او، آیا تقوی و پرهیزکاری نمیگیرید... ۳۲ - و گفتند جماعتی که از قوم او کافر شده و تکذیب کرده بودند برخورد عالم آخرت را، و زندگی آنها را بفساد کشیده بودیم در زندگی دنیوی: نیست این رسول الهی مگر فردی بمانند شما که میخورد از آنچه را شما میخورید و می‌نوشد از آنچه شماها می‌نوشید. ۳۳ - و هرگاه اطاعت کنید از فردیکه بمانند خود شما است، در این هنگام شماها هر آینه زیانکار خواهید شد. ۳۴ - آیا وعده می‌کند شما را که چون بمیرید و باشید خاک و استخوان، در این هنگام شماها مبعوث خواهید شد. ۳۵ - بعید است و بعید است آنچه وعده می‌شوید. ۳۶ - نیست این جریان مگر زندگی دنیوی ما که زنده می‌شویم و می‌میریم، و نیستیم ما مبعوث شدگان. ۳۷ - نیست او مگر مردیکه بافته است برای خداوند دروغی را، و نیستیم ما ایمان آورندگان. ۳۸.

نتیجه:

أَفَلَا تَتَّقُونَ: تقوی یعنی نگهداری خود از فساد و طغیان و ظلم، و از اینجا اهمیت این صفت معلوم می‌شود، و فهمیده خواهد شد که نتیجه دینداری و اطاعت پروردگار متعال، حصول مقام تقوی است.

لقاء الآخرة: یعنی بهمرسیدن و برخورد کردن بجهان آخرت، و جهان آخرت محصول و لب و نتیجه عالم دنیا است، و کسیکه عقیده نداشته و پابند به عالم آخرت نیست: در حقیقت زندگی دنیوی را نیز بی پایه و بی نتیجه دانسته، و منکر حساب و جزاء خواهد بود.

قال رب انصُرْنِي بما كُذِّبْتَنِي . - ۳۹ قالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ . - ۴۰
 فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَا هُمُ غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ . - ۴۱ ثُمَّ أَنْشَأْنَا
 مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ . - ۴۲ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا
 يَسْتَأْخِرُونَ . - ۴۳ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَى كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا
 بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ وَجَعَلْنَا هُمُ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ . - ۴۴ ثُمَّ أَرْسَلْنَا
 مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ . - ۴۵ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
 فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ . - ۴۶ .

غُثَاءً : مخلوط ، و چیز فاسد است .

تَتْرَى : اصل آن وترى از ماده وُتِر - پشت سر آمدن است .

أَحَادِيثَ : جمع حدیث ، خبر ، آنچه حادث باشد .

سُلْطَانٍ : تسلط و قدرت و حجت است .

الصَّيْحَةُ : صدای شدید ، و ندای بلند است .

می‌فرماید : حضرت نوح گفت : پروردگارا یاری کن مرا در مورد آنچه مرا تکذیب کردند . - ۳۹ خداوند فرمود : از زمان نزدیک برمی‌گردند و اظهار پشیمانی کنند . - ۴۰ پس گرفت آنها را صیحه و صدای بلندی بحق ، پس قرار دادیم آنها را فاسد شده ، پس دوری باد برای جمعیکه ستمگرانند . - ۴۱ سپس ایجاد کردیم بعد از آنان قرنهای دیگر . - ۴۲ و هیچ امتی از زمان معین شده جلوتر و عقب‌تر نمیشود . - ۴۳ و سپس فرستادیم رسولان خودمانرا به پشت یکدیگر ، و هر زمانیکه آمد برای امتی رسولی او را تکذیب کردند ، پس هر امتی پشت سر دیگری آمده ، و اخبار آنها برای آیندگان باقی می‌ماند ، و دوری باد برای قومیکه ایمان نمی‌آورند . - ۴۴ و پس از آن فرستادیم موسی و برادرش هارونرا با آیات خودمان و

با حجّت آشکار کننده . - ۴۵ بسوی فرعون و اطرافیان او ، پس آنها خودشانرا بالاتر دیدند ، و جماعتی که خودخواه و خودپسند و علوّ طلب بودند . - ۴۶ .

نتیجه :

هر فردی و یا امتی لازم است که توجّه داشته و امور خود را بطوری تنظیم کند که برای خود و هم برای دیگران مفید گردد .
و همینطوریکه گذشتگان خدماتی مفید انجام داده‌اند : ما هم لازم است در کارهای خودمان برنامه‌ای بگیریم که برای خودمان و هم برای دیگران و آیندگان مفید واقع گردد .

فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ . - ۴۷ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ . - ۴۸ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ . - ۴۹ وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ . - ۵۰ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ . - ۵۱ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ . - ۵۲ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْراً كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ . - ۵۳ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ . - ۵۴ .

بَشَرٌ : اطلاق می‌شود بمطلق انسان که ذکر یا انثی باشد .

رَبْوَةٌ : زمین بلند که محفوظ است از خطر آب .

مَعِينٌ : از مَعْن و مُعَوْن : جریان بسهولت است .

إِيوَاءٌ وَ تَأْوِيهِ : منزل و مسکن دادن است .

زُبُرٌ : جمع زُبْرَة بمعنی قطعه بزرگ است .

غَمْرَةٌ : امتلاء ، شدّت ، تغطیه است .

می‌فرماید : پس گفتند آیا ایمان بیاوریم بدو فردیکه بمانند خود ما هستند ، و طائفه آنها برای ما عبادت می‌کنند . - ۴۷ پس تکذیب کردند آن دو فرستاده ما را ، و از افراد هلاک شده قرار گرفتند . - ۴۸ و ما بحضرت موسی کتاب آسمانی دادیم که شاید قوم او هدایت پیدا کنند . - ۴۹ و قرار دادیم فرزند حضرت مریم و مادر را دو آیت برای هدایت آنها ، و جا دادیم آنها را بر سرزمین بلندی که برقرار و ثابت و مشروب است . - ۵۰ ای رسولان من بخورید از چیزهای پاکیزه ، و اعمال صالح بجا آورید ، بتحقیق من آنچه عمل میکنید عالم و محیط هستم . - ۵۱ و این مردم امت شما هستند ، و من پروردگار شما باشم ، پس در مقابل من تقوی و خودداری داشته باشید . - ۵۲ پس قطعه قطعه کردند جریان امور خودشانرا در میان خود ، و هر گروهی آنچه نزد خود او است دلشاد باشند . - ۵۳ پس ترک کن آنها را که در پوشش خود بسر برند تا زمان معین . - ۵۴ .

نتیجه :

آری منشأ اشتباه مردم از همین ظاهربینی است ، که در میان افراد انسان فرقی نمی‌بینند ، و اگر فرقی قائل شوند از لحاظ صورت و لباس و زینت و تظاهرات باشد . در صورتیکه مراتب فکر و ایمان و توجه و طهارت نفس مهم بوده ، و درجات اشخاص بمیزان معرفت و طهارت و توجه شناخته می‌شود ، نه با اسم و رسم و ظاهر و عنوان .

و اگر در حالات أصحاب رسول اکرم (ص) و یاران حضرات ائمه علیهم السلام بدقت بررسی کنیم : خواهیم دید که اغلب آنها افراد ضعیف و فقیری بودند .

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُؤْتُهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ . - ۵۵ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ . - ۵۶ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ . - ۵۷ وَالَّذِينَ هُمْ

بآیاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ . - ۵۸ و الَّذِينَ لَهُمْ لَا يُشْرِكُونَ . - ۵۹ و الَّذِينَ يُؤْتُونَ
 مَا آتَوْا و قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ . - ۶۰ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي
 الْخَيْرَاتِ و هُمْ لَهَا سَابِقُونَ . - ۶۱ و لَا نَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا و لَدَيْنَا كِتَابٌ
 يَنْطِقُ بِالْحَقِّ و هُمْ لَا يُظْلَمُونَ . - ۶۲ بل قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا و لَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ
 دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ . - ۶۳ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ
 يَجَارُونَ . - ۶۴ .

إمداد : اطاله ، بسط ، تقویت است .

اشفاق : خوف توأم با حرص ، و عطوفت با خوف است .

خشية : خوف توأم با تقوی است .

وجلة : شخص خائف و یا اظهار کننده خوف است .

وُسْع : طاقت و قدرت ، و ضدّ ضیق است .

مُتْرَفٍ : وسعت داده شده ، متنعم ، خوش گذران .

جَارٌ : بلند کردن صوت بتضرع و دعاء و زاری است .

غَمْرَةٌ : پوشش ، فرو رفتن است .

می فرماید : آیا تصوّر میکنند که آنچه تقویت می کنیم آنها را بآن ، از مال و
 فرزندا . - ۵۵ سرعت می گیریم برای آنها در جهت خوبیها و خیرات بلکه آنها
 نمی فهمند . - ۵۶ بتحقیق آنها یکه از ترس خداوند در ترس و اضطراب
 هستند . - ۵۷ و آنها یکه به آیات خداوند متعال ایمان می آورند . - ۵۸ و آنها یکه
 برای پروردگارشان شریک قرار نمیدهند . - ۵۹ و آنانکه میدهند آنچه را که میدهند
 در حالتیکه دلهای آنها ترسناک است که بسوی پروردگارشان برمیگردند . - ۶۰ آنان
 هستند که سرعت میگیرند در انجام دادن خیرات . - ۶۱ و تکلیف نمیکنیم نفسی را

مگر باندازه وسعت و طاقت او ، و نزد ما کتابیست که بحق گویا می‌شود ، و آنها ظلم نمیشوند . - ۶۲ بلکه قلوب آنها در پوشش است از اینجهت ، و برای آنها غیر از این اعمال دیگری هم هست که آنها عمل بآنها دارند . - ۶۳ تا آنکه میگیریم آنها را بعذاب و آنها بتضرع و زاری می‌پردازند . - ۶۴ .

نتیجه :

سرعت در خیرات : محتاج است به تحقق زمینه و مقتضی برای اقبال به مسارعت ، و نباید تصور شود که مال و اولاد داشتن علامت اقبال به خیرات است ، زیرا گاهی آنها وسیله انحراف و ضلالت و گرفتاری معنوی شده ، و قلب انسانرا از خلوص و صفاء و طهارت خارج کرده ، و وابسته بمحبت مادی و زندگی دنیوی می‌کند .

و برای تحقق مقتضی و زمینه برای مسابقت در خیرات ، چهار مقدمه ذکر فرموده است ، اول - ترس و خوف داشتن از مقام عظمت خداوند متعال که در همه احوال خود را مطیع و فرمانبردار دستوره‌های او قرار داده و از اوامر او تخلف نکند . دوم - در همه حالات و اوقات در مقابل آیات تکوینی و تشریحی او خاضع باشد ، و روی مخالفت بهیچ نحوی نشان ندهد . سوم - هیچگونه و در هیچ موردی در مقابل پروردگار متعال ، بدیگری توجه پیدا نکرده ، و شرکی قرار ندهد .

چهارم - چون دستگیری از دیگری کرده و انفاقی کنند : خداوند را در نظر گرفته و با خلوص نیت و با در نظر گرفتن خداوند متعال قدم بردارد .

و چون این چهار مقدمه عملی گردید : زمینه برای پیشرفت و سرعت در عمل بخیرات و موفقیت حاصل خواهد شد .

لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصِرُونَ . - ۶۵ قد كانت آياتي تُتلى عليكم
فكنتم على أعقابكم تنكصون . - ۶۶ مُستكبرين به سامراً تهجرون . - ۶۷
أفلم يدبروا القول أم جاءهم ما لم يأت آباءهم الأولين . - ۶۸ أم لم يعرفوا
رسولهم فهم له منكرون . - ۶۹ أم يقولون به جنة بل جاءهم بالحق و أكثرهم
للحق كارهون . - ۷۰ و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموات و الأرض و من
فيهن بل أتيناهم بذكرهم فهم عن ذكرهم معرضون . - ۷۱ أم تسألهم خراجاً
فخراج ربك خير و هو خير الرازقين . - ۷۲ و إنك لتدعوهم إلى صراط
مستقيم . - ۷۳ و إن الذين لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لناكبون . - ۷۴ .

جَار : تضرع و زاری بلند کردن .

نكص : رجوع کردن به عقب است .

سامر : ترك خواب و بیخواب بودن .

هجر : ترك و اعتزال و اعراض است .

خراج : مالی است که مانند مالیات از زمین گرفته می شود .

نكب : عدول و دور شدن است .

می فرماید : امروز تضرع نکنید که از جانب ما یاری کرده نخواهید شد . - ۶۵
آیات ما خوانده میشد برای شما ، و شما به پشت سر خود برمی گشتید . - ۶۶
بزرگ طلبی می کردید ، و شبی را به بیداری و بیخوابی و سخن گفتن
می گذرانیدید . - ۶۷ آیا دقت و تفکر نمی کردند در گفتار خودشان ، و یا آمده است
آنرا چیزی که برای پدران آنها نیامده بود . - ۶۸ و یا نشناخته و ندیدند رسول الهی
را و آنها انکار کردند او را . - ۶۹ و آیا گفتند که او را جنون باشد ، بلکه آورده است
برای آنها حق را ، و اکثر آنها حق را کراهت می دارند . - ۷۰ و هرگاه تابع شود حق به

تمایلات آنها ، هر آینه بفساد انجامد آسمانها و زمین و هر کسیکه در آنها است ، بلکه آوردم جریان امر آنها را ، و آنها از ذکر آنها اعراض می‌کنند . - ۷۱ آیا درخواست میکنی از آنها مخارجی را ؟ پس عایدات پروردگار تو بهترین عایدات باشد ، و او بالاترین روزی دهنده است . - ۷۲ و بتحقیق تو هر آینه میخوانی آنها را بسوی صراط مستقیم . - ۷۳ و بتحقیق آنانکه ایمان ندارند بآخرت از صراط خدا منحرفند . - ۷۴ .

نتیجه :

و شما به پشت سر می‌انداختید : عصیان در مقابل تکلیف لازم ، مخالفت صریح است ، و اینمعنی غیر از عمل نکردن و سستی در انجام وظیفه باشد ، که در اینمورد مخالف و منکر تکلیف نیست ، بلکه مقصر است .
پس اعراض و پشت سر انداختن و توجه نداشتن ، غیر از تقصیر در مقام عمل است ، بلکه در اینمورد مخالفت و کفر خواهد بود .
تابع شود حقّ به : حقّ بمعنی واقعیت ثابت است ، و هیچگونه قیدی ندارد که با افهام مردم موافق و یا مخالف باشد .
از صراط منحرفند : صراط حقّ راه مستقیم تکوینی و تشریحی پروردگار متعال است ، و مبدء و معاد را بهم‌دیگر مرتبط می‌سازد .
و مبدء و معاد متلازم بهم‌دیگرند ، زیرا هر آغازی قهراً انجام و نهایی دارد ، و نهایت همان معاد و برگشت بآخر باشد .

و لَوْ رَحِمْنَا هُمْ وَ كَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَّجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ . - ۷۵ و لَقَدْ أَخَذْنَا هُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ . - ۷۶ حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ . - ۷۷ وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ السَّمْعَ

و الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ . - ۷۸ و هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ . - ۷۹ و هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيت وَ لَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ . - ۸۰ بل قالوا مثل ما قال الأولون . - ۸۱ قالوا أءِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ . - ۸۲ .

لَجُّوا : ادامه عناد ، ملازمت در خصومت ، است .

عَمَهُ : تحیر ، تردّد ، است .

استكانة : خضوع ، تذلل است .

إِبْلَاسٌ : حزن ، انكسار ، کم خیر بودن ، تحیر است .

ذَرَأَ : خلق ، تکثیر ، طرف .

تَضَرَّعَ : خضوع ، تذلل ، تقرب .

حشر : جمع کردن است .

می فرماید : و هرگاه رحم می کردیم بآنها و برمیداشتیم آنچه را که با آنها است از ضرر و ناراحتی : هر آینه حالت تداوم پیدا میکردند در طغیان خود و حیرت زده میشدند . - ۷۵ و بتحقیق گرفتیم آنها را بعد از پس خضوع نکردند برای پروردگار خودشان ، و تضرع و زاری نکردند . - ۷۶ تا وقتیکه باز کردیم برای آنها بابتی را که دارند عذاب شدید بود ، و در این هنگام آنها شکسته و محزون شدند . - ۷۷ و او کسی است که پدید آورده است برای شما قوه شنوایی و بینایی ، و قلب را ، و کمتر سپاسگزاری میکنید . - ۷۸ و او است که آفریده است شما را در روی زمین و بسوی او جمع و محشور میشوید . - ۷۹ و او است که زنده میکند و می میراند ، و مخصوص او است مختلف شدن شب و روز ، آیا شما نمی فهمید . - ۸۰ بلکه اینها گفتند بمانند آنچه گذشتگان گفتند . - ۸۱ گفتند : آیا ما چون بمیریم و باشیم خاک و استخوان ،

آیا ما مبعوث شده و زنده خواهیم شد ؟ - ۸۲ .

نتیجه :

رحم می‌کردیم : عطوفت و احسان برای کسانی که تقصیر و بدکاره هستند ، موجب تداوم در عصیان و خلاف می‌شود ، و از این لحاظ بهترین چاره برای کم کردن جنایات و جرائم ، اجرای قوانین حدود و دیات باشد .

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ . - ۸۳ قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . - ۸۴ سَيَقُولُونَ لِيَلَهُ قُلُوبُ الْأَفْلا تَذَكَّرُونَ . - ۸۵ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ . - ۸۶ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ . - ۸۷ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . - ۸۸ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ . - ۸۹ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ . - ۹۰ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ مَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ . - ۹۱ .

أساطير : جمع أسطر و سطور ، و جمع آنها أساطير است که جمع وصفی از چیز است ، چون کلمات و اشجار .

تَتَّقُونَ : اختیار تقوی است .

مَلَكُوت : مُلْك عظیم ، عزّت و سلطنت . مُلْك سماوی .

تُسْحَرُونَ : مسحور و مخدوع و تحت تأثیر شدن .

عَرْش عظیم : سقف محیط بتمام آسمان و زمین است .

سُبْحَانَ : منزّه شدن از هر چیزیکه محدود و مادی است .

می‌فرماید: هر آینه بتحقیق وعده شده‌ایم ما، و پدران ما از پیش از این، و نیست این سخنها مگر گفته‌ها و کلمات گذشتگان. - ۸۳ بگوی که برای کیست زمین و کسانیکه روی زمین هستند، اگر هستید میدانید. - ۸۴ خواهند گفت که برای خداوند باشد، بگوی آیا پس متذکر و متوجه نمی‌شوید؟ - ۸۵ بگوی کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ؟ - ۸۶ خواهند گفت که خداوند است، بگوی که آیا پس در مقابل او تقوی و پرهیزکاری نمی‌گیرید؟ - ۸۷ بگوی که کیست که در دست او است مالکیت مطلق آسمانها و زمین؟ و او پناه میدهد همه موجودات را و چیزی او را پناه نمیدهد اگر باشید که بدانید. - ۸۸ خواهند گفت که خداوند متعال است، پس بکجا مسحور و مخدوع میشوید. - ۸۹ بلکه آورده‌ایم برای آنها حق را، و آنها برخلاف حق سخن گویند. - ۹۰ نگرفته است خداوند از فرزندی، و نباشد برای او از شریکی در الوهیت، و در اینصورت هر آینه میرفت هر معبودی بسوی آنچه آفریده است، و هر آینه برتری میخواست بعضی از آنها بر بعضی دیگر، و منزّه است پروردگار متعال از توصیف مردم. - ۹۱.

نتیجه:

پروردگار آسمانهای هفتگانه: آسمان مطلق تشکیلات بالاتر باشد، و بطوریکه در کتاب آسمانی تصریح شده است، آنها هفت عدد باشند، و برای هر مجموعه‌ای یک آفتاب لازم است که از آن نور و حرارت در آن مجموعه استفاده شود.

عرش عظیم: عبارت است از مجموع ثوابت و سیارات که بصورت واحد متشکل گشته، و چون از هر جهت مرتبط بیکدیگر باشند، مخصوصاً از جهات جاذبه و دافعه و نور و حرارت و حرکات منظم و مخصوص، بنظر میرسد که یک سقف واحد بزرگ و محیطی ماها را فرا گرفته است.

عالم الغیب و الشهادة فتعالی عما یُشْرکون . - ۹۲ قُلْ رَبِّ اِمَّا تُرِیُّی مَا یُوْعَدُونَ . - ۹۳ رَبِّ فَلَا تَجْعَلِنِی فِی الْقَوْمِ الظَّالِمِیْنَ . - ۹۴ وَاِنَّا عَلٰی اَنْ نُرِیْکَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِیْرُونَ . - ۹۵ اِدْفَعْ بِالَّتِیْ هِیَ اَحْسَنُ السَّیِّئَةِ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا یَصِفُونَ . - ۹۶ و قُلْ رَبِّ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیْطٰنِ . - ۹۷ و اَعُوْذُ بِکَ رَبِّ اَنْ یَحْضُرُوْنَ . - ۹۸ حَتّٰی اِذَا جَآءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنَ . - ۹۹ لَعَلّٰی اَعْمَلُ صٰلِحًا فِیْمَا تَرکْتُ کُلًّا اِنَّهَا کَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا و مِنْ وَّرَآئِهِمْ بَرَزَخٌ اِلٰی یَوْمِ یُبْعَثُوْنَ . - ۱۰۰ .

شهادت : حضور ، اطلاع ، معاینه - در مقابل غیب است .

هَمَزَات : جمع همزه بمعنی دفع و خطور و تعیب است .

بَرَزَخ : ما بین دو شیء و یا دو مرتبه است .

غَیْب ، و غِیَاب : دوری و ضدّ حضور است .

می‌فرماید : عالم است به غیب و آنچه از نظر دیگران پوشیده است ، و به شهادت و آنچه برای همه مشهود است ، پس برتر است خداوند متعال از آنچه برای او شریک قرار میدهند . - ۹۲ بگوی پروردگار من اگر نشان میدهی بمن آنچه را که وعده داده میشوند . - ۹۳ خدای من قرار مده مرا از قوم ستمگران . - ۹۴ و بتحقیق ما بر آنچه وعده میدهیم آنها را هر آینه توانا هستیم . - ۹۵ دفع کن بوسیله اعمال نیک ، سیئه و بدیرا ، و ما عالم هستیم بآنچه میگویند . - ۹۶ و بگوی پروردگارا پناه میبرم بتو از إلقاءات شیاطین . - ۹۷ و پناه میبرم تو را از آنکه نزد من حاضر گردند . - ۹۸ تا زمانیکه أجل آنها فرا برسد ، گوید پروردگارا مرا برگردان بدنیا . - ۹۹ شاید من عمل صالح بجای آورم در مواردیکه ترک و مسامحه کرده‌ام ، نه چنین است ، آن سخنی است که آنها گویند ، و از پشت آنها عالم برزخ است ، تا زمانیکه

آنها مبعوث شوند . - ۱۰۰ .

نتیجه :

غیب و شهادت : از مصادیق غیب جریانهای آینده و خصوصیات زمانهای آینده است که علم خداوند بآنها محیط باشد . و از آنها است : بواطن و نیات اشخاص که برای دیگران پوشیده است .

من همزات الشیاطین :

شیاطین : جمع شیطان است ، و آن هر فردیست که منحرف از راه خداوند متعال ، و محجوب از فیوضات و أنوار حق باشد ، خواه از افراد انسانها باشد ، و یا غیر انسان از جنّ .

برزخ : عالم متوسط در میان عالم دنیا که مادی صرف است ، و عالم آخرت که در جهت ماورای ماده است ، میباشد . و عالم برزخ شبیه است به عالم خواب که روح در محیط بدن فعالیت میکند ، و هیچکدام بنحو استقلال فعالیت ندارند .

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ . - ۱۰۱ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . - ۱۰۲ وَمَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ . - ۱۰۳ تَلْفَحُ وَجوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ . - ۱۰۴ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ . - ۱۰۵ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ . - ۱۰۶ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ . - ۱۰۷ قَالَ اخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ . - ۱۰۸ .

صُور : جمع صورت ، بمعنی شکل ، صفت ، و آنچه تخیل شود .

أَنْسَاب : جمع نَسَب بمعنی قرابت از طرف پدر است .

نُفح : سوزاندن از آتش باشد و یا از سرما و از باد .
 کَلح : کَلوح بمعنی گرفته بودن ، و عَبوس شدن ، و ضیق شدن است .
 مَوَازین : جمع میزان بمعنی آلت وزن و سنگینی است .
 شِقْوَة : و شَقَاوَة : شدت و عسر ، و ضدّ سعادت است .
 خُسُوٌ : و خَسَأٌ : بمعنی طرد کردن ، و دور کردن است .

می فرماید : پس زمانیکه دمیده شد در صورتها و شکلها ، پس قرابتها بوسیله
 انساب خاکی از میان می روند ، و از همدیگر سؤال و جواب نخواهد شد . - ۱۰۱ پس
 کسیکه سنگین شد اعمال او آنها رستگارانند . - ۱۰۲ و کسی که سبک باشد اعمال
 او پس آنان کسانی هستند که خسارت و زیان بخشیده اند بخودشان و برای همیشه
 در جهنّم باقی خواهند ماند . - ۱۰۳ می سوزاند صورتهای آنها را آتش ، و آنها در
 آتش گرفتار خواهند بود . - ۱۰۴ آیا نبود آیات من که خوانده می شد بآنها و بودند
 آنها تکذیب میکردند . - ۱۰۵ گویند که : پروردگارا فرا گرفته است ما را سختی و
 شدت در قلوب ما ، و بودیم افرادی گمراهان . - ۱۰۶ پروردگارا بیرون آور ما را از
 محیط گرفته و تاریک ، پس اگر برگشت کردیم بآن ، البتّه ما از افراد ستمکار
 خواهیم بود . - ۱۰۷ خداوند فرماید که دور شوید از محضر من و با من سخن
 نگوئید . - ۱۰۸ .

نتیجه :

نُفح فی الصور : در عالم ماورای ماده ، چون عالم ماده تمام شده است ، قهراً
 بدن و اعضای مادی نیز ، وجود و خصوصیات آنها سپری می شود ، ولی صورتهای و
 شکلها باقی و محفوظ است ، و روی همان شکلها نفخ روح شده ، و تحقق پیدا
 میکنند ، و این معنی تحقیق آن در عالم ماده بسیار مشکل باشد .

و در نتیجه آنسایبکه در عالم ماده بود : از اعتبار ساقط خواهد شد .
 و اما ثقلت و خفت موازین : مناسب آن عالم باشد ، و هم متناسب اعمال است
 که ماده و سنگینی مادّی ندارد .
 و لا تُكَلِّمُونِ : تکلم اظهار سخن و روشن کردن مقصود قلبی است .
 و اینمعنی در پیشگاه پروردگار متعال از مرحله خارج دور باشد .
 زیرا ظواهر و بواطن و اسرار موجودات نزد او روشن است .

إِنَّهٗ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ
 الرَّاحِمِينَ . - ۱۰۹ فاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ
 تَضَحَّكُونَ . - ۱۱۰ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ . - ۱۱۱ قَالَ
 كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ . - ۱۱۲ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلُ
 الْعَادِينَ . - ۱۱۳ قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . - ۱۱۴ أَفَحَسِبْتُمْ
 أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ . - ۱۱۵ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا
 إِلَهَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ . - ۱۱۶ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ
 فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ . - ۱۱۷ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ
 وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ . - ۱۱۸ .

فریق : جدا شده ، جمعیت ، گروه .

سِخْرِيًّا : و بضمّ اوّل : قهر کردن و تذلیل ، و تکلیف بلاعمل است .

إنساء : حمل کردن و واداشتن کسی به فراموش نمودن .

الفائز : ناجی ، مظفر است .

عبث : عمل لغو ، و لعب ، و خلط است .

برهان : بمعنی حجّت و دلیل است .

می‌فرماید: طائفه‌ای از بندگان من توجّه بخداوند پیدا کرده، و از خدا طلب مغفرت و رحمت می‌کردند. - ۱۰۹ و شماها از آنان مسخره کرده و تحقیر می‌کردید، و بطوری این عمل را ادامه میدادید که از ذکر و توجّه بمن غفلت مینمودید، و پیوسته بآنها استهزاء کرده و می‌خندیدید. - ۱۱۰ و امروز بخاطر صبر و استقامت داشتن بآنها جزاء و اجر نیکو داده و آنها را موفق و مؤید قرار دادیم. - ۱۱۱ گفت بآنها که شما چقدر پس از زندگی دنیا، باقی بودید، و چند سال پس از مرگ در روی زمین بودید. - ۱۱۲ گفتند بنظر ما یکروز و یا مقداری از روز بوده است. پس پپرسید از آنها که مأمور رسیدگی هستند. - ۱۱۳ فرمود: بسیار زمان کمی بود، اگر توجّه پیدا کنید. - ۱۱۴ آیا خیال کردید که ما شما را لغو و بی‌نتیجه آفریده، و شما نخواهید برگشت بسوی ما. - ۱۱۵ پس بلند و متعالی است خداوند مالک حق، و پروردگاری نیست مگر او که خدای عرش بزرگ است. - ۱۱۶ و کسیکه بخواند بجز خداوند، معبود دیگری را که دلیلی ندارد بآن، باید در پیشگاه خداوند بحساب او رسیدگی شود و هرگز شخص کافر رستگار نمیشود. - ۱۱۷.

نتیجه:

لا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ: این جمله در مقابل جمله ابتدایی سوره کریمه است، - قد أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ - که در این سوره مربوط بایمان و مؤمن، بحث شده است. و بمناسبت جمله - وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. در اینجا فرموده است: افحسبتم أنّما خلقناكم عبثاً.

و این سوره مبارکه از لحاظ توجّه دادن بصفات مؤمنین، بسیار مهمّ و قابل توجّه است.

و پس از این سوره مبارکه، سوره نور ذکر خواهد شد.

سوره نور - ۲۴
آیات ۶۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ . ۱ - الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . ۲ - الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ . ۳ - الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . ۴ -

سوره : فضل ، منزلت و شرف ، و قطعه محدود مستقلى از قرآن .

فرض : وجوب ، تعيين ، مقطوع ، مقدر .

جلدة : زدن با تازیانه یا شمشیر است .

محصنه : حفظ شده ، و عفیفه ، و شوهردار است .

می فرماید : این قطعه معین و محدودی است از قرآن مجید که نازل کردیم آنرا و مقدر و مقطوع نمودیم آنرا ، و نازل کردیم در آن آیات روشن شده ، شاید شماها متذکر و متوجه باشید . - ۱ شخص زانی و یا زانیه (زن زناکار) پس تازیانه بزنید بهر یکی از آنها صد تازیانه زدن ، و نگیرد شما را رأفت و مهربانی در دین خداوند متعال ، اگر هستید ایمان آورندگان بخداوند و بروز قیامت ، و حاضر باشد بعداب و تازیانه آنها جمعی از مؤمنین . - ۲ شخص زنا کننده نباید زنی بگیرد و ازدواج کند

مگر با فردیکه زنا کرده است (زانیه) و یا مشرکه و کافره باشد ، و زن زناکار نیز نمیتواند ازدواج کند مگر با مرد زانی و یا مشرک ، و حرام است آن بر مؤمنین . - ۳ و آن کسانیکه نسبت میدهند فحشاء را بزنی و او را بزنا می‌بندند ، و سپس در این نسبت چهار شاهد نمی‌آورند ، هشتاد تازیانه او را بزنیید ، و هرگز از او شهادتی قبول نکنید ، و آنها فاسق هستند . - ۴ .

نتیجه :

و حُرِّمَ ذَلِكُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ : آری این موضوع مربوط می‌شود بجهت انساب مؤمنین و مؤمنات ، و لازم است که از جهت انساب ، هیچگونه آلودگی و تاریکی نداشته باشند .

و وارد شده است که شخص مؤمن از نور و رحمت بوجود آید - أبوه النور و امه الرحمه .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . - ۵ و الَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ . - ۶ و الْخَامِسَةَ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ . - ۷ و يَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ . - ۸ و الْخَامِسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ . - ۹ و لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ . - ۱۰ .

رَمَى : إلقاء ، انداختن ، و ترک کردن .

تَزْوِيجٌ : عقد کردن ، نزدیک و مخالطه نمودن ، قرین قرار دادن .

دَرَأَ : دفع شدید کردن .

لعن : دور کردن ، طرد نمودن ، سبّ کردن .

می‌فرماید : مگر کسانی که پس از اعمال سوء خودشان توبه کرده ، و برنامه‌های خودشانرا اصلاح کنند ، در اینصورت خداوند متعال بخشنده و رحم کننده است . - ۵ و افرادی که نسبت می‌دهند به همسرهای خودشان ، و نباشد برای آنها بجز خودشان گواهان و شاهدهایی : پس شهادت دادن یکی از آنها چهار شاهد است ، و باید شهادت بدهد که : خداوند را شاهد میگیرم که چنین موضوعی را مشاهده کرده‌ام و من راست می‌گویم . - ۶ و در مرتبه پنجم گوید که : لعنت خداوند بر من باشد اگر دروغ بگویم . - ۷ و دفع میکند از آن زن عذاب را که شهادت بدهد چهار مرتبه که آن مرد دروغ میگوید . - ۸ و در مرتبه پنجم گوید که غضب خداوند بر من باشد اگر مرد راست میگوید . - ۹ و اگر نباشد فضل خداوند و رحمت او : و خداوند متعال برگردنده است به بنده خود ، و صاحب حکمت است ، و با فضل و رحمت و حکمت رفتار میفرماید . - ۱۰ .

نتیجه :

چهار شاهد است : این تقیّدات و سختگیریها برای اینستکه ، موضوع عفت و پاکدامنی برای افراد از مرد و زن ، محفوظ بوده ، و دامنه شهوات و فجور وسعت پیدا نکند ، و در عین حال برای افراد ضعیف ، راه استخلاص و نجاتی موجود باشد ، که بتوانند در موارد گرفتاری راه خلاصی داشته باشند .

و أمّا غضب : یکی از مصادیق لعن است ، و برای زن که موجود ضعیف و کم‌تحمّلی است : موضوع ضعیفتری انتخاب شده است .

و گفتیم که لعن ، بمعنی طرد کردن مطلق و دور کردن است ، و طرد کردن اخصّ و اشدّ از غضب و تندی کردن باشد .

و اما جمله - و اگر نباشد فضل خداوند : جزای شرط حذف شده است ، یعنی موضوع فضل و لطف الهی درباره بندگان ضعیف خود ، اقتضاء میکند که در مورد تقصیر و عصیان آنان ، با فضل و رحمت رفتار کند ، نه با حساب دقیق و مجازات تمام .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ . - ۱۱ لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ . - ۱۲ لَوْ لَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ فَاولئك عند الله هم الكاذبون . - ۱۳ و لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ . - ۱۴ إِذْ تَلَقَّوهُ بِالْسَنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ . - ۱۵ .

إفك : دروغ ، و افک و افوک : منصرف کردن از رأی .

عُصْبَةٌ : جماعتی که بهمدیگر متعصب باشند .

إثم : عمل آنچه جایز نیست ، خطیئه مطلق .

كِبْرَهُ : بزرگ و بزرگی . مخصوصاً در خطاء بقرینه کسره أول .

إفضاء : وسعت دادن ، و توسع .

می فرماید : بتحقیق آنهاييکه دروغ را ساخته‌اند ، جماعتی هستند از شما ، تصوّر نکنید که آن شرّ است برای شما ، بلکه آن بخیر شما است ، و برای هر مردی آنچه زیست که کسب کرده است از خطاء ، و کسی را که مرتکب عمل بزرگتری از

خطا شده است ، عذاب سختی را خواهد داشت . - ۱۱ اگر نبود آنچه شنیدید آنرا ، گمان میکرد افراد مؤمن و زندهای با ایمان که این پیش آمد بخیر آنها است ، و گفتند که این جریان بخیر آنها باشد ، این سخن دروغ روشنی است . - ۱۲ هرگاه که نیاوردند بآن جریان چهار گواهی ، و در اینصورت که چهار شاهدهی نیاوردند ، پس آنها نزد خداوند دروغگویان هستند . - ۱۳ و اگر نباشد فضل پروردگار متعال و رحمت او بر شما در دنیا و آخرت ، هر آینه میرسد بر شما در خصوص آنچه بازادی عمل میکنید ، عذاب بزرگ . - ۱۴ زمانیکه أخذ میکنید مطالبی را بزبانهای خودتان ، و میگویید در دهنهای خود آنچه را که علم و یقین بآن ندارید ، و این عمل را سست خیال میکنید ، و آن نزد خداوند بزرگ است . - ۱۵ .

نتیجه :

بلکه بهتر است برای شما : آری اینسخن ایجاب میکند که در مطالب و مسموعات خودشان تحقیق و دقت کرده و بدون تحقیق باور نکرده و ترتیب اثر ندهند . - *إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا* - که گاهی قبول سخن بی تحقیق موجب فساد بسیار بظاهر و بمعنی باشد .

و لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ . - ۱۶ *يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ* . - ۱۷ و *يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ* . - ۱۸ *إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ* . - ۱۹ و *لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ* . - ۲۰ *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ*

أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . - ۲۱ .

بُهْتَان : حیرت ، دهشت ، افتراء بکذب است .

أَنْ تَشِيعَ : شَيعَ بمعنی نَشَر و پراکنده شدن است .

فَاحِشَةٌ : عمل قبیح ، و زشت باشد .

خَطُوات : جمع خُطوه بمعنی ما بین قدمین که برای راه رفتن است .

تَزَكِيه : پاک کردن ، و زیاد کردنست .

می‌فرماید : هرگاه نبود زمانیکه شنیدید آن سخن را که می‌گفتید : نباشد برای ما که سخن گوئیم از آن ، منزه است خداوند متعال ! و این سخن دروغ بافی بزرگی است . - ۱۶ و پند میدهد شما را خداوند متعال که مانند آنرا تا آخر عمر بزبان نیاورید ، اگر مؤمن باشید . - ۱۷ و روشن میکند خداوند متعال برای شما آیات خودشرا ، و خداوند عالم و صاحب حکمت است . - ۱۸ بتحقیق افرادی که دوست میدارند که منتشر باشد اعمال زشت در میان مؤمنین ، برای آنها باشد عذاب سخت در دنیا و در آخرت ، و خداوند عالم است ، و شما نمیدانید . - ۱۹ و اگر نبود لطف و فضل خداوند متعال بر شماها ، و خداوند مهربان و صاحب رحمت است . - ۲۰ ای کسانی که ایمان آوردند پیروی نکنید از قدمهای شیطان ، و کسیکه پیروی میکند از قدمهای شیطان ، متوجه باشد که او بتحقیق میخواند انسانرا بکارهای زشت و قبیح و انکار شده ، و اگر نبود فضل و لطف خداوند برای شما ، هرگز کسی از شماها پاک و مهذب نمیشد ، ولیکن خداوند کسی را که بخواهد پاک میکند ، و او شنونده و دانا است . - ۲۱ .

نتیجه :

و صاحب حکمت است : علم مطلق عبارتست از احاطه بهمه جزئیات و کلیات و گذشته و آینده و بر قلوب و افکار . و حکمت عبارتست از نوع مخصوص از حکم که مطابق واقعیت بوده و حقیقت باشد .

و از این لحاظ بعلم فلسفه ، حکمت گویند که بحث از واقعیات است .
 يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ : محبت تمایل شدید است ، و تمایل شدید عبارتست از علاقه پیدا کردن ، و علاقه به فحشاء کاشف از سنخیت و تقرب و أخذ خصوصیات طرف است ، و در چنین حالتی انسان قهراً از مقامات حق و عرفان دور خواهد شد . و در آخر نیز از انوار حق و از فیوضات رحمت محروم خواهد بود .

و لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ : جواب شرط در امثال اینمورد محذوف است ، برای دلالت به تأکید و مبالغه ، یعنی در اینصورت شما بسیار متضرر می‌شدید .

و لَا يَأْتِلِ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى الْقُرْبَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . - ۲۲ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ . - ۲۳ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۲۴ يَوْمَئِذٍ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ . - ۲۵ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَ الْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ . - ۲۶ .

إِتِلَاءٌ : از ماده أُو و أَلَى ، بمعنی تقصیر و خَلْف و قسم است .

مُحْصَنَاتٌ : حفظ شده‌ها و شوهردارها و زندهای عقیفه .

توفیه : ادای تمام حق ، اعطای عهد و وعد است .
 تبرأه : از مادّه برائت و بمعنی شفا و دور شدنست .
 الخبیث : در مقابل طیّب ، و بمعنی مستکره و فاسد است .

می فرماید : کوتاهی و سختگیری نکنند آنهائیکه امکانات و وسعت دارند ، از اینکه رسیدگی و انفاق و دستگیری کنند از صاحبان نزدیکی و از آنهائیکه مسکین و نیازمند هستند یا از مهاجرین که در راه خدا از وطن خود بیرون می شوند . و لازم است که افراد متمکن گذشت داشته ، و عفو و چشم پوشی کنند ، آیا دوست نمی دارید اینکه خداوند ببخشد شما را ، و خداوند بخشنده و رحم کننده است . - ۲۲ بتحقیق آنهائیکه نسبت میدهند زندهای پاکدامن عفیف و غافل و مؤمن را بفحشاء : لعن می شوند در دنیا و در آخرت ، و برای آنها باشد عذاب بزرگ . - ۲۳ روزی پیش آید که شهادت میدهد زبانهای شما و دستهای شما و پاهای شما آنچه بودید عمل میکردید . - ۲۴ در آنروز انجام میدهد خداوند متعال برنامه دین حق را ، و میدانند که خداوند حق آشکار کننده است . - ۲۵ زندهای خبیث با مردهای خبیث باشند ، و مردهای خبیث با زندهای خبیث میشوند ، و زندهای پاکیزه با مردهای پاکیزه ، و مردهای پاکیزه با زندهای پاکیزه باشند ، و آنان پاک هستند از آنچه در حق آنها گفته میشود ، و برای آنها آمرزش پروردگار و روزی مطلوب است . - ۲۶ .

نتیجه :

از صاحبان نزدیکی : مراد اقرباء و خویشاوندان هستند که در مرتبه اول و اولویت دارند برای دستگیری و یاری کردن .
 و در مرتبه دوم : نیازمندان هستند که از لحاظ شرعی و وجدانی لازم است که

بأنها رسیدگی شود ، و در مرتبه سوّم - مهاجرین هستند که بحساب وظیفه إلهی و شرعی لازم است مورد تفقّد قرار بگیرند .

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ . - ۲۷ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ . - ۲۸ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ . - ۲۹ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ . - ۳۰ .

غَضٌّ : پایین آوردن ، و شکستن است .

أَزْكَى : پاکیزه تر و مفیدتر است .

استیناس : انس خواستن و مربوط شدن .

جُنَاحٌ : اِثم ، طائفه ، تمایل است .

می فرماید : ای کسانی که ایمان آوردند داخل نشوید بخانه هایی که غیر خانه های خودتانست ، تا وقتی که انس بگیرید و مأنوس باشید با اهل آن خانه ، این عمل بهتر و خیر است برای شما اگر متذکر باشید . - ۲۷ پس اگر نبود در آن خانه کسی پس داخل آن خانه نشوید ! و اگر گفته شود برای شما که برگردید ! پس برگردید که آن پاکیزه تر است برای شما ، و خداوند بآنچه عمل میکنید عالم است . - ۲۸ نیست برای شما تمایل از حق و گناهی اینکه داخل شوید به خانه هایی که ساکن و اهلی ندارد ، و در آنجا متاع و جنسی برای شما هست ، و خداوند میداند آنچه آشکارا میکنید و آنچه را که پوشیده میدارید . - ۲۹ بگوی برای مؤمنین که پایین آورند از

دید چشمهای خود ، و حفظ کنند از دامنه‌های خود که این پاکیزه‌تر است برای آنها ، و خداوند آگاه است بآنچه عمل میکنند . - ۳۰ .

نتیجه :

يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ : تاکید صریح و نهی لازم برای پایین آوردن نظر در مقابل زندهای نامحرم است ، تا برخورد بصورت نامحرم نشده ، و چشم مرد از دید زندهای نامحرم محفوظ باشد .

آری اینمعنی اولین مرحله حفظ عفت و پاکدامنی مرد و زن حساب شده ، و از برخوردهای نامشروع جلوگیری میکند .

و تعبیر با کلمه - مِنْ : اشاره است به لزوم و وجوب غض بصر تا آن حدودیکه حفظ برخورد و نظر سوء می‌شود ، که کلمه - مِنْ ، دلالت به تبعیض میکند ، زیرا غض تمام بصر عملی نبوده ، و مانع از ادامه زندگی باشد .

و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . - ۳۱ .

فُرُوج : جمع فَرْج بمعنی فتح و اطلاق میشود به قُبُل و دُبُر و عورتین .
إِبْدَاء : بمعنی اظهار ، از ماده بدو بمعنی ظهور است .

- بُعُول** : جمع بعل که بمعنی زوج است ، و بعلِ زوجه مرتبی او است .
خُمُر : جمع خِمار - چیز است که با آن صورت و سر را میپوشند .
جُیوب : جمع جیب که بمعنی قطع و خرق لباس است .
الإْرِیة : حاجت ، مهارت و بصیر بودن است .
عَوْرَات : جمع عَوْرَة ، هر آنچه انسان میپوشاند .

می‌فرماید : بگوی به مؤمنات که پایین کنند دید چشمهایشانرا ، و حفظ کنند عورتین خود را ، و آشکار نکنند زینت‌های خود را ، مگر آنچه را که بجریان طبیعی ظاهر میشود ، و بزنند روسریهای خودشانرا بر گردنهای خودشان ، و ظاهر نکنند زینتهای خودشانرا مگر برای شوهرهای خود ، و یا برای پدرانشان ، و یا پدران شوهرها ، و یا برای فرزندان شوهرها ، یا برای برادرهای خود ، یا برای فرزندان برادرها ، و یا فرزندان خواهرها ، یا برای زنهای دیگر ، یا آنانکه دستهای آنها مالک شده است ، یعنی مملوک هستند ، و یا افرادی که تابع و پیرو بوده و استقلال ندارند و در عین حال حاجتی هم ندارند .

و یا اطفالیکه هنوز بخصوصیات خلقت زنها آشنا نیستند ، و نباید زنها در راه رفتن پای محکم بزمین بزنند که اوضاع داخلی و صفات باطنی آنها فهمیده گردد ، و همه شما از مرد و زن لازم است که بخداوند متعال توجه داشته و بسوی او حرکت کنید ، شاید که شما رستگار گردید . - ۳۱ .

نتیجه :

در این آیه کریمه یازده مورد برای حفظ زینت در مقابل دیگران ، ذکر فرموده است : اوّل - مردهای غیر از پدر . دوّم - مردهای غیر از شوهر . سوم - غیر از پدران شوهرانشان . چهارم غیر از فرزندان شوهر . پنجم - غیر از برادرهای خود . ششم -

غیر از فرزندان خواهرهای خود . هفتم - غیر از فرزندان برادران خود . - هشتم - استثناء میشود همه زنها و نهم - آنها بیکه مملوک باشند برای او . دهم - آنها بیکه از خود استقلالی نداشته و تابع هستند . - یازدهم - اطفالیکه هنوز تشخیص زناشویی و ازدواج نمیدهند .
در این یازده صورت میشود ، زنها زینتهای خود را ظاهر کنند .

و أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . - ۳۲ و لِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَيْكُمْ وَلَا تَكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ . - ۳۳ و لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ . - ۳۴ .

أَيَامَىٰ : جمع أَيْم ، بمعنی زنیکه شوهر ندارد ، و یا مردیکه بی زن است .

إِمَاءٌ : جمع أَمَةٌ بمعنی کنیز و جاریه است .

اسْتَعْفَفَ : از عَقَّتْ که بمعنی خودداری و کَفَّ نفس است .

إِبْتِغَاءٌ : اختیار طلب چیزی است .

بِغَاءٌ : طلب چیزی است بطور مطلق ، و طلب فساد است .

تَحَصُّنٌ : حفظ کردن از خلاف و نفس را از تمایلات محفوظ داشتن .

عَرَضٌ : متاع دنیا که ثابت و باقی نیست .

می فرماید : و تزویج کرده و بزناشویی بدهید مردهای مجرّد و زنهایی بی شوهر را

، و افراد صلاح طلب از مردها و زنها را که مملوک و تحت اختیار شما هستند ، و اگر آنها نیازمند و فقیر باشند خداوند متعال از لطف و فضل خود آنها را بی نیاز میکند ، و خداوند وسعت و توانایی داشته و محیط و عالم است . - ۳۲ و آنهایکه قدرت و استطاعت ندارند که زناشویی نمایند ، لازم است که عفت و خودداری کنند تا وقتیکه خداوند متعال آنها را وسعت و توانایی بدهد از فضل و لطف خود ، و آنهایکه درخواست نوشته و قرارداد میکنند از افرادی که در تحت مالکیت شما هستند ، پس با آنها قرارداد و نوشته داشته باشید ، اگر میدانید که آنها نیت پاکی دارند ، و از مال خداوند متعال که بشما داده است ، بآنها بدهید ، و باکراه و مدارید آنها را به طلب فساد و براه انحراف ، در صورتیکه خودشان صلاح و هدایت بخواهند ، و منظور شما بدست آوردن منافع دنیوی نباید باشد ، و اگر کسی آنها را با اکراه بطلب فساد و داشت : پس خداوند متعال پس از آن اکراه بخشنده و مهربانست . - ۳۳ و بتحقیق نازل کردیم برای شما آیاتیکه آشکار کننده حقایق است ، و مثلها است از زندگیهای گذشتگان شما ، و موعظه و پندها است برای کسانی که تقوی دارند . - ۳۴ .

نتیجه :

و مَنْ يُكْرِهَنَّ : ضمیر در کلمه - إكراههِنَّ ، راجع میشود به فتیات که اکراه میشوند به بغاء ، که ضمیر مفعول در هر دو فعل همان فتیات منظور است .
و رجوع ضمیر به فاعل برخلاف قاعده است ، زیرا بخشیدن و تجاوز از عمل اکراه کننده ، محتاج به دلیل خارجی است .

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكُوتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَ

لَا غَرْبِيَّةَ يَكَادُ زَيْتَهَا يُضِيءُ و لَوْ لَمْ تَمَسْسُهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . - ۳۵ فِي بُيُوتِ أُولَئِكَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ . - ۳۶ .

نور : روشنایی ، ظهور است .

مِشْكُوَّةٌ : جای محدودیست که مصباح در آنجا گذارند .

مِصْبَاحٌ : چراغ ، وسیله روشنایی است .

زُجَاجَةٌ : بمعنی شیشه ، قطعه‌ای از شیشه است .

كَوْكَبٌ : ستاره ، و چیزیکه عظیم باشد .

دُرِّيٌّ : دُرّ بمعنی لؤلؤ روشن ، و چیز روشنایی دهنده .

ایقاد : روشن کردن آتش است .

می‌فرماید : خداوند روشنایی بخشنده آسمانها و زمین است ، و مثل نور بودن او چون محدوده مشکوتیست که در آن مصباحی باشد ، و مصباح در میان زجاجه‌ای قرار می‌گیرد ، و زجاجه چون ستاره روشنایی دهنده‌ای باشد که می‌درخشد ، که آن ستاره روشنایی بگیرد از درختی که مبارک است ، درخت زیتونی است که شرقی و غربی نباشد ، که روغن زیت آن نور و آتش می‌گیرد و روشنایی می‌دهد اگر چه مس نکند آنرا آتش ، نور دهنده است بالای نور ، و هدایت میکند خداوند بسوی آن نور هر کسی را که بخواهد ، و خداوند مثل می‌زند برای مردم ، و او بهر چیزی عالم است . - ۳۵ در خانه‌هایی که اذن داده است خداوند متعال اینکه بلند گردد ، و یاد شود در آنها نام خداوند متعال ، که تسبیح می‌کند در آنخانه‌ها مردهایی به صبح و شام . - ۳۶ .

نتیجه :

نور و روشنائی : مراد نور روحی و معنوی است نه محسوس مادی ، و حقیقت نور معنوی عبارت میشود از موضوع هستی و وجود که إفاضه میشود از جانب پروردگار متعال .

و موضوع مشکوة و مصباح و زجاجه و کوکب اشاره میشود بمراتب و مراحل نور که در خارج جلوه گر شده و با موجودات ظاهر میگردد .
السَّمَوَاتِ و الْأَرْضِ : اشاره میشود بمقام رفیع و بلند نور پروردگار متعال ، که محیط و فراگیر همه موجودات سماوی و ارضی است .
و ضمناً توجه شود که ما در گذشته کتابی بنام - أشعه نور - تألیف و شرح کردیم که کتاب مفصل و مشروح و تحقیقی است راجع باین آیه کریمه .

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ
يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْآبْصَارُ . - ۳۷ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا
وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . - ۳۸ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَعْمَالُهُمْ كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ وَجَدَ
اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَهُ حِسَابَهُ وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ . - ۳۹ أَوْ كظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ
يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ
يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرِيهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ . - ۴۰ .

إِلْهَاءٌ : ترک کردن ، و مشغول کردن است .

سَرَابٌ : آنچه از زمین موقع نصف النهار مشاهده میشود .

قَيْعَةٌ : زمین صاف و هموار، و مفرد و جمع استعمال میشود .

ظَمَانٌ : کسی که تشنه و عطشانست .

لُجِّيّ : لُجّه بمعنی آب کثیر ، و جماعت زیاد است .
مَوْج : بلندی و هیجان و اضطراب است .

می فرماید : تسبیح میکند برای او مردهایی بصبح و عصر ، که مشغول نمیکند آنها را تجارت و خرید و فروشی ، از یاد کردن خداوند متعال و از برپا داشتن نماز و دادن زکوة ، و می ترسند از روزیکه تحوّل پیدا میکند در آنروز قلبها و چشمها . - ۳۷ تا پاداش بدهد خداوند آنها را به نیکوترین آنچه عمل کردند ، و افزون کند از فضل و لطف خود ، و خداوند روزی میدهد کسی را که بخواهد خارج از میزان حساب . - ۳۸ و آنانکه کافر شدند ، أعمال آنها چون زمین شوره زاریست (سراب) که تصور میکند بیننده آنها آب ، و چون نزدیک آن آید نمی یابد آنها آب ، و می یابد آنها که در محضر خداوند است ، پس خداوند متعال حساب او را باآخر رسانیده و تمام میکند ، و خداوند سرعت کننده است در رسیدگی بحساب . - ۳۹ یا مانند ظلماتیست (تاریکیها) در دریای عمیق که می پوشاند آنها موجی از آب که از بالای آن موجی دیگر باشد ، و از بالای آنها ابری باشد ، که اینها تاریکیها است که بعضی از آنها روی بعضی دیگر خواهد بود ، و چون دستشرا بیرون آورد نزدیک نباشد که آنها ببیند ، و کسیکه قرار نداده است برای او نوری ، پس نباشد برای او نور . - ۴۰ .

نتیجه :

و إقامِ الصلوة : بر پا داشتن نماز ، البتّه بدقت و با شرائط ، در مرتبه دوّم از ذکر خداوند است ، چون حقیقت نماز عبارتست از یاد و توجه بخداوند ، و قیام در پیشگاه او که بزرگترین برنامه عبودیت و اطاعت و انجام وظایف بندگی است .
و پس از آن انجام وظایف دستگیری و یاری به بندگان خداوند متعال است که کمترین حدّ آن أداء کردن زکوة واجب باشد .

تقلّب قلوب و عیون : تقلّب : عبارتست از حالت متغیّر شدن احساسات و ادراکات حسی و معنوی که از ادراکات حقایق محروم باشند ، و نتوانند آنطوریکه هست درک معارف کنند .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ . - ۴۱ و لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ . - ۴۲ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَابِرُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ . - ۴۳ .

تسبیح : نماز ، دعاء ، تنزیه است .

و الطَّيْرُ : جمع طائر آنچه بوسیله پر حرکت میکند در هواء .

صَلَاتُهُ : بمعنی دعاء ، و نماز .

يُزْجِي : سوق دادن ، و دفع با رفق است .

رُكَامٌ : جمع کردن و بعضی را بالای بعضی قرار دادن .

الْوَدْقُ : قطرات باران که فرود آید .

بَرَدٌ : آب ابر که در هواء منجمد میشود - تگرگ و برف .

سَنَابِرُهُ : روشنائی ، بلندی برق .

می فرماید : آیا ندیدی که خداوند متعال تسبیح میکند او را آنکه در آسمانها و زمین است ، و پرندگان که صف میکشند ، هر کدام از آنها بتحقیق دانسته است نماز و دعاء و تسبیح خود را ، و خداوند متعال عالم و محیط است بآنچه عمل

میکنند . - ۴۱ و برای خدا است مالکیت آسمانها و زمین ، و بسوی او است برگشتن . - ۴۲ آیا ندیدی که خداوند برمی‌انگیزاند ابر را ، و سپس بهم دیگر ربط میدهد ، و پس از آن قرار میدهد آنها را متراکم ، پس می‌بینی بارانرا که از میان آنها خارج میگردد ، و نازل می‌کند از آسمان ، از کوههاییکه در آسمان است ، از برف و تگرگ ، پس برخورد میدهد آنرا بهر کسیکه میخواهد و برمیگرداند آنرا از آنکه میخواهد ، نزدیک میشود که روشنایی و بلندی برق آن ببرد چشمها را . - ۴۳ .

نتیجه :

تسبیح برای او : که همه موجودات خودشانرا برای قرب بخداوند متعال ، که جامع تمام أسماء و مقامات و صفات عالیه هستند ، آماده میکنند ، و سیر بسوی کمال و طلب آن ، یک امر وجدانی و طلب طبیعی است .
از جمادی مردم و نامی شدم و از نما مردم ز حیوان سر زدم
و حقیقت قرب : نزدیک شدن از جهت صفات روحانی است .
و همچنین است حقیقت برگشتن و رجوع که لازم است از راه روحانی و تزکیه نفس و حصول صفاء و طهارت باطن صورت بگیرد .
و معلوم میشود که : حقیقت نماز همان قرب و حضور و خضوع در مقابل پروردگار متعال است - الصلوة معراج المؤمن .

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ . - ۴۴ و اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - ۴۵
لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . - ۴۶ وَ يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا

أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ . - ۴۷ وَاذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ . - ۴۸ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ . - ۴۹ .

عِبْرَةٌ : موعظه ، عجب ، عبور کردن .

تَوَلَّى : نزدیک شدن ، و با حرف عن : دوری کردن است .

إِذْعَانٌ : اعتقاد ، اقرار کردن .

می فرماید : برمیگرداند شب و روز را ، و بتحقیق در این جریان هر آینه پند گرفتن و نتیجه گیریست برای کسانی که صاحبان بینائی باطنی هستند . - ۴۴ و خداوند آفریده است هر جنبنده‌ای را از آب ، پس از آنها برخی راه می‌رود بروی شکم خود ، و برخی بر دو پای ، و از آنها بر چهار پای ، خلق میکند خداوند آنچه را بخواهد ، بتحقیق خداوند بر هر چیزی توانا است . - ۴۵ بتحقیق نازل کردیم آیاتیکه روشن کننده است ، و خداوند هدایت میکند کسی را که بخواهد بر صراط مستقیم . - ۴۶ و میگویند که ایمان آوردیم بخداوند و برسول اکرم (ص) و اطاعت کردیم ، و سپس پشت میکنند جمعی از آنها پس از آن ، و نیستند ایمان آورندگان . - ۴۷ و زمانیکه خوانده شدند بسوی خداوند متعال و رسول او ، پس جمعی از آنها به حکم خداوند راضی نشده و اعراض میکنند . - ۴۸ و اگر باشد برای آنها حق ، می‌آیند بسوی آن اعتقاد کنندگان . - ۴۹ .

نتیجه :

يَقْلِبُ اللَّهُ : لیل زمینه دارد برای استراحت و فراغت از عمل ، و نهار زمینه پیدا میکند برای کار و فعالیت داشتن .

و این دو حالت در اثر حرکت آفتاب و ماه و زمین پیدا میشود .

کَلِّ دَابَّةً مِنْ مَاءٍ : آب نه تنها برای ادامه حیات نباتات و حیوانات و انسانها است ، بلکه مبدء تکون همه حیوانها است ، و بلکه نباتات نیز هست .
و برای تحقیق این مطلب ، لازم است بکتابهای طبیعیات مراجعه کرده ، و از تحقیق و تجزیه آبهای مختلف آگاهی پیدا کرد .
و اما تکون حیوانی با آن اجزاء و قوی و نظم عجیب از یک ماده بسیط : کشف از قدرت و علم خارق العاده کرده ، و دلالت بعظمت و جلال و إحاطه و توانایی مطلق میکند .

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ . - ۵۰ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيُحْكَمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . - ۵۱ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ . - ۵۲ وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ أُمرْتَهُمْ لِيُخْرِجَنَّ قَلَّ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ . - ۵۳ .

ارتیاب : شک کردن ، تهمت زدن است .

حیف : ظلم ، تجاوز کردنست .

فلاحه : زراعت ، و فوز ، ظفر ، رستگاری .

يَتَّقِهِ : از اتقاء و با ضمیر غایب است ، و در جواب حرف شرط (مَنْ يُطِيعُ) آخرش حذف شده است .

می فرماید : آیا در قلوب آنها بیماری هست ؟ و یا شک و تردید داشتند ؟ و یا میترسند که خداوند ظلم و تجاوز نماید بآنها و رسولش ظلم روا بدارد بآنها ؟ بلکه

آنها هستند که ظلم کننده باشند . - ۵۰ اینستکه گفتار مؤمنین چون دعوت شدند بسوی خداوند متعال و رسول او تا حکم کند در میان آنها اینکه گویند : ما شنیدیم و اطاعت کردیم ، و آنان آنها هستند رستگاران . - ۵۱ و کسیکه اطاعت کند خداوند متعال و رسول گرامی او را و بترسد از او و تقوی داشته باشد : پس آنها رستگارانند . - ۵۲ و سوگند خوردند بخداوند با تمام تصمیم و کوشش خودشان که اگر امر کنی آنها را هر آینه خارج میشوند برای جهاد ، بگوی که قسم نخورید که این موضوع اطاعتی است که شناخته شده است ، و خداوند آگاهست بآنچه عمل میکنید . - ۵۳ .

نتیجه :

فی قلوبهم مَرَضٌ : مرض قلب اختلال و بهم خوردن نورانیت و صفای قلب است که موجب کدورت و محجوبیت گردد .
 أم ارتابوا : این حالت دوم است ، و آن حصول حالت ریب و شک است که موجب تزلزل در فکر و اعتقاد میشود .
 و حالت سوم : عارض شدن خوف و وحشت و اضطرابست که سبب میشود از جهت حکم الهی و برنامه او متزلزل گردد .
 و لازمست که در فکر و عقیده خود هرگز سستی و تزلزل پیدا نکرده ، و مطمئن باشد که خداوند صددرصد مهربان بوده ، و کمترین ظلم و تجاوزی در حق کسی نخواهد شد .

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ و عَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ و إِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا و مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين . - ۵۴ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . - ۵۵ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ . - ۵۶ .

البلاغ : ادراک ، اتمام ، منتهی شدن است .

استخلاف : چیز را خلیفه و جانشین قرار دادنت .

فَإِنْ تَوَلَّوْا : در مقابل اطاعت و بمعنی برگشتن و انصراف است .

مَا حُمِّلَ : از تحمیل بمعنی بار کردن و حمل چیز است به چیزی یا حیوانی .

تمکین : قدرت و امکانات بکسی دادنت .

می فرماید : بگوی اطاعت کنید خداوند را ، و اطاعت کنید رسول او را که فرستاده است ، پس اگر برگشته و منصرف گردند : برگردن او خواهد بود آنچه او را حمل شده ، و بر عهده شما باشد آنچه شما حمل کرده شدید ، و اگر او را اطاعت کنید : هدایت خواهید شد ، و نیست بر عهده رسول گرامی مگر بآخر رسانیدن و کمال بلاغ آشکار . - ۵۴ وعده کرده است خداوند متعال افرادی را که ایمان آورده اند و اعمال نیکو انجام داده اند ، اینکه خلیفه و جانشین قرار بدهد آنها را در زمین چنانکه خلیفه قرار داده است از گذشتگان ، و هر آینه امکانات میدهد برای آنها در خصوص دین آنها که برای آنها انتخاب فرموده و پسندیده است ، و هر آینه تبدیل میکنند برای آنها پس از اضطراب و خوف ، امنیت را ، تا عبادت کنند مرا و شرک قرار ندهند برای من چیز را ، و چون کسی پس از آن کفر بورزد : پس آنها فاسق بوده و از دین و برنامه الهی بیرون خواهند رفت . - ۵۵ و برپا بدارید نماز را و بدهید زکوة را و اطاعت کنید از رسول اکرم ، شاید شماها در مورد رحمت و مهربانی قرار

بگیرید . - ۵۶ .

نتیجه :

فأَنتَما عَلَیْهَ ما حُمِّلَ : ضمیر برمیگردد بر رسول اکرم (ص) که بر گردن او است آنچه حمل کرده شده است - و آنحضرت ملزم شده است به کمال بلاغ ، یعنی ابلاغ کامل دستورهای آسمانیِ اِلهی بمردم .

لا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ كَفَرُوا مُعْجِزِینَ فِی الْأَرْضِ وَ ما أُوْیَهُمُ النَّارُ وَ لَیْسَ الْمَصِیْرُ . - ۵۷ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَیْسَتْ أَدْنُكُمْ الَّذِینَ مَلَكَتْ أَیْمَانُكُمْ وَ الَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَوةِ الْفَجْرِ وَ حِینَ تَضَعُونَ ثِیَابَكُمْ مِنَ الظَّهِیرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَوةِ الْعِشَاءِ ثَلَثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَیْسَ عَلَیْكُمْ وَ لا عَلَیْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَیْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَی بَعْضٍ كَذَلِكِ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآیَاتِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَكِیمٌ . - ۵۸ وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلَیْسَتْ أَدْنُكُمْ كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكِ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آیَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَكِیمٌ . - ۵۹ .

لا تَحْسَبَنَّ : تصوّر و حساب نکن کافرین را .

مَأْوَى : جای نزول و منزل است .

حُلْمٌ : و حُلْمٌ مصدرند ، بمعنی خواب دیدن است .

جُنَاحٌ : گناه ، و میل کردن است .

ظَهیرَه : ساعات نصف النهار و ظُهر است .

عَوْرَاتٍ : جمع عَوْرَة ، چیزیکه پوشیده میشود ، و یا شرم در اظهار آن باشد .

فَجْرٌ : جریان آب و یا هوای روشن و یا نور و منشقّ شدن .

می‌فرماید: حساب و تصوّر مکن کافرین را که در زمین اعجاز میکنند، و جای بازگشت آنها آتش است، و هر آینه بدجای برگشتی است. - ۵۷ آی کسانیکه ایمان آوردند، البتّه اذن بطلبند از شما آنانکه را مالک شده است دستهای شما، و آنانکه هنوز بالغ نشده‌اند از شما، سه مرتبه:

أوّل - در زمان فجر که آغاز پیدایش روشنایی و آفتاب است.

دوّم - زمانیکه در منزل و مسکن خودتان، لباسهای بیرون را در می‌آورید، و موقع استراحت نصف روز است.

سوّم - اوائل شب و پس از نماز عشاء، که برای خواب و استراحت آماده میشوید.

و در این سه موقع لازم است اذن طلبیده و در مجلس آنها حاضر شد، و حتی برای اولاد و خدمتکاران داخل خانه نیز مقید باشند.

و در غیر این سه موقت مانعی نباشد که بدون اذن طلبیدن داخل شوند، و یا برخی از آنها با برخی دیگر آمیزش پیدا کنند، و همچنین بیان میکند خداوند آیات و احکام خود را، و خداوند صاحب علم و حکمت است. - ۵۸ و چون اطفال شما بحدّ بلوغ رسیدند: پس اذن بطلبند، چنانکه آنانکه پیش از شما بودند اذن می‌طلبیدند، و اینچنین روشن میکند خداوند آیات خود را، و خداوند علیم و حکیم است.

نتیجه:

آری علم خداوند متعال محیط است بهمه جزئیات و کلیات و گذشته و آینده. و إِذَا بَلَغَ: در این آیه کریمه علامت طفولیت را پیش از درک حُلْم ذکر فرموده است و گفتیم که: حُلْم بمعنی خواب دیدنست، البتّه خواب مخصوص، و از این معنی است کلمه احتلام و محتلم شدن.

و الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ
 ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . - ۶۰
 لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى
 أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
 جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً
 مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . - ۶۱ .

قواعد : جمع قاعده که بمعنی زن نشسته باشد که از فعالیت بماند .

تبرّج : ظهور و بلندی و زیبایی و جالب بودن ، و ساختمان بلند .

حرج : مضیقه ، گناه ، سختی .

أشتات : جمع شتات بمعنی متفرّقها .

أعرج : کسیکه در مشی معتدل نیست ، و بچپ و راست منحرف میشود .

می فرماید : و نشستگان ضعیف از زنها که امیدوار نیستند به ازدواج کردن ، پس
 نباشد برای آنها مانع و گناهی اینکه لباسهای پوشش آنها برداشته شود ، بدون
 زینت کردن ، و برنامه عفت و خودداری داشته باشند برای آنها بهتر است ، و
 خداوند شنونده و دانا است . - ۶۰ نباشد برای کسیکه بینایی ندارد (کور)
 مضیقه‌ای ، و نه برای کسیکه در راه رفتن معتدل و سالم نیست ، و نه بشخص
 بیمار ، مضیقه‌ای ، و نه برای خودتان که بخورید از خانه‌های خودتان ، و یا از
 خانه‌های پدران ، و یا از خانه‌های مادرهای خودتان ، و یا از خانه‌های برادرهای
 خود ، و از خانه‌های خواهرهای خود ، و یا از خانه‌های عموهای خود ، و یا از

خانه‌های عمه‌های خود، و یا از خانه‌های دائیها و یا خاله‌های خود، و یا از خانه‌هایی که کلیدهای آنجاها بدست شما است، و یا از خانه‌های دوست‌های واقعی شما، و نیست برای شما اشکالی اینکه بخورید از همه آنها و یا بطور متفرق. و چون داخل خانه‌ای شدید پس سلام بگویید بخودتان سلام گفتنی که مبارک است، اینچنین آشکار میکند خداوند متعال آیات خود را که شاید شما توجه پیدا کنید. - ۶۱.

نتیجه :

و القواعد : مراد زنهایی هستند که نه خودشان و نه دیگران از آنها نظر ازدواج و استمتاع دارند، از جهت کبر سنّ و ضعف مزاج .
 أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ : مراد از ثياب : آن ثیابی است که در آیه گذشته - حین تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ - ذکر شده است .
 فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا : این دستور کلی است که بهمه موارد مذکوره و غیر آنها شامل می‌شود .

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذِنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذْنُ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . - ۶۲ لا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلِيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . - ۶۳ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . - ۶۴ .

أمر جامع : مراد تکلیف عمومی است که شامل همه افراد میشود .
 يتسللون : از تسلل و بمعنی خود را در خفیه قرار دادندست .
 لُواذ : پناه بردن و التجاء ، و بسوی چیزی رفتن .
 فتنه : منحرف کردن و گمراه کردن فکر ، و عذاب است .
 تنبئه : خبر دادن و از غیب آگاه نمودن است .

می فرماید : اینستکه مؤمنین افرادی هستند که ایمان آورده اند بخداوند و رسول او ، و چون بودند روی برنامه ایکه کلی و مشترک است در میان آنها و رسول اکرم ، عمل نمیکنند مگر اینکه اذن بطلبند از آنحضرت ، و بتحقیق آنها ییکه اذن خواستند : اذن بده بآنکه میخواهی از آنها ، و طلب مغفرت کن از خداوند متعال برای آنها ، و خداوند آمرزنده و مهربانست . - ۶۲ قرار ندهید دعوت کردن رسول اکرم (ص) و خواندن او را چون خواندن مردم دیگر ، بتحقیق میدانند خداوند متعال افرادی را که خودشانرا مخفی میدارند از لحاظ پناه گرفتن ، پس بترسند آنها ییکه مخالفت میکنند به دستور و امر پروردگار متعال از آنچه برسد آنها را گرفتاری و یا برسد عذاب دردناک . - ۶۳ آگاه باشید که برای خداوند است آنچه در آسمانها و زمین است ، و میداند آنچه را که شما در آن حالت هستید ، و روزی که برمیگردید بآن پس خبر میدهد بآنچه عمل کردند ، و خداوند بهر چیزی دانا است . - ۶۴ .

نتیجه :

حتی یستأذنه : چون از آداب معاشرت افراد مختلف ، فراغت شد ، شروع شده است به بیان آداب مصاحبت با رسول اکرم (ص) .
 اول - می فرماید : خواندن و اسم بردن از آنحضرت را مانند افراد عادی دیگر

بسادگی إجراء نکنید ، و لازمست تشریفاتى مناسب صورت بگیرد .
 دوّم - لازمست در امور مهمّ از آنحضرت اجازه طلبید ، و اختیار اجازه دادن با
 آنحضرت است از هر جهت ، و باید تسلیم شد ، و ضمناً انتظار از آنحضرت اینستکه
 برای طرف ، استغفار کند .

تمام شد سوره مبارکه نور در ۶۴ آیه کریمه ، و از آیاتِ مهمّ این سوره : آیه نور
 است که ما بطور مشروح از خصوصیات ادبی و عرفانی آن آیه کریمه در رساله
 مستقلّی بحث کرده‌ایم .

و در اینجا با توفیق و توجّه خاصّ پروردگار متعال ، شروع میکنم بتفسیر و
 ترجمه سوره فرقان که سوره بیست و پنجم از قرآن مجید بوده ، و در هفتاد و هفت
 آیه باشد = أشعه نور .

سوره فرقان - ۲۵
آیات ۷۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا . ۱ - الَّذِي لَهُ
مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ
خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا . ۲ - وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ
يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا
نُشُورًا . ۳ - وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرِيهِ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ
فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا . ۴ .

تَبَارَكَ : تيمّن ، تقدّس ، زيادت .

الْفُرْقَان : فصل و جدایی دادن در میان دو چیز .

تَقْدِير : تدبیر شیء ، و مقایسه و حکم کردن .

آلِهَةٌ : جمع إله ، و بمعنی معبودها است .

نُشُور : ارتفاع ، نهضت .

إِفْك : دروغ ، و منصرف شده از واقع .

إِفْتِرَاء : ساختن ، ساختن دروغ .

زُور : دروغ ، باطل ، میل از حق .

می فرماید : مبارک است آن خداوندیکه نازل کرده است بر بنده خود ، فرقانرا ،
چیزیکه و یا قوه روحانی که وسیله جدا ساختن حق از باطل است ، تا باشد برای
مردم دنیا ترساننده . ۱ - خداوندیکه برای او است مالکیت آسمانها و زمین ، و

نگرفته است فرزندی ، و نباشد برای او شریکی در جهت مالکیت ، و همه موجودات را آفریده است ، و سپس آنها را تقدیر و تدبیر نموده است . - ۲ و مردم گرفته‌اند برای او معبودها و شریک‌هایی در مقام خلقت که هرگز آنها چیز را خلق نکرده‌اند ، و خودشان مخلوقند ، و مالک نمیشوند برای خودشان ضرر و نفعی را ، و مالک نشده و اختیار ندارند موت و حیاة و نشور را . - ۳ و گفتند افرادی که کافر شده‌اند : نیست این سخنها مگر دروغ‌هایی که بافته است ، و یاری کرده است باو دیگران ، بتحقیق آورده‌اند ظلم و جور و باطل را . - ۴ .

نتیجه :

نَزَلَ الْفُرْقَانُ : مصدر است ، بمعنی جدا ساختن در میان افراد از موضوعات خارجی باشد ، و یا از معنوی ، و یا از افراد انسانها .
و این معنی که قوه تمییز و تشخیص موضوعات و افراد است : در مقام رسالت و هدایت و دعوت دیگران لازم است . و تا اینمعنی محقق نگردد تشخیص کیفیت و خصوصیت رسالت و تبلیغ و هدایت غیرممکن خواهد بود .
لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا : وظیفه درجه اوّل در مقام رسالت و نبوت ، مُنْذِرٌ بُوْدُنِسْت ، و تا انسان تقوی و خودداری پیدا نکرده است از معاصی و مخالفتها : هرگز امکان پذیر نباشد که بسوی طاعت سیر نماید .

لَا يَمْلِكُونَ لَأَنْفُسِهِمْ : يراد إِنَّ اخْتِيَارَ الضَّرِّ وَالنَّفْعِ لَيْسَ بِأَيْدِيهِمْ ، و لَا يَسْتَطِيعُونَ جَلْبَ نَفْعٍ و لَا دَفْعَ ضَرَرٍ . و أَمَّا تَقَدَّمَ الضَّرُّ : فَانَّ دَفْعَ الضَّرِّ مُقَدَّمٌ عَلَى جَلْبِ النِّفْعِ .

آری برطرف کردن ضرر و موانع در مرتبه اوّل لازم است ، و پس از آن نوبت بجلب منافع می‌رسد .

موتاً و لا حیاةً و لا نشوراً : این سه مرحله مراتب وجود هر انسانی است ، که

پس از ادامه حیات ظاهری دنیوی ، موت بدنی او را رسیده ، و سپس حیات برزخی پیدا می‌کند ، و در مرتبه سوّم : از این حیات برزخی بعالم دیگر منتقل می‌شود . و حقیقت حیات انسان در همین مرحله سوّم جلوه میکند .

و قالوا أساطيرُ الأولين اکتَبَها فهي تُملَى عليه بُكرةً و أصيلاً . - ۵ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً . - ۶ و قالوا مالِهذا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيراً . - ۷ أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحوراً . - ۸ أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً . - ۹ .

أساطيرُ : جمع أسطر و سُطور و أسطار ، بمعنی صفی از چیزی است .

إکتتاب : از افتعال و برای اختیار کتابت است .

إملاء : از ملا يملو مَلَوْاً بمعنی سارَ وَعَدَا سریعاً ، و عملیرا بسرعت انجام

دادن .

أصیل : وقت پیش از مغرب است ، و یا حدود مغرب .

می‌فرماید : و گفتند که : این نوشته‌ها مجموعه تنظیم شده و ترتیب داده شده گذشتگانست که هر روز صبح و شام برای او خوانده میشود . - ۵ بگو که آنها نازل شده از طرف پروردگار متعال است ، و او میداند بواطن و أسرار آسمانها و زمین را ، و او آمرزنده و مهربانست . - ۶ و میگویند که چیست برای این رسول که مانند دیگران غذا میخورد ، و در بیرون راه میرود ، و چطور است که برای او فرشته‌ای از آسمان نازل نشده است ، و خوب بود که فرشته‌ای برای او نازل شده و برای اِنذار و دعوت

مردم با رسول خدا شرکت میکرد ، و او را در این برنامه یاری می نمود ! و یا اینکه داده می شد برای او کنزی (خزینه) ، و یا حدیقه ای برای او بود که از آن إعاشه میکرد !

و مخالفین گفتند : شماها از کسی پیروی میکنید که سحر شده است !
دقت کن که چگونه برای تو مثلی زده اند ، و هرگز در اثر گمراه شدن و منحرف گشتن از راه حق نمیتوانند راه راستی پیدا کنند .

نتیجه :

مجموعه تنظیم شده : تنظیم این مجموعه از جهت ألفاظ و معانی و حقایق در صورتیکه بدست افراد عادی خارجی صورت بگیرد : در هر زمان و مکانی امکان پذیر است ، و امتیاز مخصوصی نخواهد داشت .
و چون بدست غیبی و بقصد إعجاز و برتری درست شود : قهراً دستهای دیگر از آوردن مثل آن عاجز خواهند بود .

و مخالفین غفلت دارند که : این مجموعه با إلهام غیبی و با قدرت إلهی از جهت ألفاظ و معانی نازل شده است ، و از این لحاظ بصراحت خطاب میکند که : اگر جنّ و انس اتفاق کنند که مثل آنرا بیاورند ، نمیتوانند - قُلْ لئن اجتمعتِ الإنسُ و الجنُّ علی أن یأتوا بمثلِ هذا القرآنِ لا یأتونَ بمثله - إسرائ - ۸۸ .

لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ : این پیشنهاد درست نیست ، زیرا نزول ملک برای آنها که نمیتوانند به بینند آنرا چه فائده و نتیجه ای خواهد داشت ، و دیگر اینکه نزول ملک برسول اکرم (ص) بطور مسلم صورت میگرفت ، ولی برای آنها قابل درک نبوده است .

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الأنهارُ و يجعلُ لك قصوراً . - ۱۰ بل كذبوا بالساعةِ و اعتدنا لمن كذبَ
 بالساعةِ سعيراً . - ۱۱ إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظاً و زفيراً . - ۱۲
 و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرنين دعوا هنالك ثبوراً . - ۱۳ لا تدعوا اليومَ
 ثبوراً واحداً و ادعوا ثبوراً كثيراً . - ۱۴ قل أذلك خيرُ أم جنة الخلد التي وُعد
 المتقون كانت لهم جزاءً و مصيراً . - ۱۵ لهم فيها ما يشاءون خالدينَ كان على
 ربك وعداً مسؤولاً . - ۱۶ .

جَنَّة: حدیقه ذات أشجاریست که زمین را بیوشاند .

قَصْر: جمع آن قصور ، و بمعنی ساختمانیست که محکم و بلند باشد .

تَغِيْظُ: اظهار غضب شدید ، محنت و غم .

زَفِيرُ: تنفس با مدّ ، و توقّد آتش .

مُقَرَّنُ: جمع شده و محکم گشته است .

ثُبُورُ: وای گفتن ، هلاکت ، لعن .

سَاعَةٌ: وقت حاضر ، وقت قیامت .

سَعِيرُ: شعله ور شدن آتش است .

خُلْدُ: و خُلُود ، بمعنی دوام ، بقاء ، است .

می فرماید: مبارک و بابرکت است آنکسیکه اگر بخواهد قرار میدهد برای تو بهتر
 از اینها که ذکر شد ، باغهاییکه جاری میشود از زیر درختهای آنجا ، نهرهای آب ، و
 قرار میدهد برای تو قصرهایی . - ۱۰ بلکه تکذیب کردند ساعت قیامت را ، و ما
 آماده کرده ایم برای کسیکه تکذیب کرده است ساعت قیامت را آتش شعله ور را . -
 ۱۱ زمانیکه می بیند آنها را از محلّ دوری : می شنوند از آن صدای غیظ و تنفس
 بلند را . - ۱۲ و چون انداخته میشوند از آن آتش بمحلّ محدود و تنگی که در آنجا

جمع شده و محکم شده‌اند ، میخوانند در آنجا وای را . - ۱۳ نخوانید در آنجا کلمه -
 وای را ، بلکه بخوانید وای گفتن بسیار را . - ۱۴ بگوی که آیا این جریان بهتر است ،
 و یا بهشت دائمی که وعده داده شده است برای پرهیزکاران که باشد برای آنها
 بعنوان جزای اعمال و محلّ برگشت . - ۱۵ برای آنها است در آنجا آنچه میخواهند ،
 و دائمی هستند در آنجا ، و بر پروردگار تو است وعده سؤال شده . - ۱۶ .

نتیجه :

كذَّبَ بالسَّاعَةِ : و تکذیب ساعت برگشت آن بتکذیب جهان آخرت و قیامت
 است ، یعنی انکار عالم جزاء که نتیجه یک عمر زندگی دنیوی و رسیدن و درک
 جزای اعمال خیر و شرّ باشد .

سعیراً : یعنی آتش شعله‌ور ، و چون عمل انسان نتیجه‌ای نداشته ، و جزایی
 برای آن مترتب نگشت : در حقیقت چون موضوع از بین رفته و سوخته شده خواهد
 بود .

تَعِظًا و زَفِيراً : غیظ و غضب از مواجهه و مقابله با ناملائمات صورت میگیرد ، و
 زفیر و تنفس ممتد در اثر ناراحتی قلبی عارض میشود .

و يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ و ما يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَ أَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ
 أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ . - ۱۷ قالوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ
 مِنْ أَوْلِيَاءَ و لَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ و آبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ و كَانُوا قَوْمًا بُورًا . - ۱۸
 فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا و لَا نَصْرًا و مَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُدِقْهُ
 عَذَابًا كَبِيرًا . - ۱۹ و ما أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ و
 يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ و جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ و كَانَ رَبُّكَ
 بَصِيرًا . - ۲۰ .

حَشْر : جمع مردم ، روزیکه بعث و معاد می‌شود .
 بُور : به مفرد و جمع اطلاق میشود ، بمعنی هالک و فاسد است .
 صَرَف : برگشتن ، ردّ کردن ، و دفع .
 فِتْنَه : گمراهی ، اختلاف ، ابتلاء ، عذاب .
 أُسْوَاق : جمع سُوق که محلّ آمد و رفت تجّار است .
 إِضْلال : بمعنی اهلاک ، اِتلاف ، منحرف کردنست .

می‌فرماید : روزیکه جمع میکند آنها را و آنچه را که عبادت میکنند غیر خدا را ، پس میگوید : آیا شما گمراه کردید بندگان مرا ، و یا خودشان گمراه شدند از راه حقّ ؟ - ۱۷ منزّه هستی تو ! سزاوار نباشد برای ما اینکه بگیریم بجز تو از اولیائی ، ولیکن خوشی دادی آنها را و پدرانشانرا تا آنکه فراموش کردند یاد کردن خدا را و بودند گروه هلاک شده . - ۱۸ بتحقیق تکذیب کردند آنچه را که شما میگویید ، پس نمیتوانستند برگردانیدن آنها و نه یاری کردن را ، و کسیکه ستمکار باشد از شما ، می‌چشانیم او را عذابی که بزرگست . - ۱۹ و ما نفرستادیم پیش از تو رسولی مگر آنکه آنها بودند میخوردند طعام را ، و راه میرفتند در بازارها ، و قرار دادیم بعضی از آنها را برای بعضی دیگر وسیله گرفتاری و عذاب ، پس آیا صبر میکنید ، و هست پروردگار تو بینا و محیط . - ۲۰ .

نتیجه :

مُنْعَتَهُم و آباءهم : زندگی مادّی دنیوی در مقابل زندگی روحی اخروی است ، و چون کسی بزندگی مادّی وابسته شده و غرق در استفاده‌ها و منافع دنیوی شد : قهراً از توجّهات روحانی و منافع معنوی محروم خواهد گردید .
 آری قلب انسان یا توجّه و تمایل بامور مادّی پیدا میکند ، و یا متمایل و

علاقمند بامور روحانی میشود، و بهر صورت: هر طرفی که تقویت گردد: قهراً طرف دیگر تضعیف خواهد شد.

عذابی بزرگ: عذابی بزرگتر از محرومیت از جهت روحانیت و جهت معنویت نیست که انسان از جهت روحی و معنوی دست خالی باشد.

و قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةَ أَوْ نَرِي رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا . - ۲۱ يَوْمَ يَرُونَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَ يَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا . - ۲۲ وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا . - ۲۳ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا . - ۲۴ وَ يَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَ نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا . - ۲۵ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَ كَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا . - ۲۶ .

لَوْ لَا: دلالت میکند بامتناع جمله دوم بوجود جمله اول، یعنی نبودن و واقع نشدن استکبار بسبب نزول ملائکه.

عُتْوٌ: تجاوز از حد، عصیان، استکبار.

حِجْر: منع، فصل، کف است.

هَبَاءٌ: غبار که از خاک برمیخیزد.

مَنْثُورٌ: طرح شده و انداخته بصورت متفرق.

غَمَامٌ: سحاب، ابر، و جمع آن غمام است، و اصل تشقق است.

مَقِيلٌ: با حرف یاء و مثل قول استعمال میشود.

عَسِيرٌ: مقابل یسیر، بمعنی سخت است.

می‌فرماید: و گفتند آنانکه امید نداشته و انتظار ندارند ملاقات ما را، اگر نبود

که نازل میشد بر ما ملائکه ، و یا می دیدیم پروردگار را : هر آینه بتحقیق بزرگ طلبی کردند و تجاوز کردند از حق تجاوز بزرگ . - ۲۱ روزی آید که می بینند ملائکه را ، و بشارتی نباشد در آنروز برای مجرمین که منقطع شده اند از خداوند متعال ، و میگویند دوری باد و فاصله شود در میان ما و این پیش آمد سخت . - ۲۲ و مواجه میشویم بسوی آنچه عمل کرده اند از عملی ، پس قرار می دهیم آنرا غباری پراکنده شده . - ۲۳ و اصحاب بهشت در آنروز بهترند از لحاظ قرارگاه و نیکوتر از جهت مکالمه و خطاب . - ۲۴ و روزیکه پاره میکند آسمان ابر را ، و نازل کرده میشوند ملائکه نازل کردنی . - ۲۵ مالکیت در آنروز حق و ثابت بوده و مخصوص پروردگار است ، و باشد روزیکه برای کافرین سخت است . - ۲۶ .

نتیجه :

می بینند ملائکه را : ملائکه وجودشان از محیط ماورای ماده باشد ، و انسان تا در محیط ماده و در عالم دنیا زندگی میکند ، مخصوصاً که با بدن مادی باشد ، نمیتوانند ارتباطی محسوس با ملائکه پیدا کنند .
پاره میکند ابر را : مراد از آسمان مقامات بلند روحانیست ، و از ابر : حجابهای نفسانی و مادی است .
و برطرف شدن این حجابها سبب میشود که چشم انسان تیزبین شود - فبصرک الیومَ حدیدٌ - آنچه نادیدنی است آن بینی .

و یَوْمَ یَعْصُ الظَّالِمُ عَلٰی یَدَیْهِ یَقُولُ یٰلَیْتَنِیْ اَتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِیْلًا . - ۲۷
یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً . - ۲۸ لقد أضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی و
کان الشیطان للإنسان خذولاً . - ۲۹ و قال الرسولُ یا ربِّ ان قومی اتخذوا هذا
القرآن مهجوراً . - ۳۰ و کذلک جعلنا لکل نبیّ عدواً من المجرمین و کفی

بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا . - ۳۱ و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً
وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا . - ۳۲ و لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا
جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا . - ۳۳ .

لَوْ لَا : برای تحضیض و عرض است ، در اینجا و بمضارع داخل میشود .

عَضَّ : گرفتن چیزی و نگهداشتن با دندان .

وَيَلْتَمِئُ : حلول الشرّ ، بلاء ، هلاک است .

خَذُولٌ : ترک یاری و اعانت است .

مَهْجُورٌ : ترک و اعراض شده ، ضدّ وصل است .

مُجْرِمِينَ : قطع کنندگان ، گناه کنندگان .

فُؤَادٌ : قلب ، و عقل است .

تَرْتِيلٌ : تنظیم و تحسین از هر جهت باشد .

مَثَلٌ : شبهه و نظیر ، قول ، جمع أمثال است .

می‌فرماید : و روزیکه بدن‌دان می‌گیرد شخص ستمکار انگشتهای خود را و گوید
که ای وای بر من کاش که می‌گرفتم همراه رسول خدا راهیرا . - ۲۷ (بتحقیق گمراه
کرد مرا از توجه و ذکر خدا ،) ای کاش که نمی‌گرفتم فلان شخصرا دوست و رفیق
خود . - ۲۸ و هست شیطان برای انسان ترک کننده . - ۲۹ و می‌گوید رسول خدا
که‌ای خدای من بتحقیق این قوم گرفتند این کتاب تو قرآنرا ترک و اعراض
شده . - ۳۰ و اینچنین قرار میدهم برای هر رسولی دشمنی از اعراض کنندگان ، و
کفایت است خداوند تربیت کننده تو را برای هدایت و یاری کننده بودن . - ۳۱ و
گویند افرادی که کافرند : برای چه نازل نشد قرآن مجید بیک مرتبه ، اینچنین
می‌خواهیم تا تثبیت کنیم بسبب آن قلب تو را ، و تنظیم و ترتیب داده‌ایم آنرا نظم

کردنی . - ۳۲ و نمی‌آورند برای تو مثلی را مگر آنکه در مقابل ما ذکر می‌کنیم حق را و بهتر حقیقت را روشن می‌کنیم . - ۳۳ .

نتیجه :

یعضّ الظالم : در آنجا حقایق روشن میشود ، و راهیکه گرفته‌اند متوجه گردند که نتیجه مطلوب نمیدهد ، و بصدق و واقعیت برنامه رسول اکرم و نتایج و آثار دستوره‌های آنحضرت آگاه گردند .

هذا القرآن مهجوراً : منظور ترک عمل بدستوره‌های آنست ، چنانکه در این زمان چنین شده است ، و در هر خانه‌ای چند مجلد از قرآن موجود است ، ولی بچند آیه از آیات آن روی صدق و حق عمل نمیکنند .

لکلّ نبیّ عدوّاً : آری عدوّ سبب تثبیت موضوع می‌شود ، زیرا در مقابل مخالفت و اشکالات او ، موافقین بهتر می‌توانند تحکیم مبانی خود کرده ، و سخنهای پوچ مخالفین را مردود بسازند .

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا . - ۳۴ و لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيْرًا . - ۳۵ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا . - ۳۶ و قَوْمَ نوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَا هُمْ وَ جَعَلْنَا هُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَ اعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا . - ۳۷ وَ عَادًا وَ ثَمُودَ وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قَرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا . - ۳۸ وَ كُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَ كُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا . - ۳۹ وَ لَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوْءًا أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا . - ۴۰ .

- حَشْر : جمع مردم در محل معین کردن که بقیامت اطلاق می‌شود .
 وزیر : حمل ثقیل ، معاونت بر دیگری و تقویت او ، و مقام بلند .
 تدمیر : هلاک کردن ، و هجوم دفعی .
 اِعتاد : مهیّا و آماده کردن .
 اَصْحَابِ الرَّسِّ : انداختن بچاه حفر شده که نبیّ خود را بچاه انداختند .
 تتبیر : هلاک کردن ، کسر ، تأخیر کردن است .
 نُشُور : باز کردن لباس ، و تفریق ، و اِحياء است .
 عاد : قبیله بود از عرب بائده که نزدیک حجر و ثمود بوده و هلاک شدند .
 ثَمُود : قبیله بود از عرب که ساکن حجر بودند در نزدیکی تیماء سعودیه .

می‌فرماید : آنانکه محشور و جمع میشوند در روز قیامت بروی صورتهای ، و بسوی جهنّم ، و آنان شریرترین مردمند از جهت محلّ و مکان ، و گمراهترین آنانند از لحاظ پیدا کردن راه حقّ . - ۳۴ و بتحقیق آوردیم موسی را کتاب آسمانی ، و قرار دادیم برادرش هارونرا با او وزیر او . - ۳۵ پس گفتیم که بروید بجانب گروهیکه تکذیب کرده‌اند آیات مرا ، پس هلاک کردیم آنها را هلاک کردنی . - ۳۶ و قوم نوح را زمانیکه تکذیب کردند رسولانرا ، غرق کردیم همه آنها را و قرار دادیم آنها را برای دیگران آیت اِلهی ، و آماده کردیم برای ستمکاران عذاب دردناکی را . - ۳۷ و قوم عاد و ثمود و اَصْحَابِ رَسِّ و قرنهای را که درمیان آنها بود . - ۳۸ و برای هر یک از اینها مَثَلهایی آوردیم ، و همه آنها را هلاک ساختیم . - ۳۹ و بتحقیق آمدند بآن آبادیکه باران دیده است باران ضرر رساننده ، آیا نبودند که به بینند آنرا ، بلکه بودند و امیدی نداشتند به زنده شدن و پا شدن . - ۴۰ .

نتیجه :

يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ : اینمعنی غایت ذلت و حقارت آنها است که حرکات آنان روی قدمها ، و بلکه روی دستها نبوده ، و روی صورتها باشد ، که صورت بزمین گذاشته و حرکت کند .
و عَاداً و ثَمُودَ و أَصْحَابَ الرَّسِّ : مساکن اینها در جنوب حجاز بوده ، و فعلاً آثاری از زندگی آنها باقی نمانده است .
و در کتب تواریخ فقط نامها از آنها ذکر شده است .

وَ إِذَا رَأَوْكَ إِذْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا . - ۴۱ إِنَّ كَادَ لِيُضِلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْ لَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَ سَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلَّ سَبِيلًا . - ۴۲ أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا . - ۴۳ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا . - ۴۴ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا . - ۴۵ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا . - ۴۶ وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ النَّوْمَ سُباتًا وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا . - ۴۷ .

هُزُوٌ : سخره کردن ، و شکستن .

إِنَّ كَادَ : کلمه - إن ، مخففه از مثقله است = انه کاد لِيُضِلُّوكَ .

وکیل : کسی که کاری باو تفویض شود ، و قیام به توکیل و اعتماد کند .

قَبْضٌ : اخذ کردن با دست ، نگهداشتن ، تناول .

لباس : پوشاک ، پوشانیدن .

سُباتٌ : استراحت ، خواب .

نُشُورٌ : اذاعه ، نشر ، بسط ، تفریق .

می‌فرماید: و زمانیکه به بینند تو را نمیگیرند تو را مگر بسخره کردن، و گویند آیا اینستکه مبعوث کرده است او را خداوند برسالت. - ۴۱ و او نزدیک بود که ما را گمراه کند از خدایان ما، اگر نبود استقامت و صبر ما، و خواهند فهمید زمانیکه عذاب را درک کنند، که کدام قومی از جهت گمراهی شدیدتر است. - ۴۲ آیا دیدی کسیرا که گرفته است هوی نفسانی خود را خدای خود؟ آیا تو میباشی وکیل او. - ۴۳ و یا تصوّر میکنی که اکثر آنها میفهمند و یا تعقل می‌کنند! نیستند آنها مگر مانند چهارپایان، بلکه آنها گمراهنند. - ۴۴ آیا ندیدی که پروردگار تو چگونه بسط کرده است سایه را، و اگر میخواست آنرا ساکن و بی حرکت قرار میداد، سپس قرار داده است آفتاب را نشان دهنده بآن. - ۴۵ پس از آن اخذ می‌کنیم آنرا اخذ کردن آسان. - ۴۶ و او خدائست که قرار داده است شب را برای شما پوشاک، و خواب را استراحت، و قرار داده است روز را برای آزادی و آمد و رفت. - ۴۷.

نتیجه:

اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ: إله بمعنی معبود و ستایش شده است، و چون کسی در امور خود از هوی و تمایلات نفسانی خود پیروی کند: معبود و إله او هوی نفسش خواهد بود.

تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا: کسیکه پیرو هوی و تمایلات نفسانی است، چگونه میتواند وکالت او را پذیرفته، و امور او را اداره نمود.

آری این افراد فرقی با اُنعام ندارند، زیرا معبود و مقصود هر دو گروه: امور مادی و لذائذ نفسانی است، یعنی تمایلات و خواسته‌های نفسانی.

كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ: چگونه بسط داده است سایه را، و همینطوریکه نور آفتاب جهان مادی را فرا گرفته و در اثر تابش آن سایه‌هایی از موجودات و اجسام و اشجار و حیوانات ظاهر گشته است، انبساط نور حق و گسترش آن در عوالم وجود

بهمه جا سایه افکنده است .

و هو الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا . - ۴۸ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْسَى كَثِيرًا . - ۴۹ وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا . - ۵۰ وَ لَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا . - ۵۱ فَلَا تَطْعَمُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا . - ۵۲ وَ هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حِجْرًا مَحْجُورًا . - ۵۳ .

بُشْر : محسنات ، و نَصْرَه ، و فرح .

بلده مَيِّت : مانند مَيِّت در مقابل حی است .

أَنْسَى : بشر است جمع انسان . و نون بیاء قلب شده است .

كُفُور : تغطیه ، ستر ، ضدّ ایمان است .

مَرَج : آزاد گذاشتن و اختلاط ، و محکم نکردن .

فُرَات : صفت است بمعنی آبیکه خوب شیرین و مطبوع باشد .

أُجَاج : چون شجاع بمعنی تند و تلخ است .

برزخ : چیزیکه حاجب و فاصل باشد میان دو چیز - آب و یا غیر آن .

حِجْر : بحركات حرف اوّل - منع ، تحریم ، تضییق است .

می فرماید : او خدایبست که فرستاده است بادها را از جهت شادی و بشارت در میان دو دست رحمتش ، و نازل کردیم از آسمان آب پاک کننده را . - ۴۸ تا احیاء کنیم با آن سرزمین مرده را ، و سیراب کنیم با آن آنچه را که آفریده ایم از چهارپایان و انسانهای بسیار . - ۴۹ و بتحقیق گردانیدیم ما بارانرا در میان آنها ،

پس خودداری کردند از ایمان مگر اینکه کفران کنند و ناسپاسی . - ۵۰ و اگر میخواستیم هر آینه برمی‌انگیختیم در هر آبادی پیامبری که ترساننده باشد آنها را از عذاب خداوند . - ۵۱ پس اطاعت نکن از کفار و مجاهده کن با آنها مجاهده بزرگ پاینده بوسیله این قرآن . - ۵۲ و او خدائستکه بهم‌دیگر نزدیک کرد دو دریا را ، که این شیرین و خوش طعم است ، و دیگری شور و تلخ ، و قرار داده است در میان آنها مانع بزرگ معلوم شده . - ۵۳ .

نتیجه :

دو دریا : مجرای این دو رودخانه زیاد از همدیگر فاصله پیدا نمیکنند ، ولی مبدء و سرچشمه هر کدام متفاوتست .
و علت اختلاف این دو آب از لحاظ اختلاف زمین سرچشمه از کوه و بیابانست که در آب جاری تأثیر می‌کند .
و از مصادیق وجود اختلاف : مختلف بدن صفات دو فرد یا دو قبیله است که در میان آنها پیدا می‌شود .
و قهراً این اختلاف در اثر سران اولیه آن طایفه است که در نسلهای آینده ظاهر شده است .

و هو الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا . - ۵۴ و يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَا يَضُرُّهُمْ وَ كَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا . - ۵۵ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا . - ۵۶ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا . - ۵۷ وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَىٰ بِهِ بَدُنُوبٍ عِبَادَةً خَيْرًا . - ۵۸ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسْأَلْ بِهِ

خبیراً . - ۵۹ و إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا و مَا الرَّحْمَنُ أَنْسَجِدُ لِمَا
تَأْمُرْنَا وَ زَادَهُمْ نُفُوراً . - ۶۰ .

نَسَب : توصیف ، و تقریب است .

صِهْر : قرابت ، و صَهْر : نزدیک کردن است .

ظَهیر : مُعین که در پشت انسان باشد .

عَرش : سقف ، تخت ، خیمه ، قصر .

نُفُور : جَزَع و دور شدن ، کراهت ، تفرّق .

می فرماید : او خداوندیست که آفریده است از آب انسانرا ، پس قرار داده او را در مورد توصیف و قرابت ، و هست پروردگار تو توانا . - ۵۴ و پرستش میکنند از غیر خداوند چیزیرا که نفع و ضرری نمیدهد و هست شخص کافر در مقابل پروردگار متعال کمک کننده . - ۵۵ و نفرستادیم ما تو را مگر بشارت دهنده و ترسانند . - ۵۶ بگوی که نمیخواهم از شما در مقابل خدمات خود مگر آنچه را که کسی بخواهد بسوی خداوند راهی بگیرد . - ۵۷ و توکل کن بخداوندیکه زنده جاوید است ، و هرگز نمی میرد و تسبیح و تنزیه کن او را که توأم با حمد باشد ، و کفایت می کند بوسیله او در مقابل ذنوب بندگانش که مطلع و آگاه است . - ۵۸ خداوندیکه آفریده است آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنها است در شش روز ، و سپس قرار گرفته و احاطه کرده است بآن بعنوان بودن در بالای عرش ، و بنام رحمن مطلق ، پس سؤال کن از او در حالتیکه آگاه است ، و صاحب رحمت فراگیر و محیط است . - ۵۹ و زمانیکه گفته شود نام رحمن و سجده کنید برای او ! گویند که کیست رحمن ، و آیا سجده کنیم بآنچه شما میگویید ؟ و زیاد میکند آنها را دور شدن و کراهت . - ۶۰ .

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا
 مُنِيرًا . - ۶۱ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ
 شُكُورًا . - ۶۲ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ
 الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا . - ۶۳ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا . - ۶۴ وَالَّذِينَ
 يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا . - ۶۵ إِنَّهَا سَاءَتْ
 مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا . - ۶۶ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ
 ذَلِكَ قَوَامًا . - ۶۷ .

ترجمه

مبارک است کسی که قرار داده است در آسمان برجهایی را و قرار داده در آن
 آسمان چراغی و ماهی که روشنائی دهنده است . - ۶۱ و او کسی است که قرار داده
 شب و روز را پشت سر هم برای کسی که اراده کرده است اینکه متذکر بوده یا اراده
 کرده سپاسگزار باشد . - ۶۲ و بندگان خدا آن کسانی هستند که راه می‌روند در روی
 زمین به خواری و زمانیکه با افراد جاهل مقابل شدند گویند سلام . - ۶۳ و کسانی که
 بیتوته می‌کنند برای خدایشان در حال سجده کردن و ایستادن . - ۶۴ و کسانی که
 می‌گویند خدایا برگردان از ما عذاب جهنم را همانا عذاب جهنم هست ضرر
 بزرگ . - ۶۵ بدرستی که آن جهنم بد جایگاه و اقامتگاهی است . - ۶۶ و کسانی که
 زمانیکه انفاق کردند اسراف و کوتاهی نمیکنند و هستند بین این دو پایدار . - ۶۷ .

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ
 وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا . - ۶۸ يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
 يَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا . - ۶۹ إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ
 سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا . - ۷۰ وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ

يَتَوَبُّ اِلَى اللّٰهِ مَتَابًا . - ۷۱ وَ الَّذِيْنَ لَا يَشْهَدُوْنَ الزُّوْرَ وَ اِذَا مَرُّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا
كِرَامًا . - ۷۲ .

ترجمه

و کسانی که نمی‌خوانند با خداوند پروردگار دیگری را و نمی‌کشند نفسی را که حرام کرده است خداوند مگر به حق و زنا نمی‌کنند و کسی که مرتکب این اعمال شد برخورد میکند به معصیت بزرگ . - ۶۸ و می‌ماند در آنجا خوار . - ۶۹ مگر کسی که توبه کرد و ایمان آورد و عمل کرد عملی درست پس آنان تبدیل میکند خداوند بدی‌هایشان را به نیکوئی‌ها و در عین حال خداوند بخشنده و مهربان است . - ۷۰ و کسی که توبه کرد و پشت سرش عمل درستی انجام داد پس بدرستی که او بر می‌گردد به سوی خداوند برگشتنی . - ۷۱ و کسانی که حاضر نمی‌شوند به تجاوز و چون برخورد کردند به لغو مرور می‌کنند در حالت گرامی بودن . - ۷۲ .

وَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِّرُوْا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوْا عَلَيَّا صُمًّا وَ عُْمِيَانًا . - ۷۳ وَ الَّذِيْنَ
يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ اَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ اَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِمُتَّقِيْنَ
اِمَامًا . - ۷۴ اُولٰٓئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوْا وَ يُلَقَّوْنَ فِيْهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا . -
۷۵ خَالِدِيْنَ فِيْهَا حَسُنَتْ مُسْتَقْرَرًا وَ مُقَامًا . - ۷۶ قُلْ مَا يَعْْبُوْا بِكُمْ رَبِّيْ لَوْلَا
دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُوْنُ لَكُمْ لَزَامًا . - ۷۷ .

ترجمه

و کسانی که زمانی که یادآور کرده شدند به نشانه‌های پروردگارشان خضوع نمی‌کنند بر آنها در حالیکه کر و کور باشند . - ۷۳ و کسانی که می‌گویند پروردگار ما ببخش برای ما از خانواده‌های ما و فرزندان ما نور چشمی را و قرار بده ما را برای

پرهیزکاران پیشوا . - ۷۴ آنان جزا داده می‌شوند به غرغه‌ها به خاطر آنچه که صبر کردند و داده می‌شوند در آنجا زندگی و سلامتی . - ۷۵ همیشگی هستند در آنجا چه خوبست جایگاه و اقامتگاه آنها . - ۷۶ بگو مانع نمی‌شود به شما پروردگار من اگر نبود خواندن شما پس به تحقیق دروغ کردید پس خواهد بود این معنی لازمه زندگی شما . - ۷۷ .

سوره الشعراء

سوره - ۲۶ عدد آیات ۲۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَمَ . - ۱ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ . - ۲ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا
 مُؤْمِنِينَ . - ۳ إِنَّ نَشْأَ نُزُلٍ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا
 خَاضِعِينَ . - ۴ و مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ
 مُعْرِضِينَ . - ۵ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ . - ۶ أَوَلَمْ يَرَوْا
 إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ . - ۷ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً و مَا كَانَ
 أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ . - ۸ و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۹ و إِذْ نَادَى رَبُّكَ
 مُوسَى أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . - ۱۰ .

مُيَّبِن : ظاهر و آشکار کننده است .

بَاخِع : کوشش کننده و نفس خود را بزحمت آورنده باشد .

ظَلَّت : دوام ، اقامت ، عزت ، طول است .

أَنْبَاء : جمع نَبَأٌ که بمعنی ارتفاع و تباعد ، و خبر است .

لَعَلَّ : از حروف مشبیه بفعال ، و برای ترجی و توقع است .

طَسَم : از حروف رمزی است ، مانند اشاره به طوبی و سدره و محمد .

می فرماید : آن قرآن مجید ، آیات کتاب آشکار کننده حقایق است . - ۲ شاید تو
 ناراحت کننده خود هستی که آنها ایمان نمی آورند . - ۳ اگر بخواهیم نازل میکنیم از
 آسمان آیت و نشانه ابرای پس برمیگردد گردنهای آنها خضوع کننده باشند . - ۴ و
 نمی آید از آیتی از آیتهای پروردگار آنها که جدید باشد ، مگر آنکه باشند از آن

اعراض کنندگان . - ۵ پس بتحقیق تکذیب کردند ، و خواهد آمد خبرهای آنچه بودند استهزاء میکردند آنرا . - ۶ آیا ندیدند زمین را که چقدر بعمل آوردیم در آن از آنچه رویدنی است ، و از آنچه ازواج و جفت و جور هستند . - ۷ و در این جریانها آیتی است ، و نیستند اکثر آنها ایمان آورندگان . - ۸ و بتحقیق پروردگار تو هر آینه او است عزیز و رحم کننده . - ۹ و زمانیکه نداء فرمود پروردگار تو موسی را که بیا بسوی ستمکاران . - ۱۰ .

نتیجه :

أعناقهم : عُنق بمعنی گردن بوده ، و گردن وسیله سربلندی و نشان دادن خودنمایی و بی اعتنایی است ، و از این لحاظ خضوع در أعناق علامت و دلیل تواضع و فروتنی باشد .
و چون این قبیل از اشخاص ، سربلندی و خضوع آنها از جهات مادی و ظاهری است : بتعبیر خضوع أعناق وارد شده است .
و روی این نظر است که فرمود : نازل میکنیم از آسمان آیتی را تا آنرا مشاهده کرده ، و سر فرود آورند .
و ما یأتیهم من ذکر : موضوع ذکر و از جانب رحمن بودن ، دلالت می کند به روحانی و الهی بودن آن ، که بخاطر متناسب نبودن آن با روحیه آن اشخاص ، در نتیجه اعراض شده است .
الظالمین : بالاترین ظلم انحرافات روحانی است که هم خودشرا منحرف و از مقام حقیقت محروم میکند ، و هم دیگرانرا .

قوم فرعونَ ألا یتقونَ . - ۱۱ قال ربِّ اِنِّی اُخافُ اَنْ یُکذِّبُونِ . - ۱۲ و یضیق صدری و لا ینطق لسانی فأرسل الی هرونَ . - ۱۳ و لَهِمْ عَلَی ذَنْبٍ فَاُخافُ اَنْ

يَقْتُلُونَ . - ۱۴ قَالَ كَلَّا فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ . - ۱۵ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ
 فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۱۶ أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ . - ۱۷ قَالَ أَلَمْ
 نُرَبِّكَ فِيْنَا وَلِيدًا وَ لَبِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ . - ۱۸ وَ فَعَلْتَ فَعَلْتَكَ الَّتِي
 فَعَلْتَ وَ أَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ . - ۱۹ قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّينَ . - ۲۰
 ففَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ . - ۲۱ .

فرعون : لقب سلاطین مصر بود و تفرعن بمعنی تکبر است .
 انطلاق : آزاد شدن ، و گشودن از قیود .

می فرماید : بطرف قوم فرعون بروید ! آیا آنها تقوی پیدا نمیکنند . - ۱۱ حضرت
 موسی گفت : پروردگارا من میترسم از آنکه مرا تکذیب کنند . - ۱۲ و من سینه و
 قلبم تنگ شده و زبانم آزاد در سخن گفتن نیست ، پس بفرست بسوی برادرم هرون
 که با من همراه باشد . - ۱۳ و مرا سابقه گناهی هست که میترسم مرا بکشند . - ۱۴
 خداوند فرمود : نه چنین است ، بروید بسوی فرعون همراه آیات من ، و من با شما
 هستم ، و سخنان و گفتگوی شماها را می شنوم . - ۱۵ پس بیایید بسوی فرعون و
 بگویید که ما از جانب خداوند فرستاده شده ایم . - ۱۶ و میخواهیم که طائفه بنی
 اسرائیل را همراه ما بفرستی . - ۱۷ فرعون گفت : آیا تو بچه ای نبودی که در میان
 خانواده ما مدتی زندگی داشتی ، و ما تو را تربیت کردیم . - ۱۸ و سپس کارهای
 خلافی انجام دادی ، و تو از افرادی هستی که نعمتها را کفران میکنی . - ۱۹ موسی
 گفت : آنچه از من بعمل آمد روی غفلت و اشتباه بود نه با توجه و قصد
 مخصوص . - ۲۰ و پس از آن از اینجا فراری شدم ، پس خداوند مرا حکم داده ، و
 مرا از رسولان خود قرار داد . - ۲۱ .

نتیجه :

سابقه گناه و خلاف : بعقیده فرعونیان بود که هنگام اختلاف شدید یک قبطنی با یک اسرائیلی ، از مرد اسرائیلی طرفداری کرده و قبطنی را با یک ضربه بهلاکت رسانید . و چون آن قبطنی از خدمتکاران فرعون بود ، از او حمایت کرده ، و حضرت موسی را محکوم کردند .

آن ارسِل معنا بنی اسرائیل : با بنی اسرائیل در مصر چون زندانیها و برده‌ها عمل شده ، و هیچگونه آزادی نداشتند ، و وطن اصلی آنها ناحیه شامات بود که سرزمین اجداد آنها بوده است .

و قِبْطِيَّة : عبارت بودند از جمعی که ساکن مصر بودند ، و این لغت از لغت یونانی گرفته شده است .

و چون پیشنهاد حضرت موسی عملی گشت ، بنی اسرائیل در همراهی آنحضرت بسوی شامات و فلسطین حرکت کرده و آزاد شدند .

و تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ . - ۲۲ قال فرعونُ و ما رَبُّ الْعَالَمِينَ . - ۲۳ قال رَبُّ السَّمَوَاتِ و الْأَرْضِ و ما بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ . - ۲۴ قال لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ . - ۲۵ قال رَبُّكُمْ و رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ . - ۲۶ قال إِنْ رَسُولِكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ . - ۲۷ قال رَبُّ الْمَشْرِقِ و الْمَغْرِبِ و ما بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ . - ۲۸ قال لَئِن اتَّخَذتَ إِلَهًا غَيْرِي لأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ . - ۲۹ قال أَوْلُو جِئْتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ . - ۳۰ قال فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ . - ۳۱ .

نِعْمَةٌ : طیب عیش و وسعت و لینت است .

تَمَنُّ : انعام و احسان کردنست .
 عِبَدَتَ : عبد و مطیع قرار دادن است .
 مُوقِنِينَ : یقین کنندگان که شکّی باقی نماند .
 مَسْجُون : زندان شده است .

می‌فرماید : این معنی نعمتی بود که تو بنی اسرائیل را مطیع و چون بندگان خود قرار دادی . - ۲۲ فرعون گفت : پس پروردگار جهانیان چیست . - ۲۳ گفت : پروردگار جهان از آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنها است ، اگر باشید اطمینان و یقین کنندگان . - ۲۴ فرعون روی باطرفیان کرده و گفت : آیا نمی‌شنوید که چه می‌گوید ؟ - ۲۵ موسی علیه السلام گفت : آری پروردگار شما و پروردگار پدران و اجداد شما است که گذشته‌اند . - ۲۶ فرعون گفت : بتحقیق رسولیکه برای شما فرستاده شده است ، هر آینه مجنون است . - ۲۷ حضرت موسی گفت : او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان آنها است اگر متوجه باشید . - ۲۸ فرعون گفت : اگر بجز من پروردگاری را بگیری ، هر آینه قرار میدهم تو را از زندانیان . - ۲۹ موسی گفت : آیا اگر چه نشان بدهم آیت آشکار و روشنی را ؟ - ۳۰ فرعون گفت : بیاور آنرا اگر از راستگویانی . - ۳۱ .

نتیجه :

نِعْمَةٌ تَمَنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عِبَدْتَهُ : کلمه - آن برای تفسیر است ، یعنی نعمتی که وسیله انعام و احسان برای ما بود ، عبارت بود از پیدایش توجه به لزوم عبادت و بندگی حقیقی در مقابل پروردگار متعال .
 و اینمعنی بوسیله تو در میان بنی اسرائیل رواج و جریان پیدا کرد .

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ . - ۳۲ و نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّازِرِينَ . - ۳۳ قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ . - ۳۴ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ . - ۳۵ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ . - ۳۶ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٌ . - ۳۷ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ . - ۳۸ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ . - ۳۹ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ . - ۴۰ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَءَنْ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ . - ۴۱ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ . - ۴۲ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ . - ۴۳ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ . - ۴۴ .

إلقاء : طرح کردن و انداختن و ابلاغ است .

ثُعْبَان : مار بزرگ ، و جمع آن ثعابين است .

نَزَعَ : قلع کردن از مکانش ، و افساد است .

مَلَأَ : أشرف قوم ، جماعت قوم است .

إرجاء : تأخیر انداختن است ، و هاء ضمیر مفعول است .

حَشَرَ : جمع کردن افراد از انسان و غیر آن .

مِيقَاتٍ : جمع آن مواقیت است ، بمعنی وقت ، موعِد است .

عِصِيٍّ : بكسر و ضمّ أوّل ، و تشدید آخر ، جمع عصا است .

حِبَالٍ : جمع حَبَل بمعنی رَسَن (طناب) است .

می فرماید : پس حضرت موسی عصای خود را بمیان جمعیت انداخت ، و در اینهنگام آن مار بزرگی گشت که ظاهر و روشن بود . - ۳۲ و دستشرا بیرون آورده و در مقابل جمعیت گرفت ، و آن برای نظر کنندگان چیز روشن و نورانی بود . - ۳۳

فرعون بقوم خود رو آورده و گفت که : این شخص سحر کننده عظیمی هست . - ۳۴ و میخواهد شما ، را با این سحرها از سرزمین خود بیرون کند ، پس چه نظر دارید ؟ - ۳۵ گفتند : او را و برادرش را پیش خود نگهداری کن ، و مأمور کن تا از بلاد مختلف ساحرین را جمع آوری کنند . - ۳۶ و همه را در حضور تو حاضر کنند . - ۳۷ پس ساحرین جمع شدند در وقت معین شده از روز معلوم . - ۳۸ و گفته شد برای مردم که آیا شما اجتماع میکنید در وقت معین . - ۳۹ شاید ما پیروی کنیم از ساحرین ، اگر آنها غالب باشند . - ۴۰ و چون همه در آن جا جمع شدند بفرعون گفتند : آیا برای ما اجر و مزدی هست اگر موفق شده و غالب گردیم ؟ - ۴۱ فرعون گفت : آری در اینصورت شما از مقرّبین درگاه ما خواهید بود . - ۴۲ حضرت موسی خطاب بساحرین کرد که : بیندازید آنچه را که میخواهید بیندازید . - ۴۳ پس انداختند طنابهای ساخته شده و عصاهای خودشانرا ، و اظهار کردند که : سوگند بعزّت فرعون که ما غالب هستیم . - ۴۴ .

نتیجه :

فاذا هی ثعبان : در موارد إعجاز إلهی بواسطه و یا بی واسطه ایجاد عمل میکند ، ولی در غیر اعجاز احتیاج بوسائل طبیعی دارد که بظاهر از نظر پوشیده باشد ، چنانکه در سحر است .
و از این لحاظ اینقسمت بوسیله علم مخصوص که بنام سیمیا نامیده می شود ، در خارج اجراء می شود .
و در علم سیمیا از عوامل بسیار مؤثر : مادّه جیوه است که موجب تحرّک است .

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ . - ۴۵ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ . - ۴۶ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۴۷ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ . - ۴۸ قَالَ

آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُم الَّذِي عَلَّمَكُم السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
لَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلاَفٍ وَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ . - ۴۹ قالوا لا ضَيْرَ
إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ . - ۵۰ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ
الْمُؤْمِنِينَ . - ۵۱ و أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي أَنْكُمْ مَتَّبِعُونَ . - ۵۲
فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ . - ۵۳ إِنْ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ . - ۵۴ و
إِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ . - ۵۵ .

لَقَفَ : أخذ کردن بسرعت است .

يَأْفِكُونَ : دروغ گفتن ، قلب حقیقت .

إِيذَانٌ : اجازه دادن ، اعلام ، اباحه .

خِلاَفٌ : مخالفت .

تَصْلِيْبٌ : بدار زدن ، و از محلی آویختن است .

أَنْ كُنَّا : حرف مصدر است برای تفسیر بمعنی آی ، اینکه بودیم .

إِسْرَاءٌ : بسیر شبانه کردن ، و زایل کردن است .

شِرْذِمَةٌ : جماعت کم است .

پس انداخت موسی عصای خود را ، و در اینهنگام بسرعت میگرفت آنچه را که
برخلاف حقیقت ساخته شده بود . - ۴۵ پس برخورد کردند ساحرین بحالت سجده
کردن . - ۴۶ و گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان . - ۴۷ که خدای موسی و
هارونست . - ۴۸ فرعون گفت : ایمان آوردید به آنها پیش از اعلام و آگهی من ، و او
بزرگ و استاد شما است که تعلیم کرده است بشما سحر را ، پس خواهید فهمید
نتیجه عمل خودتان را ، و هر آینه قطع میکنم دستها و پاهای شما را از مخالفت ، و
هر آینه شما را بهمگی بدار میزنم . - ۴۹ گفتند که ما در اینصورت ضرری

نکرده‌ایم ، و بسوی پروردگار ما برگشت خواهیم کرد . - ۵۰ ما طمع و انتظار داریم که ما را ببخشد ، و از خطاهای ما بگذرد ، که ما اولین افرادی هستیم که ایمان آوردیم . - ۵۱ و وحی کردیم بموسی که بندگان مرا سیر بده که آنها در مورد تعقیب خواهند بود . - ۵۲ پس فرعون مأمورینی بشهرها فرستاد که در بلاد جمع شده و ابلاغ رسالت کنند . - ۵۳ و ابلاغ امر فرعون نموده ، و گویند که اینها گروه کمی هستند . - ۵۴ و برخلاف دستور ما عمل کرده‌اند ، و متوجه باشند که با آنها همکاری نکنند . - ۵۵ .

نتیجه :

دستور از دست انداختن عصا که وسیله تکیه کردن باو در اعمال و فعالیتها بود : می‌فهماند که مردِ اِلَهِی لازمست تکیه او فقط بخداوند متعال بوده و از غیر او منقطع گردد .

البته اینمعنی باید بمورد باشد ، نه برخلاف وظیفه شرعی و عقلی .

و اِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ . - ۵۶ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . - ۵۷ وَ كُنُوزٍ
و مَقَامٍ كَرِيمٍ . - ۵۸ كَذَلِكَ و أَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ . - ۵۹ فَاتَّبَعُوهُمْ
مُشْرِقِينَ . - ۶۰ فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ . - ۶۱ قَالَ
كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ . - ۶۲ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ
فَإِنْفَلَقْ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ . - ۶۳ وَ أَرْزَقْنَاهُمْ مِمَّا آخَرِينَ . - ۶۴ وَ
أَنْجَيْنَا مُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ . - ۶۵ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ . - ۶۶ إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ . - ۶۷ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُو الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۶۸ .

حَازِرٌ : حذر کننده ، احتیاط کننده ، حفظ کننده خود است .

- مُشرق : وارد شونده بروشنایی و باوّل روز است .
 ترائی : همدیگر را دیدن ، و ملاقات یکدیگر است .
 فِرَق : یک قسم ، یک گروه است .
 طود : چیز ثابت ، کوه ، بلند شدن است .
 انفلاق : انشقاق ، صبح شدن است .
 إزلاف : تقریب ، جمع کردن و مقدّم داشتن است .
 عزیز : گرامی ، شریف است .

فرعون اظهار کرد که : ما جماعتی هستیم احتیاط و حذر کننده . - ۵۶ پس ما بیرون آوردیم پیروان فرعون را از بستانها و چشمه ها . - ۵۷ و از گنجها و از مقامهای گرامی . - ۵۸ و وارث کردیم بآنها بنی اسرائیل را . - ۵۹ پس پشت سر آنها کردیم در حالتیکه صبح میکردند . - ۶۰ و چون دو جمعیت همدیگر را دیدند ، أصحاب حضرت موسی گفتند که ما درک کرده شدیم . - ۶۱ حضرت موسی گفت : نه چنین است ، پروردگار من با ما است ، و ما را هدایت خواهد کرد . - ۶۲ پس وحی کردیم بموسی که بزنی عصای خود را بدریا ، پس دریا شکافته شد ، و بود هر قسمتی مانند کوهی بلند . - ۶۳ و نزدیک کردیم در آنجا دیگران را . - ۶۴ و نجات دادیم موسی و یارانش را همگی . - ۶۵ سپس غرق کردیم جمعیت دیگر را که أصحاب فرعون بودند . - ۶۶ و در این جریان هر آینه آیت بزرگی بود از عظمت و قدرت پروردگار ، اگرچه اکثر آنها مؤمن کامل نبودند . - ۶۷ و خدای تو هر آینه او گرامی و عزیز و مهربانست . - ۶۸ .

نتیجه :

لجمع حاذرون : احتیاط کردن هم لازمست با شرائط و انجام وظائف صورت

بگیرد ، و اگر نه : خود حذر و احتیاط هم موجب گرفتاری خواهد شد .
چنانکه فرعون ادّعی عمل با احتیاط داشت ، ولی همان برنامه حذر او بود که عاقبت او و یارانشرا بهلاک ابدی کشانید .
و اغلب مقدّسین ظاهر پرست چنین احتیاط را دارند ، و اینگونه خود و دیگرانرا گرفتار و مبتلا میکنند .

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ . - ۶۹ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ . - ۷۰ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَاكِفِينَ . - ۷۱ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ . - ۷۲ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ . - ۷۳ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ . - ۷۴ قَالَ أَفَأَنتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ . - ۷۵ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ . - ۷۶ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ . - ۷۷ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ . - ۷۸ وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِي . - ۷۹ وَ إِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي . - ۸۰ وَ الَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي . - ۸۱ وَ الَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ . - ۸۲ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقِيقِي بِالصَّالِحِينَ . - ۸۳ .

عَدُوٌّ : تجاوز کننده ، منصرف کننده ، مخالف است .

وَأْتَلُ : از تلاوة بمعنی قرائت است .

نَبَأٌ : صدای آهسته داشتن است .

نَظَّلٌ : بمعنی دوام ، طولانی بودن است .

أَصْنَامٌ : جمع صنم بمعنی قویّ و صدا کردن است .

عَاكِفٌ : مانع ، حبس کننده خود یا دیگر است .

می فرماید : بخوان بر آنها خبر ابراهیم را . - ۶۹ زمانیکه گفت پدیر و قوم خود که

چیست که آنرا پرستش می کنید . - ۷۰ گفتند که پرستش می کنیم اَصْنَامِی را و

ادامه می‌دهیم برای مقید بودن در پرستش آنها . - ۷۱ گفت آیا دعوت شما را شنیده و جواب میدهند . - ۷۲ و یا میتوانند بشما نفع و ضرری برسانند . - ۷۳ گفتند که : ما پدران خود را دیدیم که از آنها پرستش چنین می‌کردند . - ۷۴ فرمود آیا پس دیدید که آنچه را که عبادت میکردید . - ۱۵ شما و پدران گذشته شما . - ۷۶ پس بتحقیق دشمنان من بودند مگر پروردگار جهانیان . - ۷۷ خداوندیکه مرا آفریده و سپس براه حق هدایت فرموده است . - ۷۸ و خداییکه مرا إطعام کرده و سیراب میکند . - ۷۹ و اگر بیمار شدم مرا شفاء میدهد . - ۸۰ و آن خداییکه مرا می‌میراند و سپس زنده میکند . - ۸۱ و خداوندیکه توقع و امید دارم که خطاهای مرا ببخشد در روز جزاء . - ۸۲ پروردگارا عطا کن مرا یقین قاطع و ملحق کن مرا بأفرادیکه صالح هستند . - ۸۳ .

نتیجه :

حضرت ابراهیم نشانه‌های جالب و مهمی را از زندگی مادّی بیان کرد ، اوّل - خداوند متعال از عدم بمرحله وجود آورده است ، و سپس وسائل هدایت او را از جهت زندگی مادّی و معنوی فراهم کرده است . دوّم - در جهت خوراک و نوشیدنی که ادامه حیات متوقف بآنست ، فراهم کرده است . سوّم - از لحاظ صحت و سلامتی و رفع أمراض ، وسائل بهبودی و عافیت را فراهم کرده است . چهارم - پس از مردن در زندگی مادّی دنیوی دوباره او را زندگی روحانی جاوید بخشیده است . پنجم - در جهان دیگر پس از تمام شدن جهان دنیوی مادّی ، خطاهای گذشته را می‌بخشد . ششم - بتناسب آن جهان ، اختیار دارد که مقامات روحانی عطا فرماید . هَبْ حُكْمًا : حُكْمٌ بِمَعْنَى يَقِينٍ وَ عِلْمٍ وَ اتِّقَانٍ اسْت .

و اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ . - ۸۴ و اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ

النَّعِيمِ . - ۸۵ و اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ . - ۸۶ و لا تُخزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ . - ۸۷ يَوْمَ لا يَنْفَعُ مَالٌ و لا بَنُونَ . - ۸۸ إِنْما مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ . - ۸۹ و أُرْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ . - ۹۰ و بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ . - ۹۱ و قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ ما كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ . - ۹۲ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ . - ۹۳ فَكُفِّبُوا فِيها وَالْغَاوُونَ . - ۹۴ و جُنُودُ ابْلِيسَ أَجْمَعُونَ . - ۹۵ قالوا و هم فيها يَخْتَصِمُونَ . - ۹۶ تالَّهَّ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلالٍ مُبِينٍ . - ۹۷ إِذْ نَسَّوْكُمْ بِرَبِّ الْعالَمِينَ . - ۹۸ و ما أَضَلَّنا إِلاَّ الْمُجْرِمُونَ . - ۹۹ فمالنا مِنْ شافِعِينَ . - ۱۰۰ و لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ . - ۱۰۱ فلو أَنَّ لَنا كَرَّةً فَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . - ۱۰۲ انَّ في ذلكَ لآيَةً و ما كانَ أَكْثَرَهُمُ مُؤْمِنِينَ . - ۱۰۳ .

إِخْزاء : اهانت ، خوار کردن ، و ابتلاء است .

بَعَثَ : تهییج ، إثارة ، اقامه است .

إِزْلاف : نزدیک کردن ، جمع کردن ، منزلت دادن است .

تَبْرِيزَ : ظاهر کردن ، و بیرون آوردن است .

جَحِيمٍ : شعله ور شونده ، آتش سوزان .

غَاوِينَ : از غیِّ بمعنی ضلال و فساد است .

كِبْكَبَهُ : جمع کردن ، و وارونه کردن است .

تَسْوِيَهُ : إِصْلاح و مستقیم کردن ، و معتدل کردن است .

إِجْرامَ : قطع کردن ، منقضی شدن ، عصیان کردن است .

حَمِيمٍ : گرم ، آب گرم شده ، و آنچه گرم شود .

كِرَّةً : رجوع ، عود ، عطف کردن .

می فرماید : قرار بده مرا زبان گویای حق و راستی در میان متأخرین . - ۸۴ و

قرار بده مرا از وارثان بهشت پر نعمت . - ۸۵ و بیامرز پدر مرا که او بوده است
گمراهان . - ۸۶ و مرا خوار و سرافکننده مکن روزیکه مردم برمیخیزند برای دیدن
آثار اعمال . - ۸۷ روزیکه سود نمی‌بخشد مالی و نه فرزندان . - ۸۸ مگر کسیکه
بباید با قلب سالم و پاک . - ۸۹ و نزدیک شده است بهشت در آنروز برای کسانیکه
پرهیزکار باشند . - ۹۰ و ظاهر گردد دوزخ و آتش برای افرادی که طغیانگر
هستند . - ۹۱ و گفته می‌شود برا آنها که کجا هستند آنها یکه پرستش میکردید از
غیر پروردگار . - ۹۲ آیا یاری و کمک میکنند بشما و یا یاری میخواهند ؟ - ۹۳ پس
زیر و رو می‌شوند آنها در آنروز با گمراهان . - ۹۴ و پیروان ابلیس بهمگی . - ۹۵
گویند در حالتیکه در آنجا مخاصمه می‌کنند . - ۹۶ سوگند بخدا که بودیم ما در
گمراهی آشکار . - ۹۷ زمانیکه معتدل میکردیم شما را برای لقای پروردگار
جهانیان . - ۹۸ و گمراه نکرد ما را مگر افرادی که از خداوند منقطع بودند . - ۹۹ پس
نیست برای ما شفاعت کننده و یاری کننده‌ای . - ۱۰۰ و نه دوستی که گرم
باشد . - ۱۰۱ و هرگاه برای ما برگشتی باشد : پس با افراد مؤمن همراه خواهیم
بود . - ۱۰۲ بتحقیق در این جریان آیتی است از حق ، و نباشد اکثر آنها
مؤمن . - ۱۰۳ .

نتیجه :

ابراهیم خلیل : از انبیای درجه اول ، و جدّ اعلای عرب است که بوساطت
فرزندش اسمعیل بوجود آمده‌اند .

و مسکن اسمعیل در مکه و در اطراف خانه کعبه بوده است .

و اغفر لأبی : ضلال و گمراهی در مقابل قلب سلیم و خلوص نیت و طهارت
نفس از علایق و آلودگی‌ها است ، و اینمعنی برای انبیاء و مؤمنین کامل ، صورت
می‌گیرد که قلوب آنها صددرصد پاک و منور و روحانی باشد .

و البته افراد و قلبی از نظر حضرت ابراهیم ، بطور مطلق مهتدی و منور و پاک باشند که از هرگونه از آلودگی و علایق دور گردد .
و برزت الجحیم : و مراد ظاهر و آشکار شدن جحیم است از باطن که در اثر اعمال و نیات پوشیده بوده است ، و گفتیم که جحیم عبارتست از آتش شعله ور شونده ، و اینمعنی آتش روحانی و باطنی است .
و افرادی که صفات باطنی آلوده و علائق دنیوی ظلمانی در قلوب آنها جایگیر گشته است ، در حقیقت آتش شعله ور و برافروخته‌ای باشد .

و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۱۰۴ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ . - ۱۰۵ اِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ . - ۱۰۶ اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . - ۱۰۷ فَاتَّقُوا اللَّهَ الْعَالَمِينَ . - ۱۰۸ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا اللَّهَ . - ۱۰۹ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا اللَّهَ . - ۱۱۰ قَالُوا اَنْزَمْنُ لَكَ وَ اتَّبَعَكَ الْاَرْدَلُونَ . - ۱۱۱ قَالَ وَ مَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۱۱۲ اِنْ حَسَابُهُمْ اِلَّا عَلِي رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ . - ۱۱۳ وَ مَا اَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ . - ۱۱۴ اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ . - ۱۱۵ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ . - ۱۱۶ قَالَ رَبِّ اِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ . - ۱۱۷ فَافْتَحْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَتْحًا وَ نَجِّنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . - ۱۱۸ .

أَرْدَلُونَ : رَذَلٌ ضِدٌّ فَضْلٌ بِمَعْنَى يَسْتُ وَ رَدَىٌّ اسْتُ .
طَارِدٌ : دُورُ كَرْدُنٌ ، وَ كِنَارُ زَدْنٌ اسْتُ .
مَرْجُومٌ : اَزْ رَمَى كَرْدُنٌ بِاِحْجَارِهِ اسْتُ .
لَمْ تَنْتَهَ : اَزْ اِنْتِهَاءِ بِمَعْنَى كَفٌّ وَ خُودِدَارِي كَرْدُنٌ اسْتُ .
حِسَابٌ : تَقْدِيرٌ وَ مَحَاسِبُهُ كَرْدُنٌ ، وَ رَسِيدُ كَرْدُنٌ بِحِسَابِ اسْتُ .

فَتْح : حکم ، قضاء ، باز کردن است .

می‌فرماید : و بتحقیق پروردگار تو هر آینه گرامی و شریف و مهربانست . - ۱۰۴
 تکذیب کردند قوم نوح ، فرستاده‌ها و مرسلین را . - ۱۰۵ زمانیکه گفت برای آنها
 برادرشان نوح که آیا نمیخواهید پرهیزکار گردید . - ۱۰۶ بتحقیق من برای شما
 رسولی آمین هستم . - ۱۰۷ پس تقوی داشته باشید برای خداوند و مرا پیروی
 کنید . - ۱۰۸ و نمیخواهم از شما اجر و مزدیرا ، و نیست اجر من مگر بر خداوند
 متعال . - ۱۰۹ پس تقوی داشته باشید در مقابل خداوند ، و مرا که رسول او هستم
 اطاعت کنید . - ۱۱۰ گفتند آیا تو را اطاعت و پیروی کنیم در حالیکه پیروی کرده
 است تو را افراد پست . - ۱۱۱ گفت من علمی ندارم بآنچه عمل می‌کنند . - ۱۱۲
 نیست حساب و تقدیر آنها مگر بعهده پروردگار متعال اگر بفهمید . - ۱۱۳ و نیستم
 من ردّ کننده و دور کننده افرادی که ایمان می‌آورند . - ۱۱۴ نباشم من مگر ترساننده
 روشن . - ۱۱۵ گفتند اگر خودداری نکنی از برنامه‌های خود هر آینه خواهی بود از
 رجم شدگان بسنگ . - ۱۱۶ گفت : پروردگارا قوم من تکذیب کردند مرا . - ۱۱۷ پس
 حکم کن در میان من و آنان و نجات بده من و همراهانم را که ایمان
 آورده‌اند . - ۱۱۸ .

نتیجه :

اِخْوَهُمْ نوح : تعبیر با کلمه اَخ اشاره است به کمال مهربانی و نزدیکی در میان او
 و قومش ، که بجز خیرخواهی و محبت در میان نبوده است .
 وَ اتَّبِعْكَ الْأَرْدَلُونَ : این سخن از آثار ظاهر بینی ، و چشم پوشی از حقایق
 است ، و افراد ظاهر بین ، در همه موارد فریب تظاهرات می‌باشند ، و حتی علم و
 معرفت و تقوی و فضائل روحانی دیگر را نیز در سایه اسم و رسم و عنوان و سائر

امور مادی بررسی می‌کنند .

و از اینجا است که : انحطاط فکری و علمی ، و انحراف اخلاقی پدید آید .

فَأَنْجِينَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ . - ۱۱۹ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ
 الْبَاقِينَ . - ۱۲۰ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ . - ۱۲۱ وَإِنَّ رَبَّكَ
 لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۱۲۲ كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ . - ۱۲۳ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ
 أَلَا تَتَّقُونَ . - ۱۲۴ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . - ۱۲۵ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا . - ۱۲۶ وَ
 مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۱۲۷ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ
 رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ . - ۱۲۸ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ . - ۱۲۹ وَإِذَا بَطَشْتُمْ
 بَطَّشْتُمْ جَبَّارِينَ . - ۱۳۰ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا . - ۱۳۱ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا
 تَعْلَمُونَ . - ۱۳۲ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ . - ۱۳۳ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . - ۱۳۴ إِنِّي
 أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ . - ۱۳۵ .

فُلك : سفینه که کشتی است .

مشحون : پر شده ، و مملو است .

عاد : شعبه ایست از عرب عاربه که هلاک شدند .

هُود : و هود برای عاد مبعوث شده بود ، و ساکن نزدیک ثمود در سرزمین حجاز بودند .

تَبْنون : از بناء بمعنی ساختن و آباد کردن است .

رِيع : محلّ مرتفع ، تلّ عالی .

آیة : علامت و علامت جمعی و یا فردیست .

عَبث : هزل و لعب ، استخفاف ، خلط کردن .

مَصَانِع : جمع مَصْنَعَة که حوض و استخر است .

بَطْشْتُمْ : أخذ بشدّت ، تناول بسرعت است .
 جَبَّار : متکبّر ، الزام و اکراه کننده .
 إِمْدَاد : اغانه و اطاله و اغاثه است .

می فرماید : پس نجات دادیم او را با افرادی که با او بودند ، در کشتی که پر بود از افراد دیگر . - ۱۱۹ سپس غرق کردیم دیگرانرا . - ۱۲۰ بتحقیق در این جریان آیت و نشانه‌ای باشد ، و نبود اکثر آنها ایمان آورندگان . - ۱۲۱ و بتحقیق پروردگار تو او با عزّت و مهربانست . - ۱۲۲ تکذیب کرد قوم عاد رسولانرا . - ۱۲۳ زمانیکه گفت برادر آنها هود که آیا شما نمیخواهید تقوی پیدا کنید . - ۱۲۴ بتحقیق من رسول اُمینی هستم از طرف خداوند برای هدایت شما . - ۱۲۵ پس تقوی پیدا کنید و مرا اطاعت نمایید . - ۱۲۶ و من مزدی در مقابل فعالیت‌های خودم نمیخواهم ، و مزد من نیست مگر بخداوند جهانیان . - ۱۲۷ آیا میسازید در بالای هر بلندی نشانه‌ای که هدف معقولی نداشته ، و هزل و لغو میکنید . - ۱۲۸ و حوض و انبارهای بزرگی می‌سازید که شاید شما برای همیشه باقی خواهید بود . - ۱۲۹ و چون چیزی از کسی بخواهید بتندی مطالبه میکنید و بصورت تکبّر و اکراه عمل میکنید . - ۱۳۰ پس تقوی و خودداری کنید و مرا اطاعت کنید . - ۱۳۱ و تقوی داشته باشید در مقابل خداوندیکه شماها را بوسیله آنچه میدانید یاری داده است . - ۱۳۲ یاری داده است بوسیله چهارپایان و فرزندان ، و نعمت و خوشی داده است . - ۱۳۳ و با بستانها و چشمه‌ها . - ۱۳۴ و بتحقیق من میترسم برای شما از عذاب روزیکه بزرگست . - ۱۳۵ .

نتیجه :

یوم عظیم : آری در آنروز آثار و نتایج تمام افکار و اعمال انسان که در مدّت

زندگی دنیوی خود ، از او سر زده است ، بطور دقیق آشکار شده و مشاهده میشود ،
و خواه و ناخواه بجزای آنها میرسد .

قالوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ . - ۱۳۶ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ
الْأَوَّلِينَ . - ۱۳۷ و مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ . - ۱۳۸ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنْ فِي ذَلِكَ
لَايَةٌ و مَا كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ . - ۱۳۹ و إِنْ رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۱۴۰
كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ . - ۱۴۱ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ . - ۱۴۲ إِنْ
لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . - ۱۴۳ فَاتَّقُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا اللَّهَ . - ۱۴۴ و مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ
أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۱۴۵ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَيْهَنَا آمِنِينَ . - ۱۴۶
فِي جَنَاتٍ و عُيُونٍ . - ۱۴۷ و زُرُوعٍ و نَخْلٍ طَلَعَهَا هَاضِمٌ . - ۱۴۸ و تَنْحِتُونَ مِنَ
الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ . - ۱۴۹ .

سَوَاءٌ : برابر ، عدل ، مثل است .

خُلُقٌ : بضمّتین أو بسکون اللام : السجّیه ، العادة ، الطبع .

ثَمُودُ : قبیله‌ای بود در نزدیکی حجر (وادی القرى) و هلاک شدند .

صَالِحٌ : رسول عربی مبعوث بود بر قوم ثمود که مبتلا به زلزله شدند .

فَارِهِ : شاد ، نشاط ، و خوش بودن است .

هَاضِمٌ : لطیف .

نَخْلٌ : درخت خرما ، تصفیه کردن ، غربال کردن است .

طَلَعٌ : آنچه از شجر ظاهر شود از گُل و از برگ .

نَحْتٌ : تراشیدن ، کندن ، صاف کردنست .

می‌فرماید : قوم عاد گفتند که برابر است برای ما که موعظه کنی و یا ساکت

باشی . - ۱۳۶ و نیست این جریان مگر نظیر حالات گذشتگان که رسولانی مبعوث

می‌شدند ، و دعوی نبوت می‌کردند ، و قوم او مخالفت می‌کردند و ایمان نمی‌آوردند . - ۱۳۷ و چنین نیست که ما معذب باشیم . - ۱۳۸ پس هود را تکذیب کردند و ما هلاک کردیم آنها را ، و این جریان آیتی است از آیاتِ اِلهی ، و نبود اکثر آنها ایمان آوردگان . - ۱۳۹ و بتحقیق پروردگار تو هر آینه او عزیز و رحیم است . - ۱۴۰ و قوم ثمود نیز تکذیب کردند رسولانرا . - ۱۴۱ زمانیکه گفت آنها را برادرشان صالح آیا تقوی پیدا نمیکنید . - ۱۴۲ بتحقیق من برای شما رسولی آمین هستم . - ۱۴۳ پس تقوی داشته باشید در مقابل پروردگار و از من اطاعت کنید . - ۱۴۴ و من مزد و أجری از شماها درخواست نمیکنم ، و اجر من با خدا است که خداوند عالمین است . - ۱۴۵ آیا ترک می‌شوید در دنیا که در امن باشید . - ۱۴۶ و در باغها و چشمه‌ها زندگی کنید . - ۱۴۷ و از زراعتها و از نخلها که برگ و میوه‌های ملایم و مطلوبی دارند استفاده نمایید . - ۱۴۸ و مشغول کردن بلندبها بوده و با نشاط و شادی امرار معاش داشته ، و مساکنی برای خوشی خودتان بسازید . - ۱۴۹ .

نتیجه :

أُتْرَكُونَ : آری منظور از خلقت بنی آدم ، پیدا کردن معرفت و ارتباط انسان با عالم غیب و توجه پیدا کردن و رسیدن بمقام عبودیت است .
می‌فرماید : و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ .
و ارتباط با خداوند متعال : بزرگترین هدف و آخرین مقصود در آفرینش انسان باشد ، و کمال انسان هم در همین معنی خلاصه میشود .

فَاتَّقُوا اللَّهَ و أَطِيعُوا . - ۱۵۰ و لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ . - ۱۵۱ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ و لَا يُصْلِحُونَ . - ۱۵۲ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ

المُسْحَرِينَ . - ۱۵۳ ما أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ
الصَادِقِينَ . - ۱۵۴ قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ . - ۱۵۵ وَلَا
تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ . - ۱۵۶ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا
نَادِمِينَ . - ۱۵۷ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَةٌ وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
مُؤْمِنِينَ . - ۱۵۸ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۱۵۹ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ
الْمُرْسَلِينَ . - ۱۶۰ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ . - ۱۶۱ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ
أَمِينٌ . - ۱۶۲ .

إِسْرَافٍ : افراط و تجاوز از حدّ اعتدال است .

مُسْحَرٌ : کسیکه خدعه بخورد ، و عقلش مسحور باشد .

شِرْبٌ : مصدر است بمعنی آب نوشیدن ، چون شُرِبَ .

فَعَقَرَ : عَقَرَ بمعنی نَحَرَ و قطع دست و پای شتر است .

لُوطٌ : پسر برادر ابراهیم خلیل است ، و از او نسلی باقی بود .

ناقه : شتر ماده است ، که در مذکر جَمَل گویند .

می فرماید : پس تقوی داشته در مقابل پروردگار ، و مرا اطاعت کنید . - ۱۵۰ و
اطاعت نکنید از کسانی که اسراف میکنند . - ۱۵۱ آنها افرادی هستند که پیوسته
افساد کرده و اصلاح نمیکنند . - ۱۵۲ گفتند که تو از سحر شدگان هستی . - ۱۵۳ و
نیستی مگر فردی از بشر که مانند ما باشد ، پس بیاور آیتی اگر هستی از
راستگویان . - ۱۵۴ گفت صالح که این ناقه (شتری است) و برای او حق خوردن
آب است ، و برای شما است حق خوردن آب در روز و وقت معلوم . - ۱۵۵ و برخورد
نکنید با او بعمل بدی ، پس میگیرد شما را عذاب بزرگ . - ۱۵۶ پس آنرا نحر کرده
و دست و پایشرا قطع کردند ، و گرفت آنها را عذاب . - ۱۵۷ و بحال ندامت آمدند ، و

بتحقیق در این جریان آیتی بود از قدرت خداوند . - ۱۵۸ و نبود اکثر آنها ایمان آوردگان ، و بتحقیق پروردگار تو هر آینه او با عزّت و مهربانست . - ۱۵۹ و تکذیب کرد قوم لوط رسولانرا . - ۱۶۰ زمانیکه گفت آنها را لوط برادرشان ، آیا تقوی نمیدارید . - ۱۶۱ بتحقیق من برای شما رسول آمینی هستم از جانب خداوند . - ۱۶۲ .

نتیجه :

تا اینجا خداوند متعال از هفت رسول اسم برده است ، و در هر یک از آنها جملات - و ما کان اکثرهم مؤمنین ، و إنّ ربّک لهُوَ العزیز الرحیم ، و فاتّقوا اللّهُ و اطیعون ، و ما أسألکم من أجر ، و کذّبت ... المرسلین ، و أنّ فی ذلک لآیة ، و إذ قال لهم أخوهم - را تکرار فرموده است .

و از این تعبیرات صریح ، روشن میشود که اکثر افراد امتهای انبیاء مخالف شده و ایمان نیاورده‌اند .

آری اقتضای زندگی مادی و در محیط مادی ، چنین اقتضاء می‌کند ، و انتظاری بیش از این از افراد دنیا پرست نباشد .

فاتّقوا اللّهُ و اطیعون . - ۱۶۳ و ما أسألکم علیهِ من أجر إنّ أجری إلاّ علی ربّ العالمین . - ۱۶۴ أتأتون الذّکران من العالمین . - ۱۶۵ و تذرّون ما خلق لکم ربّکم من أزواجکم بل أنتم قوم عادون . - ۱۶۶ قالوا لئن لم ینتّه یا لوط لتکونن من المخرّجین . - ۱۶۷ قال إنّی لعملکم من القالین . - ۱۶۸ ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . - ۱۶۹ فنجّیناه و أهله أجمعیّن . - ۱۷۰ إلاّ عجزوا فی الغابریّن . - ۱۷۱ ثمّ دمّرنا الآخرین . - ۱۷۲ و أمطرنا علیهم مطراً فساء مطر المنذریّن . - ۱۷۳ إنّ فی ذلک لآیة و ما کان اکثرهم مؤمنین . - ۱۷۴ و إنّ

رَبِّكَ لَهَوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ . - ۱۷۵ .

- ذُكْرَان : جمع ذَكَرَ که خلاف انثی است .
 تَذْرُون : از مادّه وذر بمعنی ترک و قطع است .
 عَادُونَ : از مادّه عدوان ، و بمعنی تجاوز و ظلم باشد .
 قَالِین : از مادّه قِلاء و بمعنی بغض داشتن است .
 عَجُوز : از مادّه عجز بوزن ذلول است بمعنی زنیکه پیر و ضعیف باشد .
 غَابِرِین : از غیر بمعنی بقاء ، و مکث کردنست .
 تَدْمِیر : بمعنی هلاک کردن ، و هجوم نمودن است .

می فرماید : لوط نبیّ گفت که در مقابل خداوند متعال تقوی و پرهیزکاری داشته باشید ! و مرا پیروی کنید . - ۱۶۳ و درخواست نمیکنم از شما در مقابل خدمات خودم مزدی را ، و مزد من بر پروردگار جهانیان است . - ۱۶۴ آیا میل میکنید بسوی مردها و ترک میکنید آنچه را که خداوند متعال برای شما آفریده است از أزواج و زنها . - ۱۶۵ بلکه شماها قومی هستید که تجاوز میکنید از وظایف طبیعی خود . - ۱۶۶ گفتند که ای لوط اگر خودداری نکنی از برنامه‌های ما : هر آینه خواهی شد از کسانیکه بیرون شده‌اند . - ۱۶۷ گفت بتحقیق من برای اُعمال شما از مخالفین سخت هستم . - ۱۶۸ پروردگارا نجات بده مرا و اهل مرا از آنچه اینها عمل میکنند . - ۱۶۹ پس نجات دادیم او را و اهلش را همگی . - ۱۷۰ مگر پیرزنیرا که از جمله باقیماندگان بود . - ۱۷۱ سپس هلاک ساختیم دیگرانرا . - ۱۷۲ و باران آوردیم آنها را بارانی که چه بد است باران آنها ییکه ترسانیده میشوند . - ۱۷۳ بتحقیق در این جریان آیتی باشد از خداوند متعال ، و نیست اکثر آنها ایمان آورندگان . - ۱۷۴ و بتحقیق پروردگار تو عزیز و مهربانست . - ۱۷۵ .

نتیجه :

عجوز : مراد زوجه لوط نبی است که جریانها و امور داخلی آنحضرت را بدیگران بازگو میکرد .

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ . - ۱۷۶ إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ . - ۱۷۷ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . - ۱۷۸ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا . - ۱۷۹ وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۱۸۰ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ . - ۱۸۱ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ . - ۱۸۲ وَ لَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ . - ۱۸۳ وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْجِبِلَّةَ الْأُولَى . - ۱۸۴ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحَرِينَ . - ۱۸۵ وَ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَ إِنْ نَنْظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ . - ۱۸۶ .

أَيْكَة : بمعنی اشجار بسیار که پیچیده بهمدیگر باشد ، و در جمع ایک گویند .
 شُعَيْبٌ : از انبیاء است که برای اصحاب ایکه مبعوث بوده است .
 إِيْفَاءٌ : تمام کردن ، و ابلاغ ، و محافظت است .
 إِخْسَارٌ : ناقص کردن ، ضایع کردن است .
 قِسْطَاسٌ : بکسر و ضمّ اول ، بمعنی میزان است .
 بَخْسٌ : کم کردن ، ناقص کردن است .
 عَثُوٌّ : و عَثَى ، فساد تمام انجام دادن است .
 جِبِلَّةٌ : و جِبْلَه و جِبْلَه ، بمعنی طبیعت و فطرت است .
 مُسْحَرٌ : کسیکه مسحور شده .
 كَيْلٌ : تعیین کردن مقدار است بوسیله آلات مخصوص .

می‌فرماید : تکذیب کرد أصحاب أیکه (سرزمین پر درخت) رسولان خدا را . - ۱۷۶ زمانیکه گفت بآنها شعیب نبیّ آیا تقوی اخذ نمیکنید . - ۱۷۷ بتحقیق من رسول امینی هستم از جانب خداوند متعال . - ۱۷۸ پس تقوی داشته باشید در مقابل پروردگار و مرا اطاعت کنید . - ۱۷۹ و درخواست نمیکنم از شما اجر و مزدی ، و نیست اجر من مگر بخداوند عالَمیان . - ۱۸۰ تمام کنید میزانرا در معاملات خود ، و نباشید از ناقص و کم کنندگان . - ۱۸۱ و وزن کنید بمیزان صحیح و معتدل . - ۱۸۲ و کم و ناقص ندهید ، و فساد نکنید در روی زمین که از فساد کنندگان باشید . - ۱۸۳ و تقوی و پرهیزکاری کنید در مقابل پروردگاریکه آفریده است شما و خلقت گذشتگانرا . - ۱۸۴ گفتند که اینست که تو از سحر شدگان هستی . - ۱۸۵ و نیستی تو مگر فردی مانند ما ، و بتحقیق گمان میکنیم تو را که از دروغگویانی . - ۱۸۶ .

نتیجه :

شعیب نبیّ : فرزند برادر حضرت ابراهیم باشد ، و یا فرزند خاله آنحضرت ، و بهر صورت از وابستگان آنحضرت خواهد بود .
و چون آنحضرت اقامت کلی او در سرزمین بیت المقدّس و سوریه و مکه بود ، قهراً حضرت شعیب نیز در شهرهای سوریه و شامات زندگی و اقامت داشته است .

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ . - ۱۸۷ قَالَ رَبِّیْ أَعْلَمُ
بِمَا تَعْمَلُونَ . - ۱۸۸ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ یَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ یَوْمٍ
عَظِيمٍ . - ۱۸۹ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآیَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ . - ۱۹۰ وَ إِنَّ رَبَّكَ
لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِيمُ . - ۱۹۱ وَ إِنَّهُ لَنَنْزِیلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۱۹۲ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ
الْأَمِینُ . - ۱۹۳ عَلَی قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ . - ۱۹۴ بِلِسَانٍ عَرَبِیِّ

مبین . - ۱۹۵ و إِنَّ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ . - ۱۹۶ أولم يكن لهم آيةً أن يعلمه علماء بني إسرائيل . - ۱۹۷ و لَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ . - ۱۹۸ فقرأه عليهم ما كانوا به مؤمنين . - ۱۹۹ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ . - ۲۰۰ .

کِسْف : جمع کِسْفَه که بمعنی قطعه‌ای از چیزی باشد که حاجب است .

ظَلَّة : سایه باریک و ضعیف است که محیط نباشد .

الرُّوحُ الْأَمِينُ : وجود روحانی که آمین است چون جبرئیل .

سَلَكْنَاهُ : داخل کردیم او را ، راه بردیم او را .

بَعْتَةٌ : ناگهانی و بدون مقدمه آمدن .

زُبُرُ : بنای ساختمان کردن ، کتابت منظم .

و زُبُرٌ : جمع زَبُور است که بمعنی کتاب است .

می‌فرماید : قوم شعیب او را گفتند که از آسمان قطعاتی برای ما بیاور ، اگر هستی از راستگویان . - ۱۸۷ گفت پروردگار من داناتر است بآنچه عمل میکنید . - ۱۸۸ پس تکذیب کردند او را پس أخذ کرد آنها را عذاب روز ظَلَّة ، بتحقیق این عذاب روز بزرگی است . - ۱۸۹ و در این جریان آیتی است ، و نیست اکثر آنها ایمان آورندگان . - ۱۹۰ و بتحقیق پروردگار تو ، او است عزیز و رحیم . - ۱۹۱ و بتحقیق این کتاب نازل کردن خداوند جهانیان است . - ۱۹۲ نازل کرده است آنرا جبرئیل از جانب پروردگار متعال . - ۱۹۳ بر قلب تو تا باشی از انذار کنندگان . - ۱۹۴ بزبان عربی روشن . - ۱۹۵ و آن هر آینه در کتابهای آسمانی گذشته محفوظ است . - ۱۹۶ آیا برای آنها آیتی نیست که علمای بنی اسرائیل از این حقیقت آگاهند . - ۱۹۷ و هرگاه نازل میکردیم آنرا بغير عربی زبانها . - ۱۹۸ و قرائت میکردند باین جماعت عرب ، هرگز ایمان نمی‌آوردند بآن . - ۱۹۹ همچنین

وارد میکنیم آنرا در قلوب مجرمین . - ۲۰۰ .

نتیجه :

فی قلوب المجرمین : با اینکه این اشخاص مجرمند ، یعنی منقطع شده‌اند از مقام ربوبیت ، ولی خداوند متعال آیات آسمانی قرآن مجید را در قلوب آنها جریان داده است ، که جای هیچگونه انکاری باقی نباشد .
و چنین است وارد شدن نام پیغمبر اسلام در کتب گذشتگان ، و اینمطلب در کتاب احتجاجات طبرسی فارسی بیان شده است .

لا یؤمنون به حتی یروا العذاب الالیم . - ۲۰۱ فیأتیهم بغتة و هم لا یشعرون . - ۲۰۲ فیقولوا هل نحن منظرون . - ۲۰۳ أفبعذابنا یستعجلون . - ۲۰۴ أفرأیت إن متعنا هم سنین . - ۲۰۵ ثم جاءهم ما كانوا یوعدون . - ۲۰۶ ما أغنی عنهم ما كانوا یمتعون . - ۲۰۷ و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون . - ۲۰۸ ذکری و ما كنا ظالمین . - ۲۰۹ و ما تنزلت به الشیاطین . - ۲۱۰ و ما ینبغی لهم و ما یستطیعون . - ۲۱۱ إنهم عن السمع لمعزولون . - ۲۱۲ فلا تدع مع الله إلهاً آخر فتكون من المعذبین . - ۲۱۳ و أنذر عشیرتک الأقریین . - ۲۱۴ و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین . - ۲۱۵ فإن عصوک فقل إنی برئ مما تعملون . - ۲۱۶ .

بغتة : ناگهانی ، فجأة .

الیم : موجه ، دردناک .

منظرون : از انتظار که بمعنی تأخیر و إمهال است .

تمتع : اطاله ، قرار دادن که التذاذ و انتفاع ببرد .

ذِکْرَى : بمعنی ذِکْر و اذدکار است ، یاد کردن .
 مَعْرُوزٌ : برکنار شده ، و دور شده .
 خَفِضٌ : لینت ، و هوان . و تواضع .
 جَنَاحٌ : مَیْل ، جانب ، بال پرنده .

می فرماید : ایمان نمی آورند بآن تا آنکه به بینند عذاب دردناکیرا . - ۲۰۱ پس می آید آنها را ناگهان و آنها توجه ندارند . - ۲۰۲ پس گویند آیا ما مهلت داده هستیم . - ۲۰۳ آیا بعد از ما شتاب میکنند . - ۲۰۴ آیا می بینی که اگر مهلت بدهیم آنها را سالها . - ۲۰۵ و سپس آید آنها را آنچه وعده شده بودند . - ۲۰۶ بی نیاز نمی کند از آنها آنچه که مهلت داده شده و بهره مند شده بودند . - ۲۰۷ و هلاک نکردیم از آبادی مگر آنکه برای آن ترساننده ای مبعوث کنیم . - ۲۰۸ بخاطر تذکر دادن ، و نیستیم ما ظلم کننده . - ۲۰۹ و نازل نکرده است آنرا شیاطین . - ۲۱۰ و سزاوار نبود برای آنها و قدرت و استطاعت هم نداشتند که چنین کتابی نازل کنند . - ۲۱۱ بتحقیق آنها از شنیدن چنین کلماتی دورند . - ۲۱۲ پس دعوت نکن با دعوت کردن خداوند معبودی دیگر را ، پس باشی از عذاب شدگان . - ۲۱۳ و بترسان قوم و عشیره نزدیک را . - ۲۱۴ و پایین بیار بال مهربانرا برای کسانی که از تو پیروی کرده اند از مؤمنان . - ۲۱۵ پس اگر مخالفت کردند با تو ، بگوی که من بیزارم از آنچه عمل میکنید . - ۲۱۶ .

نتیجه :

الشیاطین : شیطان بمعنی دور از حق ، و مخالفت است ، و شخصیکه از مصادیق شیطان شده ، و از مقام حق محجوب و مهجور و محروم است : چگونه

ممکن است حامل آیاتِ الهی باشد ، و چگونه ممکن است که حقایق را از مقام الوهیتِ أخذ کرده و بمردم برساند .

و تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ . - ۲۱۷ أَلَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ . - ۲۱۸ و تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ . - ۲۱۹ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . - ۲۲۰ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيَاطِينَ . - ۲۲۱ نَزَّلَ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ . - ۲۲۲ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَ أَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ . - ۲۲۳ وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ . - ۲۲۴ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ . - ۲۲۵ وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ . - ۲۲۶ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ . - ۲۲۷ .

تَوَكَّلْ : تفویض و تسلیم امر بدیگری است .

تَقَلَّبَ : تحوّل است .

تَنَبَّأَهُ : خبر دادن است .

أَفَّاك : کسیکه زیاد دروغگو باشد .

أَثِيم : خطا کار ، و کسیکه برخلاف برنامه حق عمل کند .

إِلْقَاءُ : استقبال ، و مقابله ، و در اختیار قرار دادن .

غَاوُونَ : الضالّون ، التابعون للهوى .

وَادٍ : آب جاری ، موضوع مشترک ، سرزمین وسیع .

هَيْمٌ وَ هَيْمَانٌ : شدت عطش و محبت و حیرت است .

انتصار : یاری خواستن ، غلبه کردن ، موفقیت است .

مُنْقَلَبٌ : محلّ تحوّل است .

می‌فرماید : و تسلیم باش و باو واگذار که با عزّت و غلبه بوده و مهربانست . - ۲۱۷ خداوندیکه می‌بیند تو را چون برای انجام کار و عملی قیام کنی . - ۲۱۸ و هنگامیکه تحوّل داشته باشی در میان سجده کنندگان . - ۲۱۹ و او در همه حال شنونده و آگاه شونده است . - ۲۲۰ آیا خبر بدهم تو را از کسی که شیاطین باو فرود آیند . - ۲۲۱ نازل می‌شوند بر هر کسیکه دروغگو و خلافکار است . - ۲۲۲ گوش خودشان را در اختیار میگذارند ، ولی اکثر آنها دروغ میگویند . - ۲۲۳ و شعراء پیروی میکنند از آنها گمراهان . - ۲۲۴ آنان در هر جریانیه که آب سرازیر می‌شود ، اظهار محبت کرده و عشق می‌ورزند . - ۲۲۵ و سخن گویند از آنچه عمل نمیکنند . - ۲۲۶ مگر کسانی که ایمان داشته و اعمال صالح و نیکو انجام داده ، و در همه حال در یاد خدا بوده ، و از خداوند یاری بخواهند در موردیکه مظلوم و مورد تجاوز قرار بگیرند ، و البته افرادی که ظالم هستند ، خواهند فهمید که در کدام محیطی قرار خواهند گرفت . - ۲۲۷ .

نتیجه :

در این سوره مبارکه آسامی نه تن از انبیای عظام ذکر شده است ، که برخورد کرده‌اند با مخالفت و عداوت اقوام و عشیره و طوائف خودشان ، و در نتیجه سبب هلاک آنها شده است .

و لازم است از این جریانها استفاده کرده ، و توجه پیدا کرد که انتخاب راه و روش برخلاف برنامه الهی ، نتیجه آن گرفتاری و عذاب و هلاکت باشد .

سوره نمل

سوره - ۲۷ عدد آیات ۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ . - ۱ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ . - ۲
 الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ . - ۳ إِنَّ الَّذِينَ لَا
 يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَتًا لَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَبِهِمْ يَعْمَهُونَ . - ۴ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ
 الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخِسُونَ . - ۵ وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ
 حَكِيمٍ عَلِيمٍ . - ۶ إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَتَاتِيكُمْ مِنْهَا بَخْبِرَ أَوْ
 آتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ . - ۷ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي
 النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۸ .

عَمَهُ : و عُموه : تحيّر در أمر داشتن ، عَمَى البصر .

أَخْسَرَ : مقابل ربح ، ضرر دیدن است .

تَلَقَّى : أخذ کردن ، روبرو شدن .

شَهَاب : ستاره ، چیز قوی و روشن .

قَبَس : شعله آتش ، و استفاده علمی .

اصطلاء : گرم شدن ، و با آتش مقابل شدنست .

مبارک : با برکت شدن ، و مطلوب بودن است .

می فرماید : طس - در آغاز سوره گذشته گفته شد که : ممکن است این رمز

اشاره باشد به - طوبی ، و سدره .

طوبی از ماده طیب که بمعنی پاکیزگی و طهارت باشد .

و بیدره بمعنی تحیر در مقابل عظمت و بزرگواری باشد .
و رسول اکرم (ص) از مصادیق کامل این دو مفهوم است .
و بمناسبت این دو عنوان شریف فرموده است که : این آیات قرآن مجید است
که کتابیست روشن کننده حقایق و أسرار و دقایق علوم و معارف لاهوت . - ۱ .
هدایت کننده و بشارت و مژده دهنده است برای مؤمنین . - ۲ آنانکه برپا
میدارند نماز را ، و آداء میکنند فریضه زکوة را ، و بعالم آخرت یقین دارند که عالم
حساب و جزای اعمال است . - ۳ بتحقیق آنانکه ایمان و اعتقاد بجهان آخرت
ندارند : زینت میدهیم بانان اعمال آنها را ، پس آنها در انجام وظائف إلهی خود
متحیر می شوند . - ۴ آنان برای آنها باشد عذاب سخت ، و در آخرت آنها زیانکاران
خواهند بود . - ۵ و بتحقیق تو اخذ میکنی قرآنرا از پیشگاه شخصیکه حکیم و علیم
است . - ۶ زمانیکه گفت موسی به خانواده خود ، من مربوط شدم به آتشی ، خواهم
آورد از آن برای شما خبری ، و یا میآورم برای شما آتشی مشتعل که شاید شما گرم
باشید . - ۸ پس چون نزدیک شد بآتش ، نداء کرده شد که : مبارک است آنکه در
آتش است و آنهایکه در اطراف آتش هستند ، و منزّه است خداوندیکه پروردگار
جهانیان است . - ۸ .

نتیجه :

ایمان بآخرت : یعنی عقیده داشته باشد که پس از سپری شدن این زندگی
دنیوی مادّی ، جهان دیگری برای انسان پیش آید که در باطن این عالم و لطیفتر و
روشنتر است ، یعنی آنچه در اینجا عمل کرده است ، مجسم شده و بصورت متناسب
ظاهر میشود ، و مطابق این صورت در حقیقت خوشحال و خرم گشته ، و یا معذب
می باشد .

و کسیکه بعالم آخرت معتقد نیست : در حقیقت باین معانی و حقایق عقیده

ندارد ، و چنین کسی پس از این عالم ، کاملاً دست خالی و زیانکار و فقیر و مبتلا خواهد بود .

هدی و بشری : این قرآن مجید انسانها را باین حقائق هدایت کرده ، و بشارت میدهد به موفقیت و بدست آوردن مقامات رحمت و نعمت .

الذین یقیمون : برای مؤمنین سه شرط ذکر فرموده است : اول اقامه صلوة که وسیله ارتباط فیما بین بنده و خداوند است . دوم - ایتاء زکوة که وسیله ارتباط در میان بنده و بندگان دیگر است که موجب تقرب بخالق میشود . سوم - تطهیر و تقویت روح که موجب محکم و ثابت شدن انسان در راه حق می شود .

زینا لهم أعمالهم : تزین و جالب بودن اعمال و موضوعات ، نتیجه محبت و علاقه داشتن است ، و چون انسان از عالم آخرت منصرف گشته ، و تمام تعلق و توجه او بزندگی دنیوی باشد : امور دنیوی و مادیات در نظر او جلوه پیدا کرده ، و اعمال خودشرا خواهد پسندید .

یا موسیٰ انه انا الله العزيز الحكيم . - ۹ و القى عصاك فلما رءاها تهتز كأنها جان ولى مدبراً و لم يعقب يا موسى لا تخف انى لا يخاف و لددى المرسلون . - ۱۰ الا من ظلم ثم بدل حسناً بعد سوء فانى عفور رحيم . - ۱۱ و ادخل يدك فى جيبك تخرج بيضاء من غير سوء فى تسع آيات الى فرعون و قومهم انهم كانوا قوماً فاسقين . - ۱۲ فلما جاءتهم آياتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبين . - ۱۳ و جحدوا بها و استيقنتها انفسهم ظلماً و علواً فانظر كيف كان عاقبة المفسدين . - ۱۴ .

إلقاء : انداختن ، طرح ، إبلاغ .

إهتزاز : حرکت دادن ، تحرک است .

جانّ: حرکت کننده ، و وجود زنده .
 جَیْب: قلب ، سینه ، کیسه‌ای که در لباس است .
 مُبْصِرَة: روشن ، و نشان دهنده .
 اِسْتِیْقَان: دانستن ، و یقین کردن در موردی .
 سِحْر: خدعه ، عمل سحر ، تصرّف در باطن ، اخراج باطل .
 لَدَیّ: بمعنی لَدُن و عِنْدَ ، اضافه شده بپاء متکلم .

می‌فرماید: ای موسی بتحقیق من هستم خداوندیکه با عزّت و حکمت است . - ۹ و بیانداز عصای خود را ، و چون دید آنرا که حرکت میکند مانند فرد جاندار ، پشت کرد در حالیکه پشت کننده بود ، و برنگشت به پشت خود ، و خطاب کردیم که‌ای موسی خوف نداشته باش ، و نمی‌ترسد در پیشگاه من رسولان من . - ۱۰ مگر آنکسیکه ظلم کرده و سپس تبدیل کند ظلم خود را پس از عمل بد به نیکوکاری ، پس من بتحقیق بخشنده و رحم کننده هستم . - ۱۱ و داخل کن دست خود را در یقه خود که بیرون آید بصورت روشن و نورانی ، و ضمیمه نه آیت دیگر ، بسوی فرعون و قوم او که آنها هستند جماعتی فاسق و خارج شونده از راه حقّ . - ۱۲ پس چون آیات ما برای او نشان داده شد که روشن بود ، گفتند که این سحر آشکاریست . - ۱۳ و انکار کردند آنها را در صورتیکه در باطن قلب ، آنها یقین پیدا کردند به اعجاز آنها ، از لحاظ ظلم و تجاوز و خودبینی ، پس نظر و دقّت کن و ببین چگونه گشت عاقبت افرادی که مفسد بودند . - ۱۴ .

نتیجه :

و داخل کن دست : در داخل کردن دست به یقه خود ، و در انداختن عصا ، اشاره می‌شود به صرف نظر کردن از وسائل و اسباب ظاهری و اخلاص در توجّه بخداوند

متعال ، تا نتیجه بدهد .

و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَي كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ . - ۱۵ وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ وَ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَظِقَ الطَّيْرِ وَ اوتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِين . - ۱۶ وَ حُسْبِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ فَهَمْ يُوَزَعُونَ . - ۱۷ حَتَّى إِذَا اتَّوَا عَلَي وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ . - ۱۸ فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَ قَالَ رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَي وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ . - ۱۹ .

داوود : فرزند اشعیا ، نبی و ملک بود ، از سبط یهودا ، و از بیت لحم بود .

سُلیمان : الحکیم النبی ، فرزند داود ، متوقی در ۹۷۸ - قبل میلاد .

جِنٌّ : مخلوق فیما بین انس و ارواح است .

إِنْسٌ : بمعنی جنس انسان در مقابل ، و در واحد إنسی گویند .

طَّيْرٌ : جمع طائر ، و هم مصدر است .

يُوَزَعُونَ : تقسیم شدن و تفریق کردن ، و ترتیب دادن .

وَادِ النَّمْلِ : وسط دو کوه که مجری آب است ، و نمل مورچه است .

حَطَمٌ : کسر و شکاندن است .

می فرماید : و هر آینه بتحقیق آوردیم به داوود و سلیمان علم و معرفت ، و گفتند که ستایش برای پروردگاریست که ما را برتری داده است به بسیاری از بندگان مؤمن خود . - ۱۵ و وارث شد سلیمان داوود را و گفت که ای مردم تعلیم

داده شدیم ما به سخن گفتن پرنده‌ها ، و داده شدیم از هر چیزیکه مفید بود ، بتحقیق این معنی هر آینه آن فضیلت آشکاریست . - ۱۶ و جمع شد برای سلیمان لشگریان او از جنّ و انس و طیر ، پس آنها ترتیب داده شدند . - ۱۷ تا اینکه حرکت کردند بسوی وادی نمل ، مورچه‌ای گفت که‌ای مورچگان داخل شوید به لانه‌های خودتان ، تا لگد نکنند و صدمه نزنند شما را ، سلیمان و لشگریانش ، و آنها توجه ندارند . - ۱۸ پس سلیمان از سخن آن مورچه تبسم کرده و خندیده و عرض کرد : پروردگارا توفیق بده مرا که سپاسگزار باشم در مقابل نعمت و الطاف تو که بمن و پدران من عطا فرمودی ! و اینکه اعمال صالح بجا آورم که تو راضی گردی ! و داخل کن مرا در جمله بندگان صالح خودت که مشمول رحمت تو باشم . - ۱۹ .

نتیجه :

علماً : توجه شود که علومیکه از جانب پروردگار متعال به بندگان مخصوص او از انبیاء و مؤمنین داده شده و افاضه میشود ، عبارت است از حقایق و معارف الهی ، نه علوم رسمی معقول و منقول که با تحصیل کردن بدست آید ، و این علوم در نتیجه تزکیه نفس و تصفیه قلب از جانب پروردگار متعال افاضه خواهد شد .
و گاهی بمنظور خاصی چون اعجاز دیگران علمی مخصوص اعطاء می‌شود که قابل تحصیل بنحو طبیعی نیست ، چون ارتباط با موجودات خارجی و تفهیم و تفاهم با غیر افراد انسان از انواع حیوانات و ملائکه .

و تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ . - ۲۰ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ . - ۲۱ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ . - ۲۲ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ . - ۲۳ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا

يُسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ . - ۲۴ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ . - ۲۵ .

تَفَقُّدٌ : طلب و جستجو موقعیکه غیبت کرد .

الهُدُودُ : مشهور است ، و باعتبار صدایش هُدهد گویند ، و تیزبین است .

سُلْطَانٌ : الحِجَّةُ ، تَسَلُّطٌ ، قدرت .

سَبَأٌ : از بلاد قدیمی واقع در یمن ، و از جهت اقتصاد مشهور بود .

صَدٌّ : إِعْرَاضُ کردن ، و میل از او نمودن .

خَبْءٌ : پوشیدن ، ستر ، إِخْفَاءٌ ، است .

نَبَأٌ : خَبْرٌ ، صوت خفیف است .

می فرماید : و رسیدگی و بررسی کرد به حیوانات پرنده ، و گفت چیست که
نمی بینم هدهد را یا بوده است از غیبت کنندگان . - ۲۰ هر آینه شکنجه میکنم او
را بعد از سخت ، و یا ذبح میکنم او را ، مگر آنکه بیارد برای من حجّتی
روشن . - ۲۱ پس هدهد کمی تأخیر کرده و گفت : احاطه کردم بموردیکه شما آگاه
نبودی ، و آوردم از سرزمین سبأ خبری که یقینی بود . - ۲۲ من یافتم که زنی
سلطنت میکرد بآنها ، و از هر قدرت و وسیله‌ای را دارا بود و برای او عرشی بزرگ
بود . - ۲۳ دریافتم او را و قومش را که پرستش می‌کردند از آفتاب ، غیر خداوند ، و
زینت داده بود شیطان اعمال آنها را ، و مانع شده بود از راه حقّ ، و آنها هدایت
نداشتند . - ۲۴ اینکه سجده نکنند برای خداوندیکه بیرون می‌آورد چیز پوشیده را
در آسمانها و زمین ، و میداند آنچه را پنهان میدارید و آنچه ظاهر میکنید . - ۲۵ .

نتیجه :

البتّه حکومت و دولت بایدِ اِلَهِی باشد ، و این معنی از جانب خداوند متعال نیز تأیید و طرفداری میشود ، و حکومتی که نشان دهنده حق نبوده و اِلَهِی نباشد : پایدار نخواهد بود ، زیرا بر خداوند است که وسائل هدایت مردم را فراهم ساخته و آنها را براه حق راهنمایی فرماید .

أَلَلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ . - ۲۶ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ . - ۲۷ إِذْ هَبَّ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَيْتُهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ . - ۲۸ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَإِنَّي أَلْقَيْتُ إِلَيَّ كِتَابُ كَرِيمٍ . - ۲۹ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . - ۳۰ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلِيٌّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ . - ۳۱ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونَ . - ۳۲ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأَسْ شَدِيدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ . - ۳۳ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذْلَةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ . - ۳۴ .

عرش : سریر مَلِك ، سقف بلند .

إِلْقَاء : طرح ، ابلاغ ، انداختن ، واگذار کردن .

تَوَلَّى عَنْهُ : اعراض ، و ترک کردن است .

مَلَأُ : اشراف قوم است که مورد توجه میشوند .

عُلُوٌّ : برتری ، بلندی .

أَوْلُوا بِأَسْ : صاحبان شدة و قوّة است .

قَرْيَةٌ : مکانیکه جمعیرا در بر گیرد .

أَعْرَظَهُ : جمع عزیز بمعنی شریف ، کریم ، غالب .

می‌فرماید: خداوندیکه نیست معبودی مگر او، و او پروردگار عرش بزرگی است. - ۲۶ سلیمان گفت: بررسی میکنیم تا به بینیم که سخن تو راست است و یا دروغ می‌گویی. - ۲۷ این نوشته مرا ببر پیش او برسان، و سپس برگرد از آنجا و بین چیست آنچه مراجعه میکنند. - ۲۸ سلطان گفت که: ای مردم رسیده است برای من نوشته‌ای که گرامی است. - ۲۹ بتحقیق آن از طرف سلیمان است، و نوشته آن اینست که: بنام خداوند رحم کننده و مهربان. - ۳۰ بلندی مخواهید بمن و بیائید بطرف من تسلیم شوندگان. - ۳۱ گفت ای خواص من نظر خودتانرا اظهار کنید درباره وظیفه من، و من هرگز تصمیم نمی‌گیرم تا آنکه شماها موافق باشید. - ۳۲ گفتند که: ما صاحبان قوت و قدرتیم، و با اینحال اختیار با خود شما است که چه صلاح به بینید. - ۳۳ گفت: پادشاهان چون بجایی وارد شدند، فساد و تباہکاری میکنند، و قرار میدهند عزیزان و محترمین آن سرزمین را ذلیلان، و اینچنین عمل میکنند. - ۳۴.

پادشاه (ملکه سبا) بنام بلقیس ضبط شده است که در نتیجه دعوت سلیمان تسلیم او شده، و بسوی او رفتند، و باین وسیله سلیمان در مملکت یمن نفوذ پیدا کرده، و حکمرانی نمود.

عرش: سقف و یا تختی است که محلّ جلوس سلطان باشد، و عرش بزرگ از لحاظ وسعت تخت و بلندی آن باشد.

و عرش خداوند متعال عبارتست از سماوات و عرش (همه موجودات جهان که مورد توجه مخصوص پروردگار متعال است).

وَ اِنِّي مُرْسَلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمِ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ . - ۳۵ فَلَمَّا جَاءَ

سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمَدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَيْكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ . - ۳۶ إِرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَ هُمْ صَاغِرُونَ . - ۳۷ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ . - ۳۸ قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ . - ۳۹ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَنْ شَكَرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ . - ۴۰ .

هدیه : تحفه دادن است .

إمداد : امداد ، اغاثه ، إمهال .

قِبَل : طاقت ، مقدرة است .

صاغر : ضد کبیر و عظیم ، و بمعنی هین و ذلیل است .

عِفْریت : فرد خبیث نافذ از جنّ و انس است .

طَرْف : گوشه چشم . کنار .

ارتداد : برگشتن ، رجوع کردن .

می فرماید : بلقیس گفت من می فرستم برای او تحفه ای ، پس نظر میکنم که چگونه برمیگردند فرستاده شدگان . - ۳۵ پس چون فرستاده بلقیس با آن هدایا به پیش سلیمان آمد ، سلیمان گفت : آیا مرا بوسیله مال یاری میکنید ! پس آنچه خداوند مرا عطا فرموده است بهتر و بالاتر است از آنچه شما میدید ، و شما بوسیله هدایا خوشحال میشوید . - ۳۶ برگرد بسوی حکومت خودتان ، پس البته می آورم لشگریکه ، هرگز طاقت و قدرتی در مقابل آن نباشد ، و هر آینه آنها را

خارج میکنم از سرزمین خودشان بحالت خواری و حقارت و ذلت . - ۳۷ سلیمان
 بأطرافیان خود خطاب کرد که کدامیک از شماها تخت و بلقیس را میتواند حاضر
 کند پیش از آنکه آنها تسلیم شوند . - ۳۸ عفریتی از جنّ گفت : من میتوانم آنها را
 در اینجا حاضر کنم پیش از آنکه تو از جای خودت برخیزی ، و من برای اینکار
 توانائی داشته و مورد اطمینان هستم . - ۳۹ و یکی دیگر که از حقایق نوشته‌های
 إلهی آگاه بود گفت : من میتوانم این عمل را انجام بدهم پیش از آنکه تو چشم برهم
 بزنی ! در اینحال سلیمان متوجه شد که تخت و بلقیس حاضر هستند ، گفت : این
 از فضل پروردگار من است که خواسته است مرا آزمایش کند که آیا در مقابل
 نعمتهای او سپاسگزارم و یا کفران میکنم ! و کسیکه سپاسگزار باشد : بنفع خود
 شاکر شده است ، و اگر کفران کند : پس پروردگار من بی نیاز بوده و گرامی
 است . - ۴۰ .

نتیجه :

بنفع خود شاکر است : آری سپاسگزار بودن هم از لحاظ ولیّ نعمت مفید بوده ،
 و موجب خرسندی و خوشحالی او است ، و هم از نظر پروردگار متعال که ولیّ نعمت
 اصلی و مبدء خیرات است .

پس متشکر شدن موجب افزونی نعمت و رحمت خواهد بود .

و أمّا متصدّی بودن جنّ به این امور : برای اینکه وجود او لطیف بوده و مانند
 انسان از جسم کثیف نیست ، و از این لحاظ میتواند متصدّی اموری باشد که انسان
 از آوردن آنها عاجز است .

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ . - ۴۱ فَلَمَّا
 جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا

مُسْلِمِينَ . - ۴۲ و صَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ
كَافِرِينَ . - ۴۳ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا
قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . - ۴۴ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَآذَا
هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ . - ۴۵ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ
لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ . - ۴۶ .

تنکیر : مجهول قرار دادن ، تغییر دادن بنکره .

صَدَّ : منصرف کردن ، و منع نمودن است .

صَرْحٌ : قصر ، بنای عالی .

لُجَّةٌ : جماعت کثیره از آب و مردم و جمع آن لُجَجٌ است .

ساقین : دو ساق که بالای پا تا زانو است .

مُمَرَّدٌ : زده شده از اطراف و بلند است .

قواریر : جمع قاروره شیشه شراب و عطر و غیره است .

می فرماید : سلیمان گفت نشناخته کنید برای او تخت او را ، تا به بینیم که آیا
هدایت میشود ! و یا از افرادی باشد که هدایت پیدا نخواهد کرد . - ۴۱ پس زمانیکه
بلقیس آمد ، گفته شد که آیا این عرش تو است ؟ گفت : گویا این همان عرش
منست ، و آورده شده است برای ما علم و آگاهی از پیش از این ، و بودیم ما تسلیم
شوندگان . - ۴۲ و مانع شد او را آنچه بود و پرستش میکرد از غیر پروردگار ، و او بود
از جمله کافرین . - ۴۳ گفته شد او را که داخل قصر باش ! و چون آنرا دید ، تصوّر
کرد که آنجا مجتمع آبی است ، و پاهای خود را بالا زده و گفت این قصریست بلند و
زده شده از شیشه ها ، و گفت : پروردگارا من ظلم کردم بخودم ، و تسلیم کردم خود

را به‌مراه سلیمان بخداوند جهانیان . - ۴۴ و بتحقیق فرستادیم برای قوم ثمود برادرشان صالح را ، اینکه پرستش کنید از خداوند متعال ، و در این زمان دو فرقه شدند و با همدیگر سخت اختلاف و خصومت پیدا کردند . - ۴۵ گفت ای قوم من برای چه می‌شتابید باعمال بد پیش از اعمال پسندیده ، و چرا استغفار نمیکنید از پروردگار متعال ، شاید او بیامزد شما را و از خطاهای شما بگذرد . - ۴۶ .

نتیجه :

مجتمع آبی است : ظاهراً این قصر همه و یا مقداری از آن از شیشه درست شده و روی آب ساخته بودند که کاملاً آب نمایان بود ، و تخت سلیمان در همان محل گذاشته شده بود .

و بلقیس چون از اطرافیان‌ش از جریانهای دیگر آگاه میشدند ، از این لحاظ اظهار کردند که : و أوتینا العلمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ .

قالوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَ بَمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ . - ۴۷ وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةٌ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ . - ۴۸ قالوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ . - ۴۹ وَ مَكَرُوا مَكَرًا وَ مَكَرْنَا مَكَرًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ . - ۵۰ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَا هُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ . - ۵۱ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . - ۵۲ وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ . - ۵۳ .

إِطْيَرٌ : أصل أن تَطْيَرُ است که حرف تاء قلب بطاء و ادغام شده .

طائر : چیزیکه قصد یمن و یا شوم کنی بآن .

- فتن : اختلاف ، ابتلاء ، العذاب ، المرض .
 رَهْط : قوم و قبیله مرد است .
 تقاسُم : هم قَسَم شدن ، و أخذ کردن قسمت و سهم .
 تبییت : شبانه عملی انجام دادن .
 تدمیر : هلاک کردن ، و حمله کردنست .
 خاویة : منهدم و ساقط شدنست .

می فرماید : گفتند ما فال شوم و بد گرفتیم بخاطر تو و همراهان تو ، گفت : فال شما نزد خداوند است ، بلکه شما گروهی هستید که آزمایش میشوید . - ۴۷ و بود در شهر نه گروه که فساد میکردند در روی زمین ، و صلاح نمیخواستند . - ۴۸ گفتند که : هم قسم و هم پیمان شوید که هر آینه شبانه او و أهلش را گرفتار میکنیم ، و سپس البتّه خواهید گفت که ما آگاهی نداشته و در آن جریان حاضر نبودم ، و ما راست میگوییم . - ۴۹ آنها حيله و مکر بکار میبرند و ما نیز مکر میکنیم ، و آنها نمی فهمند . - ۵۰ متوجه باش که چگونه گشت عاقبت مکر آنها ، که ما هلاک کردیم آنها و قوم آنها را همگی . - ۵۱ پس آن خانه های آنها است که خالی شده است ، بسبب آنچه ستمکاری کردند ، و این جریان پند و عبرت است برای کسانی که توجه پیدا کنند . - ۵۲ و نجات دادیم مؤمنین را که تقوی داشتند . - ۵۳ .

نتیجه :

فال مبارک یا شوم زدن : اثری نمیتواند داشته باشد ، و مؤثر حقیقی خداوند متعال است که جهان و جهانیان تحت إرادۀ و قدرت او است ، آری تَفَالُّ یا تَشَامُّ میتواند در خیال و فکر آدم اثر داشته باشد ، در صورتیکه روحیه انسان ضعیف باشد .

و بود در مدینه : در پیرامون خصوصیات حضرت صالح و قوم او در سوره گذشته
- شعراء آیات ۱۴۰ ... بحث شده است .

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفاحشة و أنتم تبصرون . - ۵۴ أينكم لتأتون
الرجال شهوة من دون النساء بل أنتم قوم تجهلون . - ۵۵ فما كان جواب قوم
إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون . - ۵۶ فأنجيناها و
أهلها إلا امرأته قدرناها من الغابرين . - ۵۷ و أمطرنا عليهم مطراً فساء مطر
المنذرين . - ۵۸ قل الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى ءالله خير أمّا
يُشركون . - ۵۹ أمّن خلق السموات و الأرض و أنزل لكم من السماء ماءً
فأنبتنا به حدائق ذات بهجة ما كان لكم أن تُنبتوا شجرها ءالله مع الله بل هم
قوم يعدلون . - ۶۰ .

لوط : در سوره شعراء از آیه ۱۶۰ إجمالي از جریان او گذشت .

فاحشه : قبیح از قول و فعل است .

تقدیر : حکم و قضاوت و تعیین است .

غابر : ماکت ، ضدّ ماضی است .

إمطار : نازل کردن مطر ، و باراندن بارانست .

يعدلون : عدول کردن ، اعوجاج ، است .

منذرين : افرادی که ترسانیده میشوند .

می فرماید : و لوط نبی زمانیکه گفت برای قوم خود که آیا می آید برای عمل به
فحشاء ، و شماها نگاه میکنید . - ۵۴ آیا شماها نزدیک میشوید بمردها از لحاظ
شهوت نه بزنها ، بلکه شما قومی هستید که جاهلید . - ۵۵ پس نبود در جواب او

مگر آنچه گفتند که بیرون کنید خانواده لوط را از آبادی خودتان که آنها افرادی هستید که خواستار طهارت هستند . - ۵۶ پس نجات دادیم لوط و اهلشرا ، مگر زن او را که باقی بود از جمله مردم دیگر . - ۵۷ و بارانندیم برای آنها بارانیکه چه بد و خطرناک است باران عذاب شدگان . - ۵۸ بگوی که حمد و ستایش برای خداوند است ، و سلامتی بر بندگانیکه برگزیده است ، آیا خداوند بهتر است و یا آنچه شما شریک قرار داده‌اید . - ۵۹ آیا کسیکه آفریده است آسمانها و زمین را ، و نازل کرده است برای شما از آسمان آبی را ، پس رویانیدیم با آن آب باغها و درختها، زیرا که جلوه داشته و نشاط داشتند ، که نبودید شماها آن درختها را بعمل آورید ، آیا معبودی هست در مقابل پروردگار ، بلکه آنها گروهی هستند که از راه حق منحرف میشوند . - ۶۰ .

نتیجه :

فحشاء : آری بدکاری و فحشایی بالاتر از آن نمیشود که مرتکب عمل زشتی بشوند ، آنهم در موردیکه برخلاف فطرت و طبیعت است .

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلْ أَكْثَرِهِمْ لَا يَعْلَمُونَ . - ۶۱ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ . - ۶۲ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ . - ۶۳ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۶۴ .

- قَرار : سکون ، ثبوت ، استقرار است .
 خِلال : جمع خَلَل ، فُرجه مابین شیء است .
 رَواسی : جمع راسیه ، بمعنی ثبوت و رسوخ است .
 حاجز : بمعنی مانع و فاصل و دافع است .
 بُشر : سرور ، طلق الوجه بودن ، است .
 هاتوا : بیاورید ، أصل آن اءتوا است .
 بُرهان : دلیل ، حجت است .

می‌فرماید : آیا کسیکه قرار داده است زمین را ثابت و برقرار ، و قرا ر داده است در خلال آن نه‌هایی ، و قرار داده است بر روی آنزمین کوههای ثابت ، و قرار داده است در مابین دو دریا زمین صاف که فاصله و جدا کننده باشد دو دریا را از همدیگر ، آیا معبودی دیگر هست با پروردگار متعال ، بلکه اکثر آنها نمیدانند . - ۶۱
 آیا کسیکه اجابت میکند شخص مضطرّ را زمانیکه دعوت میکند او را ، و برطرف میکند گرفتاریا ، و قرار میدهد شماها را باقیماندگان در زمین ، آیا معبودی هست بجز او ، و کمتر توجه میدارید . - ۶۲ و آیا کسیکه هدایت میکند شما را در تاریکیهای دریا و بیابان ، و میفرستد باد را از جهت خوشی در میان دو دست رحمتش ، آیا معبود دیگری هست بجز پروردگار ، بلند است خداوند از آنچه شریک قرار میدهید . - ۶۳ آیا کسیکه آغاز میکند آفرینشرا و سپس برمیگرداند آنرا ، و کسیکه روزی میدهد شماها را از آسمان و از زمین ، بگوی که آیا معبودی هست بجز خداوند ؟ پس بیاورید دلیل خودتانرا اگر هستید راستگویان . - ۶۴ .

نتیجه :

جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا : بوسیله جاذبه و دافعه که در کرات موجود است ، کره زمین

هم برقرار شده ، و زلزله و حرکات مختلف ظاهر نگردد .
و چون معیشت انسان و حیوان بدون آب ممکن نیست ، آبهای جاری و نهرهایی
جاری ساخته است تا مشکل بی‌آبی نباتات و حیوانات و انسانها برطرف گردد .

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ
يُبْعَثُونَ . - ۶۵ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا
عَمُونَ . - ۶۶ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ . - ۶۷
لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ . - ۶۸ قُلْ سِيرُوا
فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ . - ۶۹ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ
فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ . - ۷۰ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . - ۷۱
قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفٌ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ . - ۷۲ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ
عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ . - ۷۳ .

غَيْب : مقابل حضور ، بمعنی دوری و استتار است .

إِدَّارَكَ : اصل آن تَدَارَكَ ، و بمعنی لحوق است .

عَمُونَ : جمع عَمِيَ که بمعنی نابینا است .

أَسَاطِيرُ : جمع و بمعنی صَفَى از نوشته‌ها است .

مُجْرِمِينَ : بمعنی قطع‌کنندگان ، و قطف‌ثمر است .

رَدِفٌ : تابع شدن و پشت سر آمدن است .

أَيَّانَ : اسم شرط للزمان ، دو فعل را جزم میدهد .

می‌فرماید : نمیداند کسیکه در آسمانها و زمین است ، غیب را مگر خداوند ، و
نمی‌فهمند که در چه زمانی مبعوث خواهند شد . - ۶۵ بلکه علم آنها محدود شده

است در آخرت ، بلکه آنها از آخرت محجوب هستند . - ۶۶ و گفتند آنها بیکیه کافر شدند : آیا زمانیکه ما مردیم ، و بدن های ما خاک گشت و پدران ما ، آیا ما از خاک برمی خیزیم . - ۶۷ بتحقیق ما وعده شده بودیم باین امر از پیش از این ، و همچنین پدران ما ، و نباشد این سخن مگر از گفته های گذشتگان . - ۶۸ بگو سیر کنید در روی زمین و بررسی کنید که عاقبت زندگی منقطع شدگان از خداوند چه شده است . - ۶۹ و محزون مباش بر آنان ، و در مضیقه و ناراحتی مباش از آنچه مکر و حيله میکنند . - ۷۰ و میگویند که کی این وعده صورت میگیرد ، اگر هستید راستگویان . - ۷۱ بگوی که انتظار آن هست که پشت سر شما آید برخی از آنها که عجله داشته و منتظر هستید . - ۷۲ و بتحقیق پروردگار تو صاحب فضل و رحمت است بر مردم ، ولیکن بسیاری از مردم سپاسگزار نیستند . - ۷۳ .

نتیجه :

محجوب هستند : یعنی همه افکار و توجه آنها در بررسی و فهمیدن زمان آخرتست ، و تصوّر میکنند که آخرت پس از تمام شدن زمان دنیا است ، یعنی منفصل و جدا و متأخر از زمان و درگذشت دنیا باشد ، ولی غفلت میشود که آخرت باطن دنیا است ، و شبیه است بصورت و معنی ، همچنانکه بدن و روح از نظر زمان تقدّم و تأخّری ندارند .

و بهترین تعبیر در اینجهت جمله - رَدِفَ لَكُمْ - است .

و إِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ . - ۷۴ وَ مَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ . - ۷۵ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ . - ۷۶ وَ إِنَّهُ لَهْدَى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ . - ۷۷ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ . - ۷۸

فتوكل على الله انك على الحق المبين . - ۷۹ انك لا تسمع الموتى و لا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين . - ۸۰ و ما انت بهادى العمى عن ضلالتهم ان تسمع الا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون . - ۸۱ و اذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم ان الناس كانوا بآياتنا لا يوقنون . - ۸۲ .

تُكَنّ : إخفاء ، ستر ، حفظ کردنست .

يَقْصُ : حدیث گفتن ، خبر دادن ، روایت کردن است .

وَلَّوْا : پشت سر قرار دادن است .

عُمَى : جمع اعمی ، کوری چشم ، یا قلب است .

دَابَّةٌ : سیر کننده ، جاری ، ماشی ، است .

می‌فرماید : بتحقیق پروردگار تو هر آینه میداند آنچه را که پنهان میکند سینه‌های آنها ، و آنچه را که آشکار میکنند . - ۷۴ و نیست از چیزیکه غیبت دارد در آسمان و زمین مگر آنکه در نوشته‌ی الهی مضبوط باشد . - ۷۵ بتحقیق این قرآن خبر میدهد به بنی اسرائیل بسیاری از آنچه را که در آنها اختلاف میکنند . - ۷۶ و این قرآن هدایت و رحمت است برای آنانکه ایمان آورده‌اند . - ۷۷ و بتحقیق پروردگار تو قضاوت میکند در میان آنها با حکم خود ، و او با عزّت و با علم است . - ۷۸ پس توکل کن بخداوند متعال ، بتحقیق تو بر روی حق آشکار کننده‌ای هستی . - ۷۹ بتحقیق تو نمی‌توانی بشنوایی مردگانرا ، و نمی‌توانی بشنوایی شخص کر را ، دعوت را زمانیکه پشت کنند بتو . - ۸۰ و نیستی تو هدایت کننده باشی کسی را که کور است از گمراهی او ، و نمیتوانی بشنوایی مگر کسی را که ایمان آورده است به آیات ما و او تسلیم است . - ۸۱ و زمانیکه واقع گردید امر الهی بر آنان ، خارج میکنیم برای آنها جنبنده‌ای از زمین که با آنها سخن گوید که بتحقیق

مردم هستند به آیات ما یقین پیدا نمیکنند . - ۸۲ .

نتیجه :

میداند آنچه را که پنهان میکند : آری اجسام لطیف هرگز محجوب نگردند با حجابهای مادی ، چنانکه نیروی برق از هر فلزیکه محکمترا باشد عبور کرده و در آن نفوذ میکند ، و اینچنین است نفوذ علم ، و علم خداوند متعال از هر علم و نیروی نفوذ کننده‌ای نافذتر باشد ، و اینمعنی در علم فیزیک روشن است - رجوع شود بمبحث الکتریسته .

و ما من غائبة : غیبت در محیطهای مادی آسمان و زمین است ، و اما غیبت در ماورای ماده : هرگز نمیتواند در مقابل نفوذ روحانی و علمی پروردگار متعال پوشیده باشد .

إلا فی کتاب : کتابت بمعنی الزام بنفس و تثبیت موضوع است .

و یوم نحشر من کل امة فوجاً ممن یكذب باياتنا فهم یوزعون . - ۸۳ حتی إذا جاءوا قال أكذبتم باياتی و لم تحیطوا بها علماً أما ذا كنتم تعملون . - ۸۴ و وقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون . - ۸۵ ألم یروا أننا جعلنا اللیل لیسكنوا فیهِ و النهار مبصراً إن فی ذلك لآیات لِقوم یؤمنون . - ۸۶ و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات و من فی الارض إلا من شاء الله و كل أتوه داخرین . - ۸۷ و ترى الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن كل شیء إنه خبیر بما تفعلون . - ۸۸ من جاء بالحسنة فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون . - ۸۹ .

أمة : جماعت ، جمعیکه مورد توجه باشند .

فَوْج : طائفه ، و قطعه ، و جماعت است .

وَزَع : تفرّق ، انقسام است .

نَفْخ : از دهن هوا بیرون آوردن ، خارج کردن باد از دهن است .

صُور : شکل ، صفت ، هیئت ، است .

فَرَع : خوف ، پناه بردن ، است .

داخِر : صاغر ، ذلیل است .

حَشْر : جمع کردن ، بیرون آوردن ، است .

می فرماید : روزیکه جمع میکنیم از هر جماعت ، طائفه‌ایرا از آنهائیکه تکذیب می‌کنند آیات ما را پس آنها متفرّق می‌شوند . - ۸۳ تا آنزمانیکه آمدند ، خطاب میشود که آیا تکذیب کردید آیات مرا در حالیکه احاطه علمی نداشتید بآنها ، أمّا این بود آنچه عمل کردید . - ۸۴ و واقع شد بآنها حکم ما بسبب آنچه ظلم کردند ، پس آنها موردی برای سخن گفتن نداشتند . - ۸۵ آیا توجّه نکردند که ما قرار دادیم شب را برای استراحت شما ، و روز را روشن قرار دادیم ، و این جریانها آیات‌تست برای افرادیکه ایمان دارند . - ۸۶ و روزیکه دمیده میشود در صورتها ، پس مضطرب شود کسانیکه در آسمانها و آنچه در زمین است ، مگر آنانکه بخواهد خداوند متعال ، و همه افراد می‌آیند بحالت کوچکی و حقارت . - ۸۷ و می‌بینی کوهها را که تصوّر میکنی آنها را بیحرکت ، در حالتیکه آنها حرکت میکنند چون حرکت ابرها ، آنها ساخته خداوند است که هر چیزیرا محکم ساخته است ، و او آگاه است بآنچه عمل میکنید . - ۸۸ و اگر کسی اعمال نیک انجام داد : در نتیجه به بهتر از آن جزاء خواهد یافت ، و از خوف آنروز در امان خواهد بود . - ۸۹ .

نتیجه :

ذا کنتم تعملون : اختلاف و اضطراب همیشه در اثر نرسیدن و درک نکردن حقیقت باشد ، که هر کسی مطابق فهم و فکر خود سخن گوید .
جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند و کسیکه حقیقت را درک کرد و دید هرگز اضطراب و اختلاف پیدا نمیکند .
و از این نظر با دیدن نتیجه اعمال و توجه بحقیقت : نمیتوانند سخن گویند .
آری علم بحقیقت چون رسیدن بنور است که موجب رفع شبهه و اختلاف میشود .

و اینمعنی بوسیله طهارت قلب و برطرف شدن حجابهای باطنی حاصل گردد .
فله خیرٌ منها : آری نتیجه ثمره و میوه عمل است ، و آن مطلوب و مقصود بذاته باشد ، و بطور قاطع بهتر از عمل و مقدمه خواهد بود ، و باید انسان قاطع باشد که عمل خیریکه انجام میدهد : نتیجه بهتری بدستش خواهد آمد .

و مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَيْهَا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . - ۹۰ إِنَّمَا أَمْرٌ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ أَمْرٌ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ . - ۹۱ وَ أَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ . - ۹۲ وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ . - ۹۳ .

كُتِبَتْ : وارونه کردن ، برو خوابانیدن ، باتش خواباندن .
أَتْلُوْ : تبعیت کردن ، نوشته را خواندن .
مُنذِرٌ : ترساننده ، و برحذر دارنده است .

می‌فرماید: و کسیکه بجا آورد عمل بدیرا: پس بروی خوابانده میشود در آتش، آیا جزاء داده میشوید مگر بآنچه بودید عمل میکردید. - ۹۰ اینست من مأمور شدم که عبادت کنم پروردگار این شهر را که حرام کرده است آنرا، و برای او باشد همه اشیاء، و من مأمور شده‌ام که از افرادی باشم که تسلیم هستند. - ۹۱ و اینکه بخوانم قرآنرا، پس کسیکه هدایت پیدا کرد اینستکه هدایت پیدا کرده است برای خود، و کسی که گمراه گشت: پس بگوی که من از ترساندگانم. - ۹۲ و بگوی که ستایش برای خدا است، نشان میدهد آیات خود را پس معرفت پیدا کنید بآن آیات، و نباشد پروردگار تو غافل از آنچه عمل میکنید. - ۹۳.

نتیجه:

كُتِبَ وَجُوهُهُمْ: این جزاء متناسب با عمل سیئه است، زیرا انسان با سوء عمل خود را از مقام رفیع روحانی و انسانی انحطاط داده، و در حقیقت چهره خود را بآتش می‌افکند، - ما تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ: باید توجه داشت که اعمال صالح بجا آوردن برای خود انسان نتیجه می‌دهد.

أَتْلُوا الْقُرْآنَ: قرآن مجید برنامه هدایت و سعادتست، و چون کسی از نسخه حقیقت کامل آن پیروی کرد: قهراً روی بسعادت و موفقیت و خوشبختی خواهد داشت.

شرح و تفسیر این سوره مبارکه بنحو اجمال خاتمه پیدا کرد.

و پس از این شروع میکنیم بتوضیح و شرح سوره قصص که سوره ۲۸ باشد.

سوره قصص - ۲۸
آیات ۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 طَسَمَ . - ۱ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ . - ۲ نَتَلَوُا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَ
 فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . - ۳ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا
 يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنْ
 الْمُفْسِدِينَ . - ۴ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ
 نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ . - ۵ وَ نُمْكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ
 جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ . - ۶ .

طسم : رمز است به موضوعاتی ، چون طوبی ، و سدره و محمد (ص) .
 نَبَأٌ : ارتفاع ، و خیر ، و تباعد است .
 شِيَعٌ : متابعت ، مرافقت ، اشتراک است .
 استحياء : زنده نگه داشتن ، ترک کردن است .
 نَمُنُّ : انعام ، احسان است .
 أئِمَّةٌ : جمع امام ، پیشوایان است .
 هامان : وزیر فرعون شاه مصر و یهود است .
 يَحْذَرُونَ : احتیاط ، حفظ ، پرهیز کردن .

اینها آیات کتابیست که آشکار کننده است . - ۲ میخوانیم و خبر میدهم تو را از
 اخبار موسی و فرعون روی جریان واقعیت ، برای قومیکه ایمان میآورند . - ۳
 بتحقیق فرعون بلندی طلبید در روی زمین ، و قرار داد اهالی زمین را پیروان

خود ، ضعیف و ناتوان میکرد گروهی را که ذبح میکرد پسران آنها را و نگه میداشت
 زنها را ، و او بود از جمله مفسدین در زمین . - ۴ و ما خواستیم که یاری و احسان
 کنیم بر افرادی که ضعیف شده‌اند در زمین ، و قرار بدهیم آنها را پیشوایان و قرار
 بدهیم آنها را جانشینان . - ۵ و قدرت و امکانات بدهیم آنها را در زمین ، و نشان
 بدهیم به فرعون و هامان و لشگریان آنها را آنچه را بودند از آن حذر و دوری
 میکردند . - ۶ .

نتیجه :

آیات الكتاب المبين : آیت بمعنی علامت و هر جمله منفصل از همدیگر را از
 قرآن مجید آیت گویند که علامت و نشانه‌ای از کتاب باشد .
 و کتاب بمعنی امر و الزام و تثبیت است ، و کتاب خدا عبارتست از آنچه از طرف
 خداوند متعال تثبیت شده است یعنی معارف الهی و مطالب و حقایقی که ثابت و
 روشن شده است .

و أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاذَا حَفَتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي
 وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ . - ۷ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ
 لِيَكُونَ لَهُ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ . - ۸ و
 قَالَتْ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنٌ لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ
 وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ . - ۹ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْ
 لَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . - ۱۰ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ
 بِهِ عَن جُنُبٍ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ . - ۱۱ .

إرضاع : شیر دادن طفل است ، و مادر مرضعه است .

إِلْقَاء : طرح کردن ، ابلاغ نمودن است .

يَمّ : دریا .

التَّقَات : اخذ کردن ، گرفتن ، انتخاب کردن است .

حَزَن : همّ و غصّه داشتن است .

قُرّة : سردی ، شادی ، ثبوت و استقرار است .

فُوَاد : قلب ، عقل است .

قُصِيّ : امر است از قَصّ عليه الخبر : خبر داد و حکایت کرد .

جُنُب : صفت است بمعنی دور شده .

فارغ : بمعنی تمام کردن عمل ، خلاص شدن .

می‌فرماید : و ما وحی کردیم بمادر موسی که بچه را شیر بده ، و چون بترسی برای او پس بیانداز آنرا بدریا ، و مترس و محزون مباش که ما برمیگردانیم او را بسوی تو و قرار میدهیم او را از رسولان خود ما . - ۷ پس أخذ کرد آنرا از روی آب فردی از خانواده فرعون ، تا باشد برای آنها دشمن و وسیله حزن و غصّه و همّ داشتن ، بتحقیق که فرعون و هامان و لشگریان آنها بودند خطا کننده . - ۸ و زن فرعون گفت این بچه روشنی چشم من و چشم شما است ، آنرا نکشید ، و امید است که برای ما نافع باشد ، و یا او را فرزند خود میگیریم ، آنها از اُسرار این موضوع آگاهی نداشتند . - ۹ و برگشت و قلب مادر موسی جمع شده و اطمینان پیدا کرد ، و نزدیک بود که آشکار کند آنرا ، اگر محکم نمی‌کردیم قلب او را که از ایمان آوردگان باشد . - ۱۰ و گفت بخواهرش که : جریان امر او را رسیدگی کرده و برای من بازگو کن ، و خواهر از دورادور احوال بچه را نظارت کرده ، و دیگران متوجه نمی‌شدند . - ۱۱ .

نتیجه :

فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ : همه موجودات و عوالم تحت اراده و اختیار پروردگار جهان است ، و فرمان او توأم با اراده باشد ، و اراده و خواسته او صددرصد ملازم با وقوع مراد بوده ، و هرگز تخلف نمی پذیرد .

و حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ . - ۱۲ فردذناهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . - ۱۳ وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ اسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ . - ۱۴ وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ . - ۱۵ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . - ۱۶ .

مَرَاضِعَ : جمع مَرَضِعَةٍ - زنیکه شیر میدهد بچه را .

يَكْفُلُونَهُ : ضمانت بامور شخصی از جهت مال و زندگی است .

أَشُدُّ : بصورت جمع است ، و واحدی ندارد .

وَكَزَ : مشت زدن باوست .

قَضَىٰ عَلَيْهِ : حکم ، گشتن ، جریان امر را تمام کردن است .

تَقَرَّرَ عَيْنُهَا : سرد بودن و روشنائی چشم ، و مسرور شدن است .

اسْتَوَىٰ : اعتدال ، استقامت است .

ناصح : با خلوص رفتار کردن است .

می‌فرماید: و منع و تحریم کردیم بر او شیر خوردن از مرضه‌های دیگر را، و خواهر که حالات بچه را رسیدگی میکرد، اظهار داشت که آیا میخواهید شما را بخانواده‌ای معرفی کنم که از هر جهت مناسب بوده، و کفالت از بچه را کرده و خیرخواه او باشند. - ۱۲ و باین مقدمه بچه را بمادرش رسانیدیم که او مسرور و خوشحال بوده و قلبش روشن گردد، و هم بدانند که وعده خداوند حق و واقعیت دارد، ولی بسیاری از مردم نمیدانند. - ۱۳ و زمانیکه بسن بلوغ و اعتدال مزاج رسید: علم و معرفت او را دادیم، و اینچنین جزاء میدهیم نیکوکارانرا. - ۱۴ و داخل شد در وقتیکه شهر خلوت بود بشهر، و برخورد کرد بدو مردیکه با هم سخت اختلاف داشتند، و یکی از آشنایان و دوستان او بوده، و دیگری از مخالفین او، پس بیاری طلبید شخصیکه از آشنایان بود بر دیگری که مخالف بود، پس حمله کرد موسی بآن مخالف و او را یک مشت محکم زده و بزمین انداخت، و سپس ندامت پیدا کرده، و گفت که این عمل شیطانی بود و شیطان دشمن گمراه کننده آشکاریست. - ۱۵ گفت پروردگار من بدرستیکه من ظلم کردم به خودم پس بیامرز مرا پس آمرزید او را بدرستیکه او اوست آمرزنده و مهربان است. - ۱۶.

نتیجه:

گوشت و استخوان و خون بچه از همان شیر ابتدائی متکون میشود، و مادریکه شیر میدهد و یا شخص دیگریکه بچه را تربیت میکند، لازمست کاملاً رعایت این جهت را نموده، و با برنامه الهی و صحیح بچه را تا حد بلوغ رشد بدهد. یک مشت محکم زده: قدرت و توانایی و مقام روحانی مرد هنگامی ظاهر میشود که قوه غضب و عصبانیت بر او مستولی گشته، و بتواند اختیار و قوه عاقله خود را حفظ کند.

قال ربِّ بما أنعمتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ . - ۱۷ فأصبحَ في المَدِينَةِ خَائِفاً يَتَرَقَّبُ فإذا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ قالَ لَهُ موسى إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُبِينٌ . - ۱۸ فلَمَّا انْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قالَ يا موسى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كما قَتَلْتَ نَفْساً بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّاراً فِي الْأَرْضِ و ما تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ . - ۱۹ و جاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قالَ يا موسى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ . - ۲۰ .

ظهیر : مُعین ، و آنچه در پشت واقع شود .

مُجْرِم : قطع کننده ، گناه و خطاء کردن است .

تَرَقَّب : انتظار ، حراست ، اِشْراف .

استصراخ : آواز بلند کردن ، استغاثه نمودن .

بَطِش : أخذ بسرعت و تندی .

عَوِيٌّ : منحرف و جاهل است .

جَبَّار : متکبر ، متمرد ، قاهر .

أَقْصَى : دورتر بودن است .

يَأْتَمِرُونَ : خواستار امر و موافقت است ، و مشاوره .

می فرماید : موسی عرض کرد که پروردگارا در مقابل آنچه مرا انعام و احسان نمودی ، هرگز پشتیبانی و یاری نخواهم کرد از مجرمین . - ۱۷ پس برگشت در مدینه بحالت خوف ، و منتظر بود که : در این حال مردیکه دیروز از او یاری میطلبید ، او را آواز میکرد و بیاری میطلبید ! گفت موسی که تو مرد منحرف و گمراه هستی سخت و آشکارا . - ۱۸ پس موسی قصد کرد که حمله کند بسوی

آنمردیکه دشمن هر دو بود ، گفت ؟ آیا میخواهی که مرا بقتل برسانی بانطوریکه دیروز کسی را بقتل رسانیدی ، تو قصد نکردی مگر اینکه متمرّد و قاهری باشی در روی زمین ، و نمیخواهی که از اصلاح کنندگان باشی . - ۱۹ و مردی از آخر شهر بسرعت آمده و اظهار کرد : که ای موسی قوم با همدیگر مشاوره میکنند که تا تو را بکشند ، و از این شهر خارج شو ! و من تو را از خلوص نیت نصیحت میکنم . - ۲۰ .

نتیجه :

فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيْرًا لِّلْمَجْرِمِيْنَ : این معنی یکی از دستورهای بسیار مهمّ است که انسان از مجرمین طرفداری نکند ، خواه آن مجرم از قوم و خویشان باشد ، و یا از آشنایان و یا از دولت مردان ، و یا از سائر مردان محترم .
و باید توجه شود که طرفداری از مجرم بصراحت ، مخالفت و عداوت با خداوند متعال است ، و بهر مقداریکه از مجرم طرفداری شود : قهراً ناحیه او تقویت پیدا کرده ، و طرف حقّ ضعیف گردد .

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرْتَبُّ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ . - ۲۱ و لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّيْ أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ . - ۲۲ و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَ أَبُوْنَا شَيْخٌ كَبِيْرٌ . - ۲۳ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرٌ . - ۲۴ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ . - ۲۵ .

يَتَرْتَبُّ : انتظار ، و خوف و مواظبت .

مَدَیْن : شهری بود از سرزمین مَدین که مسکن حضرت شعیب بود .
 یَسْقُون : ساقی بودن ، آشامیدن است .
 تَذُوْدَانِ : دفع و طرد کردن دیگران آنها را از آب .
 حَظْبٌ : شَأْن ، باعث ، جهت .
 یُصْدِرُ : برگشتن ، برگردانیدن است .
 الرِّعَاءُ : جمع راعی بمعنی حافظ اُغْنَام و غیره است .

می فرماید : پس حضرت موسی از آنجا بیرون رفت ، در حالتیکه میترسید و مواظب خود بود ، گفت پروردگارا نجات بده مرا از قومیکه ستمکارند . - ۲۱ و زمانیکه رسید به مقابل شهر مَدَیْن گفت : امید است که پروردگار من هدایت کند مرا براه معتدل و درست . - ۲۲ و چون رسید به آب مَدَیْن ، دید در آنجا جماعتی را که آب میگیرند ، و دید در آنجا غیر آنمردم دو زنی را .

پرسید که برنامه چیست برای شما ؟ گفتند : ما آب نمیگیریم تا برگردند این افراد ، و پدر ما پیرمرد بزرگیست . - ۲۳ پس آب گرفت برای آنها و سپس برگشت بجای سایه‌ای که بود ، و گفت پروردگارا برای من آنچه را که نازل کنی نیاز دارم . - ۲۴ پس آندو زن آبرا بردند ، و یکی از آنها برگشته و با حیاء و خجلت آمده و اظهار داشت که : پدرم تو را میخواند که جزای عمل تو را بدهد که برای ما آب دادی ، و چون حضرت موسی بحضور پدر آمده و جریان امر خودشرا حکایت نمود ، پدر گفت : ترس و وحشتی نداشته باش که نجات پیدا کردی از قوم ستمکار . - ۲۵ .

نتیجه :

شهر مَدَیْن : شهری بود در طرف جنوب شهر مدینه ، که مسکن حضرت شعیب نبی بود .

تَدْوَانِ : از صفات ممتازه و اسلامی و پسندیده زن ، دفع کردن و ردّ نمودن مردها است که با مردهای نامحرم آمیزش و اختلاط پیدا نکنند ، و آزادی مطلق بین آنها نباشد .

بحضور پدر آمد : منظور پدر آن دخترها است که برای آب بردن آمده بودند ، و در بیت نبوّت زندگی کرده بودند .

قَالَتْ إِحْدِيهِمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ . - ۲۶
 قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجَ فَإِنْ
 أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَشُقُّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ
 الصَّالِحِينَ . - ۲۷ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَ
 اللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَ كَيْل . - ۲۸ فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ
 جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ
 جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ . - ۲۹ .

إِسْتَأْجَار ، و استیجار : اجیر خواستن است .

إِنْكَاح : بنکاح و ازدواج دادن است .

حَجَّجَ : جمع حَجَّه که بمعنی سالست .

أَشُقُّ : صعوبت و سختی کردن است .

قَضَاء : تمام کردن ، و بآخر رسانیدنست .

عُدْوَان : تعدّی و تجاوز کردنست .

طُور : بمعنی جَبَل ، و جبل معینی است .

جَذْوَةٌ : قطعه ملتهب ، قطعه‌ای از چوب یا سنگ که ملتهب باشد .

إِصْطِلَاء : اختیار کردن احتراق و مقابله با آن است .

می‌فرماید: گفت یکی از آندو دختر، ای پدر من آن جوانرا برای خودت اجیر کن، که بهترین اجیر اینست که توانمند و آمین باشد. - ۲۶ پدر خطاب کرد بحضرت موسی که من قصد کردم که یکی از این دخترهایم را برای تو تزویج کنم که هشت سال اجیر من باشی! و اگر خواستی ده سال تمام باشی، با اختیار خودت باشد، و نمیخواهم که تو را بزحمت و مشقت وادارم، و می‌یابی مرا از صالحین، با توجه خداوند متعال. - ۲۷ حضرت موسی گفت: این قرارداد در میان من و شما باشد، و هر کدام از این دو زوجه را در نظر بگیری، برای من تعدی و تجاوزی نیست، و خداوند بر گفته من وکیل است. - ۲۸ و زمانیکه بآخر رسانید موسی مدت را، و سیر داد اهلش را، برخورد کرد در کوه طور آتشی را، و گفت به عیالش که شما در اینجا توقف کنید، شاید من خبری از این آتش بیاورم، و یا قطعه‌ای از آتش را که شما گرم باشید. - ۲۹.

نتیجه:

القویّ الأمین: این دو شرط جامعترین شرط فیما بین اجیر و مالک است که قوه و نیروی عمل برای اجرای کار و آمین بودن برای خصوصیات عمل است. و آنس من جانب الطور: دلالت میکند که مسیر ایشان از طرف کوه طور بطرف مصر و یا بیت المقدس و حوالی آنها بوده است.

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ . - ۳۰ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلِي مُدَبِّرًا وَلَمْ يَعْقِبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ . - ۳۱ أَسْلُكُ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا

فَاسْقِينِ . - ۳۲ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ . - ۳۳ وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ . - ۳۴ .

شاطئی : جانب ، و شاطئی نهر ، و شاطئین نهر دو جانب آن .

الوادِ الأيمن : وُدی بمعنی سیلان و جریانست .

بُقْعَةٌ : قطعه‌ای از زمین که خشک و مرطوب باشد .

إلقاء : طرح و انداختن است .

تَهْتَرٌ : از اهتزاز بمعنی تحریک و تهییج است .

جانّ : اسم جمع جنّ است ، بمعنی مستور و پوشیده .

تعقیب : در پشت دیگری حرکت کردن است .

أسلک : بمعنی وارد و داخل کردن چیز است در دیگری .

جیب : کیسه لباس ، صدر است .

جَنَاح : ناحیه ، جانب ، ظلّ است .

رَهَب : خوف ، فزع داشتن .

رِدْءًا : إعانت ، تثبیت است .

می‌فرماید : و زمانیکه آمد حضرت موسی با عیالش بجانب کوه طور ، نداء شد از جانب کوه طور از درختی که ای موسی من پروردگار تو هستم و پروردگار همه جهانیان . - ۳۰ و بیانداز از دست خود عصایت را ، و چون موسی مشاهده کرد که عصای او حرکت میکند مانند موجود ذی روح ، پشت کرد بآن و آنرا تعقیب نکرد ، و خطاب رسید که ای موسی جلو بیا و مترس که تو از ایمن شدگانی . - ۳۱ و وارد کن دست خودت را به سینه خود که بیرون شود بصورت سفید نورانی ، و بدون زحمت و

ناراحتی ، و خودت و اطرافت را جمع کن از اضطراب و وحشت ، و این دو جهت (عصا و دست) دو آیت باشند از جانب خداوند برای تو ، در مقابل فرعون و گروه او ، و آنها هستند قومیکه خارج شده‌اند از صراط حق . - ۳۲ گفت خدایا من گشته‌ام نفسی را از آنان ، و میتراسم که مرا بکشند . - ۳۳ و برادرم هارون از من زباندارتر است ، و مناسب است که او را به‌مراه من مأموریت بدهی ! تا مرا تصدیق و تأیید کند ، و میتراسم که مرا تکذیب کنند . - ۳۴ .

نتیجه :

کوه طور : معلوم میشود که حرکت حضرت موسی از وادی سینا بسوی مدین بود ، و مدین در جانب شمال شرقی حجاز و در شمال شهر مدینه فعلی بوده است .
 اِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ : ضمیر متکلم در کلمه - انا - راجع است به گوینده که ایجاد صوت و کلام میکند (متکلم) نه به محلّ و وسیله خارجی ، و از این لحاظ است که بتعبیر - من الشجرة - شده است .

أَلْقِ عَصَاكَ ، أَسْلِكُ يَدَكَ فِی جَبِّیْکَ : اشاره میشود باینکه وسائل عمل چون عصا و دست ، لازمست از آنها صرفنظر شود . زیرا توجه بأسباب و وسائل برخلاف توحید و إخلاص باشد .

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعُلُ لَكَمَ سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ . - ۳۵ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ . - ۳۶ وَقَالَ مُوسَى رَبِّيْ أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ . - ۳۷ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِيْ فَأَوْقِدْ لِيْ يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّيْ أُطَّلِعُ إِلَى إِلَهِيْ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ

الكَاذِبِينَ . - ۳۸ و استكبر هو و جُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا
لَا يُرْجَعُونَ . - ۳۹ .

نَشُدُّ : بمعنی تقویت و توثیق است .

عَضُدٌ : معین ، ناصر ، بازو .

مُفْتَرَى : ساخته شده ، مجعول .

أَوْقِدُ : شعله ور کردن ، تَلَأْلَأُ است .

طِينٌ : تراب آلوده بآب ، گِل .

هامان : وزیر فرعون که مأمور شد بساختن قصر بلند .

صَرَحٌ : ساختمان عالی ، قصر .

سِحْرٌ : اخراج باطل است بصورت حق .

می فرماید : محکم خواهیم کرد بازوی تو را با برادرت ، و قرر میدهیم برای شما دو نفر قدرت و تسلطی بوسیله آیات ما که بشما میدهیم ، پس نمیرسند بشما ، و نمیتوانند در وجود شما نفوذی داشته باشند ، و شما و پیروان شما غالب خواهند بود . - ۳۵ و زمانیکه آورد موسی برای آنها آیات ما را که روشن بود ! گفتند که نیست این کارها مگر سحریکه ساخته میشود ، و ما هرگز امثال این امور را در گذشتگان نداشتیم . - ۳۶ و موسی گفت : پروردگار من داناتر است بآنچه بیاورد هدایت را ، و کسی را که عاقبت زندگی او مطلوب باشد ، و هرگز رستگار نمیشود ستمکاران . - ۳۷ و گفت فرعون : ای پیروان من ! من نمیدانم کسی باشد که بجز من معبود شما باشد ! ای هامان مشتعل کن بروی گل و خاک برای من و قصری بلند برای من بناء کن ! شاید به بینم و آگاه گردم از معبودیکه موسی میگوید ! و من تصور میکنم که او از دروغگویانست . - ۳۸ و خود بینی کرد فرعون و پیروان او در روی زمین ، برخلاف

حقیقت ، و گمان کردند که آنان بسوی ما نخواهند برگشت کرد . - ۳۹ .

نتیجه :

و مَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ : آری آنچه از طرف انبیاء برای مردم نشان داده میشود . امور برخلاف جریان طبیعی است ، یعنی عنوان إعجاز دارد .
و از این جهت است که مردم تسلیم و عاجز میشوند .
و از این لحاظ است که انبیاء پشت ایشان محکم بوده ، و صددرصد در مقام دعوی خود پایرجا و ثابت قدم باشند .
اینستکه حضرت موسی (ع) در مقابل مانند فرعون و پیروان او با کمال قوت و قدرت ایستادگی کرده و موفق گردید .

فَأَخَذْنَاهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ . - ۴۰ و
جَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ . - ۴۱ و اتَّبَعْنَاهُمْ فِي
هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ . - ۴۲ و لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى
الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ . - ۴۳ و مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَ مَا كُنْتَ
مِنَ الشَّاهِدِينَ . - ۴۴ و لَكُنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَ مَا كُنْتَ ثَاوِيًّا
فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ لَكُنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ . - ۴۵ .

نَبَذْنَاهُمْ : طرح و رمی کردن .

يَمِّ : دریا و آب کثیر .

أُمَّةً : جمع امام بمعنی پیشوا است .

لَعْنَتٌ : طرد ، ابعاد ، عذاب است .

مَقْبُوح : ضدَّ حُسْن ، برکناری از خیر است .
 قُرُون : جمع قَرْن که زمان واحد است عرفاً .
 بَصَائِر : جمع بصیرة بمعنی عقل ، فطنة است .
 جانب غرَبیّ : غرب مَدین : بیت المقدّس و مصر است .
 تَطَاوُل : از مادّه طول بمعنی اِدامه پیدا کردنست .
 ثاوی : مقیم در مکانی بودن .

می فرماید : پس گرفتیم فرعون را و لشگریانشرا ، پس انداختیم آنها را در دریا ، و بنگر تا به بینی چگونه میشود عاقبة أمر ستمکاران . - ۴۰ و قرار دادیم آنها را پیشوایانیکه میخوانند مردم را بسوی آتش ، و روز قیامت یاری نخواهند شد . - ۴۱ و پشت سر آنها کردیم لعنت و عذاب را ، و در روز قیامت از دور شدگان از خیر و خوشی خواهند شد . - ۴۲ و هر آینه بتحقیق آوردیم موسی را کتاب آسمانی ، پس از آنکه هلاک کردیم قرنهای گذشته را ، از لحاظ بصیرت و بینایی پیدا کردن برای مردم ، و از جهت هدایت و رحمت برای مردم ، که شاید آنها متذکّر شوند . - ۴۳ و نبودى تو در جانب غربی از این محیط ، زمانیکه حکم دادیم برای موسی جریان أمر او را ، و نبودى از افرادیکه مشاهده میکردند . - ۴۴ ولیکن ما ایجاد کردیم زمانهایی پس طولانی شد برای آنها زندگی ، و نبودى تو اقامت کننده در زمین مَدین و در میان أهالی آن تا بخوانی برای آنها آیات ما را ، ولیکن بودیم ما فرستنده رسولان . - ۴۵ .

نتیجه :

فنبذناه : تعبیر انداختن که تحقیر است ، در مورد ظالمین و داعین إلى النار است ، و استکبار و خودستایی نتیجه میدهد که شخصیت انسان چنان از بین رفته

و محو بشود که هیچگونه اثری در خارج باقی نماند ، و محو شدن در دریای آب محیط مادی که فراگیر تمام وجود است .

و همینطوریکه ارسال رسولان برای هدایت و توجّه مردم است : گرفتن ظالمین و مانع شدن از نفوذ و فعالیت آنها نیز چنین باشد .

و ما کنت بجانب الطور إذ نادینا و لکن رحمةً من ربک لتُنذِرَ قوماً ما أتیهم من نذیر من قبلك لعلهم یتذکرون . - ۴۶ و لو لا أن تُصیبهم مُصیبةً بما قدّمت أیدیهم فیقولوا ربنا لو لا أرسلت إلینا رسولاً فنتبع آیاتک و نکون من المؤمنین . - ۴۷ فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا لو لا أوتی مثل ما أوتی موسی أولم یکفروا بما أوتی موسی من قبل قالوا سحران تظاهرا و قالوا إنا بکل کافرون . - ۴۸ قل فأتوا بکتب من عند الله هو أهدی منهما أتبعه إن کنتم صادقین . - ۴۹ فإن لم یستجیبوا لک فاعلم أنما یتبعون أهوائهم و من أضل ممّن اتبع هویه بغير هدی من الله إن الله لا یهدی القوم الظالمین . - ۵۰ .

بجانب الطور : مراد وادی سینا است که مشرف بکوه طور است .

نادینا : از ندا بمعنی مکالمه و مخاطبه است .

إنذار : پرهیز دادن و ترسانیدن است .

مصیبة : آنچه بدون انتظار برسد .

سحران : دو جریان بصورت حق و مخالف باشد ، دو کتاب یا دو فرد باشد .

تظاهراً : دو موضوع پشت هم قرار گرفتن .

هوی : تمایل نفسانی است .

می فرماید : و نبودی تو در جانب کوه طور سینا ، آن زمانیکه نداء کردیم و

مخاطبه نمودیم با موسی ، در وادی سینا ، ولیکن این گفتگو و مکالمه و نقل آن بخاطر اظهار عطف و رحمت است ، تا انداز کنی قومیرا که پیش از تو رسولی از جانب ما نیامده است ، شاید از شنیدن این جریانها بخود آمده و متذکر و متنبّه گردند . - ۴۶ و اگر نه برسد آنها را مصیبتی که بسبب آنچه عمل کرده است دستهای آنها ، پس گویند که چرا نفرستاد برای ما رسولی که پیروی کنیم از آیات او ، و باشیم از ایمان آوردگان . - ۴۷ و چون آمد آنها را حقّ از نزد ما : گفتند که برای چه نیامده است برای ما آنچه آمده بود برای موسی ! آیا کافر نشدند بآنچه داده شده بود بموسی از پیش از این ، و گفتند که دو سحریست که پشت هم آمده است ، و ما بهمه آنها کافر هستیم . - ۴۸ بگوی که شما کتابی بیاورید که آن هدایت کننده تر باشد از آن دو کتاب ، اگر هستید راستگویان . - ۴۹ پس اگر پاسخی ندادند برای شما ، متوجه باشید که آنها پیروی میکنند از تمایلات نفسانی خودشان ، و کیست که گمراهتر باشد از کسیکه پیروی میکند از خواسته های خود ، بدون هدایت اَلّهی ، و خداوند هدایت نمیکند گروه ستمکارانرا . - ۵۰ .

نتیجه :

آری افرادی که درصدد تحقیق حقّ و در پی رسیدن و دریافت حقیقت نیستند . هرگز نتوانند واقعیت را درک کنند ، و این افراد همیشه در مقام شکّ و تردید بوده ، و از رسیدن بحقّ محرومند .

و لازمست که انسان طهارت نفس و صفای باطن داشته ، و از آلودگیها و اغراض تاریک خود را دور کرده ، و در جستجوی حقیقت باشد ، تا موفق برسدن حقّ گردد .

و لقد وَصَّلنا لهم القولَ لعلَّهم يتذكَّرون . - ۵۱ الذِّین آتیناهم الکتابَ مِنْ قَبْلِهِ

هم به یؤمنون . - ۵۲ و إذا یتلی علیهم قالوا آمنا به إنه الحق من ربنا إنا كنا من قبله مسلمین . - ۵۳ أولئك یؤتون أجرهم مرتین بما صبروا و یدرءون بالحسنة السيئة و مما رزقناهم ینفقون . - ۵۴ و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه و قالوا لنا أعمالنا و لكم أعمالکم سلام علیکم لا نبتغی الجاهلین . - ۵۵ إنا لا نهدی من أحببت و لكن الله یرهدی من یشاء و هو أعلم بالمهتدین . - ۵۶ و قالوا إن تتبع الهدی معک تتخطف من أرضنا أولم نمکن لهم حرماً آمناً یجبی الیه ثمرات کل شیء رزقاً من لدنا و لكن أكثرهم لا یعلمون . - ۵۷ .

توصیل : متصل کردن و پیوند دادن .

القول : سخن ، کتاب .

درء : دفع کردن است .

یؤتون : از ایتاء و مجهول است .

لدن : نزدیک ، جانب .

إبتغاء : طلب کردن است .

تخطف : ربودن و بیرون کردن .

جبی : کشیدن و چیدن است .

می فرماید : بتحقیق متصل کردیم برای آنها سخنهای خودمانرا و پشت سر همدیگر کتاب فرستادیم ، شاید آنها متذکر باشند . - ۵۱ آن کسانی که آوردیم برای آنها کتاب از پیش از این ، و آنها بآن کتاب ایمان آورندگانند . - ۵۲ و زمانیکه خوانده میشود بآنها ، گویند ایمان آورده ایم بآن ، و آن حق است از جانب خداوند ، و ما از پیش ایمان آورده ایم بآن . - ۵۳ آنان داده میشوند بعنوان اجر ، دو مقابل و دو مرتبه ، بخاطر آنچه صبر کردند ، و دفع میکنند بوسیله عمل نیکو اعمال سیئه

را ، و از آنچه روزی میدهیم بآنها انفاق میکنند . - ۵۴ و چون سخن لغو و بیهوده‌ای شنیدند از آن اعراض میکنند ، و گویند برای ما باشد اعمال خود ما ، و برای شما است اعمال خودتان ، و سلامتی باشد برای شما ، و ما در پی مصاحبت افراد جاهل نیستیم . - ۵۵ بتحقیق تو هدایت نمیکنی کسی را که دوست میداری ، ولی خداوند هدایت میکند هر کسی را که بخواهد ، و او داناتر است بأفرادیکه هدایت میشوند . - ۵۶ و گفتند که اگر ما هدایت بشویم بهمراه تو ، خارج کرده میشویم از زمین خود ما ، آیا امکانات ندادیم برای آنها در حریمکه آمن است ، و سوق میشود برای آنها میوه هاییکه چیده میشود در اطراف و امکانه مختلف که بعنوان رزق آنها که از جانب ما باشد ، ولیکن اکثر آنها متوجه نمیشوند . - ۵۷ .

نتیجه :

یُجَبی الیه : این از پیشگوییهای قرآن مجید است که در خصوص شهر مکه فرموده است که - یجیبی الیه - و امروز شهر مکه با اینکه گاهی صدها هزار نفر از خارج وارد آنجا میشوند ، کوچکترین کمبودی در آنجا احساس نمی شود ، از جهت غذا و لباس و محل و سائر لوازم زندگی .

و کم أهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم تسكن من بعدهم إلا قليلاً و كننا نحن الوارثين . - ۵۸ و ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا يتلوا عليهم آياتنا و ما كنا مهلكي القرى إلا و أهلها ظالمون . - ۵۹ و ما أوتيتم من شيء فمتاع الحيوۃ الدنيا و زينتها و ما عند الله خير و أبقى أفلا تعقلون . - ۶۰ أفمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه كمن متعناه متاع الحيوۃ الدنيا ثم هو يوم القيامة من المحضرين . - ۶۱ و يوم يُناديهم فيقول أين شركائي الذين كنتم تزعمون . - ۶۲ قال الذين حَقَّ عليهم القول ربنا هؤلاء الذين

أَغْوِينَا أَغْوِينَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ . - ۶۳ .

بَطْرْتُ : شقّ ، کراهت ، طغیان ، تکبر .

مَعِيشَت : زندگی کردن ، حیات .

الْقُرَى : جمع قریه - محلّ تجمّع افراد است .

أُمُّ : اصل ، مبدء ، مادر .

تَرَعْمُونَ : تصوّر و قول مطلق است حقّ یا باطل .

أَغْوِينَا : اِضْلال ، و تابع هوی کردن .

می فرماید : و چقدر هلاک کردیم از آبادیهاییکه طغیان کرده بود زندگی آنها ، پس اینست جایهای آنها که هنوز سکنی پیدا نکرده است مگر کمی ، و ما هستیم وارث آنها . - ۵۸ و نبود پروردگار تو که هلاک کننده آبادیهای کوچک باشد ، تا وقتیکه در رأس آنها رسولی مبعوث نماید که آیات خداوند را برای آنها تلاوت کند ، و نیستیم ما هلاک کننده آبادیها ، مگر آنکه اهالی آنها ستمکار باشند . - ۵۹ و آنچه داده میشوید از چیزی پس متاع زندگی دنیوی است و از زینتهای دنیا است ، و آنچه نزد خداوند است بهتر و باقی است ، آیا نمی فهمید . - ۶۰ آیا کسیکه وعده دادیم او را بوعده نیکو ، پس او ملاقات کننده او است ، مانند کسی است که خوشی دادیم او را بلذائذ مادی ، و سپس در روز قیامت از حاضر کرده شدگان برای حساب باشد . - ۶۱ و روزی که میخوانیم آنها را ، و خطاب میشوند که کجا هستند شریکان من که شما تصوّر میکردید . - ۶۲ گویند آنهاییکه سخن و حکم الهی بعذاب درباره آنها ثابت شده است : پروردگارا آنهاییکه ما آنها را منحرف و گمراه کردیم ، منحرف کردیم آنها را چنانکه ما خودمان منحرف شدیم ، و ما دوری و براءت میجوئیم بسوی تو از آنچه آنها پرستش میکنند . - ۶۳ .

نتیجه :

تا مبعوث کند در رأس آنها : هدف در مقام خلقت ، هدایت و إفاضه فیوضات و تکمیل نفوس است .

و از این نظر است که : دستوره‌های إلهی مقدمه برای تکمیل انسانها است ، و تعیین تکالیف عبودیت ناچار باید بوسیله شخصی صورت بگیرد که از جانب خداوند متعال مبعوث می‌شود .

و از این لحاظ فرمود : ما هلاک نمیکنیم قومیرا مگر پس از إرسال رسولان که برنامه ما را روشن کنند .

و ما عند الله : انسان میتواند دو رقم دارایی پیدا کند ، اول - دارائی مال و املاک و اسباب زندگی دنیوی که در همین زندگی مادی بکار آیند . دوم - دارائی از صفات برجسته و روحانیت و معارف و علوم روحانی که در پیشگاه حقیقت مورد توجه واقع شده ، و برای همیشه و در همه عوالم با انسان همراه باشد . و ما عند الله خیر و أبقى .

و قیل ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم و رأوا العذاب لو أنهم كانوا يهتدون . - ۶۴ و يوم يناديهم فيقول ماذا أجبتم المرسلين . - ۶۵ فعميت عليهم الأنباء يومئذ فهم لا يتساءلون . - ۶۶ فأما من تاب و آمن و عمل صالحاً فعسى أن يكون من المفلحين . - ۶۷ و ربك يخلق ما يشاء و يختار ما كان لهم الخيرة سبحان الله و تعالی عما يشركون . - ۶۸ و ربك يعلم ما تكن صدورهم و ما يعلنون . - ۶۹ و هو الله لا إله إلا هو له الحمد في الأولى و الآخرة و له الحكم و إليه ترجعون . - ۷۰ .

شركائكم : (الذين كنتم تزعمون) که مراد بزعم آنها است .

لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا : هرگاه بودند می فهمیدند .
 فَعَمِيَّتْ : اخبار حاکی از واقعیت نباشد .
 فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ : پس امید است اینکه باشد .
 مِنَ الْمَفْلِحِينَ : از رستگاران .
 خَيْرَةٌ : بمعنی اختیار کردن است .
 إِكْنَانٌ : إخفاء و پوشانیدن است ، مقابل إعلان .
 الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةُ : ستایش او را است در دنیا و آخرت .
 حُكْمٌ : فرمان و دستور با او است .
 وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ : و هو المَبْدُءُ و المَأْبُ ، که همه موجودات از ناحیه و فرمان و
 امر او بوجود آیند ، و سپس بسوی او برگردانیده میشوند .

می فرماید : و گفته میشود که بخوانید شریکان خودتانرا که تصوّر میکنید ! پس
 میخوانند آنها را و جواب نمیدهند برای آنها ، و می بینند عذاب را ، اگر هدایت
 بپذیرند و توجّه پیدا کنند . - ۶۴ و روزیکه نداء میکند خداوند متعال آنها را ، پس
 میگوید چیست آنچه پاسخ دادید برسولان ما . - ۶۵ پس نادیده گردد برای آنها
 اخبار در آنروز ، و آنها سؤال و جواب نمیشوند . - ۶۶ پس اَمَّا كَسَانِيكِهِ بَرَكْشْتِه و
 توبه کردند بسوی خداوند و اعمال صالح و نیکو بجا آوردند : پس جای امید است که
 باشند از رستگاران . - ۶۷ و پروردگار تو می آفریند هر چه را که بخواهد ، و اختیار و
 انتخاب میکند ، و نباشد برای آنها اختیار کردن، و بلند و منزّه است خداوند از آنچه
 شریک قرار میدهند . - ۶۸ و پروردگار تو میداند آنچه را که می پوشاند قلوب آنها را ،
 و آنچه را که آشکار میکنند . - ۶۹ و او خدایبست که معبودی نیست مگر او ، و برای
 او است ستایش در مرحله نخست و در مرحله آخر ، و فرمان و حکم او را است ، و
 بسوی او برگردانیده میشوید . - ۷۰ .

نتیجه :

فعمیت : عمی کور شدن است ، زیرا در عالم ماورای ماده ، امور مادی قابل درک و رؤیت نباشد ، و چشم قلب در مقابل مادّیات بینایی ندارد ، و هرگز نتواند امور خارج از محدوده زمان و مکانرا درک کند ، و در مقابل آنها بینایی نخواهد داشت .
 فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ : تعبیر با کلمه - عسی : برای اینست که چون حالت اخلاص و با أعمال صالح انجام بگیرد : ممکن است ایجاد نورانیت و حالت صفاء و طهارت پیدا کرده ، و موجب بصیرت و بینایی گردد .
 و توضیح اینکه : عمی تاریک و تیره شدن موضوع است . و انباء عبارتست از اخباریکه از امور و جریانهای واقعی حکایت کند .
 و نسبت تاریک و تیره شدن به انباء داده شده است ، زیرا در عالم ماورای ماده برای موضوعات مادی روشنایی نباشد ، تا بتوانند جلب توجه نمایند .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ . - ۷۱ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ . - ۷۲ و مِنْ رَحْمَتِهِ أَنْ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . - ۷۳ و يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ . - ۷۴ و نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ . - ۷۵ .

أَرَأَيْتُمْ : آیا دیدید .

سَرْمَد : دائم و همیشگی بودن .

تَسْكُنُوا : ساکن شدن و فعالیت نداشتن .

- تبتغوا : درخواست طلب کردن است و اختیار آن .
 نزع : کندن ، بیرون آوردن است .
 شهید : آگاه ، و شاهد و حاضر .
 افتراء : ساختن دروغ است و اختیار آن .
 إله : مطلق معبود است .

می فرماید : بگوی که اگر قرار بدهد خداوند متعال شب را برای شما دائمی تا روز قیامت ، کیست غیر از پروردگار که روشنایی بیارد برای شما آیا نمی شنوید ؟ - ۷۱
 بگوی که اگر قرار بدهد خداوند روز را دائمی و ثابت تا روز قیامت ، کیست که غیر از او بیاورد شبی را که در آن ساکن و استراحت داشته باشید ، آیا درک نمیکنید . - ۷۲ و از رحمت و مهربانی خداوند است که برای شما شب و روز را قرار داده است تا شب را استراحت کرده ، و روز را در طلب رزق و برای رفع حوائج فعالیت کنید ، و شاید شما در مقابل نعمتهای خداوند شاکر باشید . - ۷۳ و روزی نداء میکند خداوند متعال که کجا است سُرکای من که تصور میکردید . - ۷۴ و بیرون آوریم از هر طائفه‌ای شاهد و گواهی ، پس گوئیم که بیاورید برهان و دلیل خودتانرا ! پس در این مقام می فهمند که حقّ برای خداوند است ، و گمراه میشود از آنها آنچه بودند افتراء میکردند . - ۷۵ .

نتیجه :

أفلا تسمعون : این آیه کریمه در مقام موعظه و بیان حقیقت و بیدار کردن نفوس است که توجّه بقدرت پروردگار متعال داشته باشند . و در آیه دیگر چون در مقام توجّه دادن به قدرت تنها پروردگار باشد ، کلمه أفلا تبصرون آمده است . و در آیه سوّم ذکر رحمت و لطف إلهی است که موجب سپاسگزاری و شکر در مقابل

نعمت‌های او باشد .

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ
لَتَتَوَّأَ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ . - ۷۶
و ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا
أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ . - ۷۷ .

قارون : از بنی اسرائیل و از منسوبین حضرت موسی بود .

بَغَى : طلب کردن ، و میل از حق است .

تَوَّأَ : الحركة و النهض بمشقة و جهد ، سنگینی کردن .

عُصْبَهُ : جماعت و ابسته بهم‌دیگر است .

ابْتَغَاء : اختیار بغی و طلب و تمایل است .

نَصِيب : حصه و سهم مخصوص که معین شده است .

می‌فرماید : بتحقیق قارون بود از قوم موسی ، پس تجاوز کرد بر ضرر آنها ، و دادیم او را از خزینه‌ها آنچه کلیدهای آنها سنگینی میکرد بجماعتیکه قوی بودند زمانیکه گفت او را قومش که شادی مکن که خداوند دوست نمیدارد شادی کنندگانرا . - ۷۶ و اختیار کن در آنچه داده است خداوند متعال ، دار آخرت را ، و فراموش مکن نصیب خود را از دنیا که سهم معینی است ، و اعمال نیکو بجای آور بآنطوریکه خداوند برای تو احسان فرموده است ، و طلب مکن فساد را در روی زمین ، که خداوند مفسدین را دوست نمیدارد . - ۷۷ .

نتیجه :

لا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ : شادی و فَرَح باید در اموری باشد که در باطن و روح انسان جایگیر گردد ، مانند علمیکه راسخ است ، و حقایق و معارفیکه وارد قلب شده و حضوری گشته است ، و یا صفاتیکه در روح انسان ثابت شده است . و أمّا آن علوم و صفاتیکه در خارج بوده و بنفس انسان منسوب میشود : هرگز ثابت و راسخ نبوده و قابل تحوّل و تغییر باشد .

و از این قبیل است عناوین عرفی و دارائیهای مالی و ملکی و علوم رسمی که نمیتوان آنها را از مقامات واقعی نفس بحساب آورد .

و چنین باشد حقیقت دنیا و آخرت : و باید توجه داشت که دنیا همین تعلّقات نفسانی است که موقتی بوده ، و از بین رفتنی است ، ولی آخرت آن حالات روحانی و مقامات معنوی انسان است .

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أُولَٰئِكَ يَدْرُسُونَ
 الْقُرْآنَ لِيُبَدِّلَ فِيهِ مَا يَشَاءُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 الْمَجْرُمُونَ . - ۷۸ فخرَجَ عَلَيَّ قَوْمَهُ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ . - ۷۹
 وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقِّيهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ . - ۸۰
 فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ . - ۸۱ .

اوتیتُ : ماضی مجهول متکلم از ایتاء بمعنی آوردن .

زینت : آرایش متصل و منفصل است .

حَظٌّ : بمعنی نصیب و سهم مخصوص است .

يُلقَى: مضارع مجهول است از تلقیه بمعنی ملاقات دادن .
 الصابرون: صبر کنندگان در ناراحتیها و در مقابل شدائد .
 فِئَة: جماعت ، قوم است .
 خَسَف: فرو رفتن و غایب شدن در زمین است .
 انتصار: کمک گرفتن و غلبه کردن و پیش بردن .

می فرماید: اینست که داده شده‌ام این کنوز و اموال را بخاطر علمی که در ارتباط بآنها داشتم ، آیا نمیداند که خداوند متعال هلاک ساخته است در زمانهای پیش ، جماعتها را که بیش از آنها بودند از لحاظ نیرو و قدرت ، و سؤال نمیشوند مجرمین از گناههای خودشان . - ۷۸ پس بیرون آمد قارون با آرایش خود که داشت در مقابل قوم خود ، گفتند افرادی که در پی تحصیل دنیا هستند : ای کاش که برای ما بود آنچه برای قارون است ، و او نصیب بزرگی دارد . - ۷۹ و گفتند آنها بیکه علم و معرفتی بآنها داده شده است : وای باد بر شما که ثواب و اجر الهی بهتر است برای کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح بجا آورند ، و داده نمیشود مگر افرادی را که صابر باشند در زندگی و متحمل گردند در ناراحتیهای دنیوی . - ۸۰ پس فرو بردیم او را با ساختمانش در زمین ، و نبود برای او از جماعتی که او را یاری کنند ، بجز خداوند متعال ، و نشد از یاری شدگان . - ۸۱ .

نتیجه :

سؤال نمیشوند مجرمین : هر فردی در آن عالم از همان ظاهر و سیمای خود شناخته شده ، و مقدار قرب و بُعد او روشن گردد - يُعْرِفُ الْمَجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ ، چنانکه در همین دنیا مراتب اشخاص و نور و ظلمت و قُرب و محجوبیت نزد افراد مؤمن حقیقی روشن گردد .

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی و بالاتر از این ، افراد با استعداد که از نظر استعداد ذاتی ، قدرت ترقی و پیشرفت روحی دارند ، در مقابل دید أهل معرفت شناخته شده و تشخیص داده میشوند ، و یا آنهایکه چنین استعدادی ندارند : صددرصد معلوم و شناخته میشوند .

و أَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا لَحَسَفَ بِنَا وَيَكَانَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ . - ۸۲ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ . - ۸۳ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۸۴ .

إِصْبَاحُ : داخل صبح شدن ، صیرورة .

تَمَنَّى : آرزو کردن ، تقدیر نمودن .

وَيَ : کلمه تعجب است .

يَقْدِرُ : تدبیر ، و جمع و إمساک است .

می فرماید : و برگشتند آنهایکه آرزو میکردند پس از فوت قارون که مقام او را داشته باشند ، و میگفتند وای بر ما که خداوند وسعت میدهد عطای خود را برای هر کسیکه بخواهد از بندگانش و یا امساک میکند ، و اگر نبود عطا و بخشش او درباره ما هر آینه ما را بزمین فرو میبرد ، وای بر ما که رستگار نمیشود کافرین . - ۸۲ این دار آخرت قرار میدهیم آنرا برای کسانی که در روی زمین بلندی نمی طلبند و فساد نمیخواهند ، و عاقبت برای کسانیست که تقوی و پرهیزکاری

داشته باشند . - ۸۳ اگر کسی عمل نیکو بیارد پس برای او بهتر از آن باشد ، و اگر کسی عمل بدی آورد پس جزاء داده نمیشود آنهایکه أعمال زشت بجا آوردند مگر بآنچه عمل کرده بودند . - ۸۴ .

نتیجه :

لا یُریدون علوّاً : این میزان کَلّی و قاطعی است برای کسانیکه دارنده دار آخرت هستند ، یعنی اَشخاصیکه آخرت را حیات میکنند ، باید این دو برنامه را داشته باشند : اول - در زندگی دنیوی ، خود خواهی نداشته ، و نخواهند که برای خودشان عنوان و اسم و رسم و شخصیتی بدست آورند ، یعنی در پی تحصیل شخصیت و مقام نباشند . - دوم - و هرگز برنامه افسادی نداشته ، و نخواهند برای جلب منافع خود بدیگران صدمه و ضرری وارد کنند ، برای اینکه مالکیت مطلق مخصوص خداوند بوده ، و همه بندگان خدا هستند ، و چگونه ممکن است که با برنامه ضرر زدن به برنامه‌ها و عباد پروردگار متعال ، درخواست خیر و توجّه و لطف و رحمتی از او داشت ، و از این نظر است که وارد شده است ، بهترین عبادت در مقابل خداوند متعال : خدمت به بندگان پروردگار باشد .

و از مصادیق روشن این معنی : توسعه دادن ملک و بلند کردن ساختمان است که متأسفانه امروز در بلاد مسلمین رواج پیدا کرده ، و موجب ایذاء و اضرار همسایگان شده است ، در صورتیکه استفاده کردن از بلندی و هوای ملک تا حدّی جایز است که به مجاورین و همسایگان صدمه‌ای وارد نشود .

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قَلَّ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ
مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . - ۸۵ و ما كنتَ تَرَجُوا أَن يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً
مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ . - ۸۶ و لا يصدُّنك عن آياتِ الله بعد إذ

أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ . - ۸۷ وَ لَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . - ۸۸ .

فرض : تعیین ، توقیت ، ایجاب ، تقدیر است .

رادّ : برگرداننده .

مَعَاد : محلّ عود و برگشت .

إِلْقَاء : طرح ، ابلاغ .

ظْهیر : معین ، پشت و تکیه گاه .

صَدّ : منع ، صرف ، دفع است .

الْحُكْم : فرمان ، رأی ، نظر قاطع .

می فرماید : بتحقیق کسیکه تقدیر کرده است بر تو قرآن را ، هر آینه برمیگرداند تو را بسوی محلّ اصلی خود که شهر مکه مکّمه باشد ، پس بگوی که پروردگار تو داناتر است بخصوصیات و حالات کسی که هدایت را آورده است و کسیکه او در گمراهی آشکاریست . - ۸۵ و نبودی تو که امید داشته باشی بآنکه نازل گردد بتو کتاب ، مگر از لحاظ رحمت و مهربانی پروردگار متعال ، پس هرگز مباش در پشت کسانیکه کافر هستند . - ۸۶ و منصرف نکند تو را از آیات الهی پس از آنکه نازل کرده شد برای تو ، و دعوت کن بسوی خداوند و مباش از مشرکین البتّه . - ۸۷ و دعوت مکن با خداوند معبود دیگر را ، معبودی نیست مگر او ، و همه موجودات هلاک میشوند مگر او ، و فرمان مخصوص او باشد ، و بسوی او برگردانیده میشوید . - ۸۸ .

نتیجه :

الذی فرض علیک القرآن : قرآن کتاب حاوی جمیع وظائف انسانی که برنامه جامع سیر بسوی کمال و هدایت است ، و سیر خارجی بسوی محلّ اصلی (مکه) با این برنامه‌های قرآنی موافق باشد .

و از اینجا برنامه‌های هدایت و ضلالت از همدیگر جدا میگردد .
در این سوره کریمه ، کلیاتی از حالات حضرت موسی و مادرش و برادرش هارون ، و همچنین از حالات اجمالی فرعون و قارون ذکر شده بود .

سوره عنكبوت

سوره - ۲۹ عدد آیات ۶۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم - ۱ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ . - ۲ وَ لَقَدْ
 فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ . - ۳ أَمْ
 حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ . - ۴ مَنْ كَانَ
 يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . - ۵ وَ مَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا
 يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ . - ۶ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ . - ۷ .

الْم : ألف اشاره بخداوند ، و لام بقاء ، و میم به محمد (ص) است .

حَسِبَ : ظنّ کردن ، شمردن ، کفایت است .

فَتَنَ : الابتلاء ، الخیره ، الاختلاف .

رجاء : امید داشتن ، آرزو کردن .

لِقَاءَ : ملاقات ، بهم رسیدن .

أَجَلَ : وقت تأخیر شده ، وقت آخر .

می فرماید : آیا گمان میکنند مردم که آزاد میشوند اینکه گویند : ایمان آوردیم
 ما ، و آنها آزمایش و ابتلاءاتی پیدا نمیکنند . - ۲ و بتحقیق آزمایش کردیم افرادی را
 که از پیش بودند ، پس میدانند البته خداوند آنها را که راستگویند و آنها را که
 دروغگویند . - ۳ آیا گمان میکنند افرادی که اعمال بد بجای آورند ، اینکه سبقت و
 پیشی می گیرند و برنده میشوند در مقابل ما ، چه بد حکم میکنند . - ۴ اگر کسی

امید و آرزوی ملاقات پروردگار را داشته باشد : پس بتحقیق زمان معین شده خداوند خواهد رسید ، و او هر آینه شنونده و دانا است . - ۵ و اگر کسی کوشش کند البته بسود نفس خود کوشش کرده است و خداوند هر آینه بی نیاز است از جهانیان . - ۶ و آنانکه ایمان آورده و أعمال صالح و نیکو بجای آوردند : هر آینه می پوشانیم أعمال بد آنها را و جزاء می دهیم آنها را به بهترین نحویکه بودند عمل میکردند . - ۷ .

نتیجه :

آزمایش کردن و امتحان نمودن ، یک عمل عقلی و لازم است ، و تنها ادعاء کردن بدون تحقیق هرگز نتیجه نمیدهد .
و مخصوصاً در ارتباط انسانها که بسیار وجود پیچیده است ، و بجز ظواهر اعضاء و جوارح بدنی ، قوای نفسانی و روحانی داخلی در وجود او محتوی است، و لازم است بهمه آنها بدقت رسیدگی شود .

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَّ إِن جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . - ۸ و الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ . - ۹ و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ . - ۱۰ و لَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا و لَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ . - ۱۱ .

توصیه : سفارش کردن .

اوذی : از ایذاء - اذیت کردن است .

فِتْنَة : اختلاف ، ابتلاء ، گرفتاری .
 اُنْبِیْک : از تنبأه بمعنی خبر دادن است .

می فرماید : و توصیه کردیم ما انسانرا نسبت بوالدینش که درباره آنها احسان و خوبی کند ، و اگر کوشش کند که شریک قرار بدهی آنچه را که آنرا نمیدانی ، پس اطاعت نکن از آنها بسوی منست برگشتن شما ، پس خبر خواهیم داد بآنچه بودید و عمل میکردید . - ۸ و آنانکه ایمان آورده و أعمال نیکو و صالح بجا آوردند ، هر آینه داخل میکنیم آنها را در زمره صالحین . - ۹ و از میان مردم افرادی هستند که گویند ما ایمان آورده ایم ، و سپس چون آزاری دیدند از مردم قرار میدهند آزار مردم را بحساب ایمان و خداوند ، و هرگاه آمد یاری و کمکی از جانب خداوند متعال . گویند که ما پیوسته همراه شما بودیم ! آیا نیست خداوند عالم و آگاهتر بآنچه در دلهای آنها است . - ۱۰ و هر آینه میدانند کسی را که مؤمن است ، و کسی را که از منافقین است . - ۱۱

نتیجه :

لُنْدَخِلْتَهُمْ فِي الصَّالِحِينَ : صلاح در مقابل فساد است ، و نتیجه مطلوب در هر موردی متوقف بر فساد نبودنست ، و اگر چیزی یا عملی فاسد شد : هرگز نتیجه مطلوب و اثر مفیدی نخواهد بخشید .
 و منافق یکی از مصادیق فاسد بودنست که سلامتی و صفای وجودش آلوده شده ، و طهارت و نورانیت از وجود او برداشته گردد .

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَ لْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَ مَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ . - ۱۲ وَ لِيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ انْقَالُوا

مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَ لَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ . - ۱۳ و لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ . - ۱۴ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَ جَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ . - ۱۵ وَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . - ۱۶ .

خطایا : جمع خَطِيئَه بمعنی الذنب المطلق ، او غیر متعمّد .

أَثْقَال : جمع ثِقْل و ثَقُل ، چیز سنگین ، و متاع مسافر است .

إِفْتِرَاء : چیزی برخلاف واقعیت ساختن ، دروغ .

طوفان : احاطه کردن ، دور زدن از آب و غیره .

ظالمون : تجاوز و جور کردن و اذیت بحقوق دیگری .

می فرماید : و گفتند آنها بیکه کافر شده اند : پیروی کنید از ما ، تا ما خطاهای شما را متحمل گردیم ، در صورتیکه آنها نمیتوانند خطاهای آنها را متحمل شوند و بتحقیق آنها دروغ گویند . - ۱۲ و هر آینه آنها حمل میکنند سنگینیهای خودشانرا ، با سنگینیهایی که از خودشان بود ، و سؤال میشوند در روز قیامت از آنچه بودند و دروغ میگفتند . - ۱۳ و بتحقیق فرستادیم نوح را برای قوم خودش ، پس توقف کرد در میان آنها نهصد و پنجاه سال ، پس فراگرفت آنها را طوفان آب ، در حالتیکه آنها ستمکار بودند . - ۱۴ پس نجات دادیم او را با اصحاب کشتی و قرار دادیم آنها را آیتی از قدرت الهی برای مردم جهان . - ۱۵ و سپس ابراهیم را فرستادیم که گفت برای قوم خودش : پرستش کنید برای پروردگار متعال و پرهیزکار باشید ! که این برنامه بخیر شما است اگر بدانید . - ۱۶ .

نتیجه :

و لِنَحْمَلْ خَطَايَاكُمْ : کفار اشتباه کرده ، و خطاهای باطنی و روحی را بخطاهای جسمانی و ظاهری حمل کرده ، و دعوی کرده‌اند که ما اشتباهات شما را جبران میکنیم ، و این اشتباه در میان افراد مادی و دنیا پرست شایع است .
و أَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ : آری اگر اَثْقَال و انحرافات اخلاقی و عقیدتی در اثر سوء افکار دیگران عارض شود : بطور مسلّم آن فرد دوّم مقصّر و سبب شده است ، و باید سوء عمل و فکر این فرد را بعهدہ بگیرد .

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ تَخْلُقُونَ إِفْكًَا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . - ۱۷ و إِنْ تَكْذَبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمُّمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين . - ۱۸ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِير . - ۱۹ قُل سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِير . - ۲۰ .

أَوْثَان : جمع وَثَن و بمعنی صنم است .

إفک : حدیث عوض شده و قلب شده و بی حقیقت .

إِبْدَاء : آغاز کردن ، و ایجاد کردن .

إِنْشَاء : تربیت ، ایجاد کردن است .

النَّشْأَةُ : و منشأ : موضوع تربیت است .

الرِّزْق : آنچه مقرّر است از روزانه یا ماهانه .

می‌فرماید : اینست که می‌پرستید از غیر خداوند متعال اصنامی را و می‌سازند

مطالب قلب شده را ، و بتحقیق کسانیکه پرستش میکنند از غیر خداوند هرگز مالک نمیشوند برای شما منافع مقرّری را ، پس بطلبید نزد خداوند روزی خودتانرا و او را پرستش کنید ، و در مقابل او سپاسگزاری کنید و بسوی او برمیگردید . - ۱۷ و اگر تکذیب کنید آیاتِ اِلَهِی را متوجّه باشید که پیش از شما امتّهای بودند که تکذیب میکردند ، و نباشد برای رسولان ما مگر انجام دادن وظیفه خود که ابلاغ روشن است . - ۱۸ آیا ندیدند که چگونه ابتداء میکند خداوند متعال آفرینش را و سپس برمیگرداند آنرا بحالت قبلی ، بتحقیق این عمل برای خداوند آسانست . - ۱۹ بگوی که حرکت و سیر کنید در روی زمین ، و به بینید که چگونه ابتداء کرده است خداوند آغاز خلق را ، و سپس ایجاد میکند عالم آخرت را ، و خداوند بهر چیزی قادر و توانا است . - ۲۰ .

نتیجه :

لا یملکون لکم رزقا : گفتیم که رزق چیز است که مقرّر میشود برای خوراک و تأمین معاش و زندگی ، در حیوان باشد و یا در غیر آن ، زیرا برای بقاء و ادامه وجود و حیات احتیاج به رزق باشد ، چون بودن هواء و آب برای همه نباتات ، و بودن غذا از نباتات و غیره برای حیوانات ، و تکوین و ایجاد همه اینها از جانب پروردگار متعال باشد ، و بجز خداوند کسی چنین قدرتی ندارد که آنها را ایجاد کرده و بیافریند ، که بقای آنها تأمین گردد .

النشأة الآخرة : یعنی محیط زندگی و رشد عالم دیگر غیر از این عالم نشأه دنیوی مادّی ، آری نشأه آخرت عالم لطیفتری است . و در آنجا تمام خصوصیات این عالم خلاصه میشود .

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ . - ۲۱ و ما أنتم بمُعْجِزِينَ

فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ . - ۲۲ و
الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ أُولَئِكَ يَسْأَوْنَ مِنْ رَحْمَتِي وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ . - ۲۳ فما كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجِيَهُ اللَّهُ مِنَ
النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . - ۲۴ وَ قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ
أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ
بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ مَا أُولَئِكَ إِلَّا فِي النَّارِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ . - ۲۵ .

يُعَذِّبُ : آزار دادن ، شکنجه دادن است .

تُقَلَّبُونَ : تحویل و منصرف کردن ، منقلب نمودن .

مُعْجِزِينَ : مقهور و مغلوب کردن است .

وَلِيٍّ : متولی

لِقَاءٍ : ملاقات ، بهمرسیدن .

مَا أَوْى : محلّ نزول و سکنی است .

می فرماید : عذاب و سختگیری میکند با کسی که میخواهد ، و نرمی و مهربانی
میکند با کسیکه بخواهد ، و بسوی او برگردانیده خواهید شد . - ۲۱ و نیستید شما
که عاجز و مقهور کننده دیگری در زمین و نه در آسمان باشید ، و نباشد برای شما
بجز خداوند متعال متولی امور و یا یاری کننده ای . - ۲۲ و آنانکه کافر و منکر
میشوند به آیاتِ الهی و به لقای پروردگار متعال : آنان از رحمت و لطف من ناامید
خواهند شد ، و برای آنها باشد عذاب دردناک . - ۲۳ .

پس نبود در پاسخ پیشنهاد به قوم ابراهیم (ع) مگر اینکه گفتند که او را بقتل
برسانید و یا بسوزانید ! پس نجات داد خداوند او را از آتش ، و در این جریان آیات و
علاماتی هست از جانب خداوند جهان برای مؤمنین . - ۲۴ و فرمود خداوند متعال

که شماها أخذ کردید در زندگی خودتان اُصنامی را (بت‌هایی را که از آنها پرستش میکنید) در زندگی دنیوی، و سپس در روز قیامت کفر میورزد بعضی از شماها به بعضی دیگر، و لعنت میکند برخی از شماها ببعضی دیگر، و محلّ و مسکن شما آتش بوده، و نباشد برای شما یاری کننده‌ای. - ۲۵.

نتیجه :

يُعَذَّبُ مَنْ يَشَاءُ : البتّه عذاب و یا رحمت کردن صددرصد متوقف است بودن زمينه و مقتضی، و اگر نه رحمت و عذاب هرگز بدون مقتضی، ممکن نیست صورت بگیرد.

آری در صورت زمينه، خداوند متعال اختیار دارد که عفو و اِغماض فرماید، و یا طبق عدل مجازات کند.

و بهر صورت خداوند متعال بهر نحویکه صلاح میداند : جزاء خواهد داد .
و الَّذِينَ كَفَرُوا : رحمت و توجّه مخصوص پروردگار متعال، از ذات مقدّس او و از آیات و آثار او تجلّی کرده و ظاهر می‌شود، و چون کسی کفر بآنها داشته و هرگز نخواهد از آنها استفاده کند : قهراً از رحمت مخصوص و توجّه و لطف او محروم خواهد شد .

مَوَدَّةً بَيْنَكُمْ : برای اینکه در محیط زندگی مادّی، این همرنگی و وحدت برنامه، نوعی از تشکّل و موجب گرمی باشد .

فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . - ۲۶ و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ . - ۲۷ و لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ . - ۲۸ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ

السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اأْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ . - ۲۹ .

مُهَاجِر : تارک محلّ ، و اعراض کننده است .

لوط : فرزند برادر حضرت ابراهیم بود .

عزیز : شریف ، کریم است .

حکیم : قضاوت و حکم کننده است .

إِسْحَاق : فرزند ابراهیم و ساره ، و پدر یعقوب است .

و یعقوب : فرزند اسحاق که فرزند ابراهیم است .

فَاحِشَةٌ : قبیح از قول و یا عمل است .

نَادِي : اجتماع ، حضور ، جلسه .

الْمُنْكَر : چیزیکه شناخته نیست ، مجهول است .

می‌فرماید : پس ایمان آورد باو لوط و گفت ، بتحقیق من از محلّ خود اعراض کننده هستم بسوی پروردگارم ، و او با عزّت و حکمت است . - ۲۶ و بخشیدیم برای او اسحق و یعقوب را ، و قرار دادیم در ذرّیه او مقام نبوّت و کتاب آسمانی را ، و دادیم او را اجرشرا در دنیا ، و او در آخرت از صالحین خواهد بود . - ۲۷ و لوط را زمانیکه گفت بقوم خود : بتحقیق شما هر آینه می‌آیید بسوی عمل قبیح که سبقت نگرفته است بشما کسی از جهانیان در آنعمل . - ۲۸ آیا شما می‌آیید بسوی مردها ، و راهرا برای مسافرین میگیرید ، و در جلسات خودتان عمل قبیح و زشت مرتکب میگردید ؟ پس پاسخ آنها نبود مگر آنکه گفتند : بیاور برای ما عذاب خدا را اگر هستی از راستگویان . - ۲۹ .

نتیجه :

هو العزیز الحکیم : عزّت بجهت ظاهری و مادی ناظر است ، و حکمت بجهت روحانی اشاره میکند ، و از این لحاظ این دو موضوع بهترین و بالاترین هدف و مقصدیست که در زندگی متصوّر میشود .

و وهبنا له اسحق : فرزند صالح یکی از وسائل لطف و رحمت الّهی است که چون مال پسندیده ، وسیله موفقیت انسان میشود .

فی نادیکم المنکر : متأسّفانه در زمان ما هم آنچه متداول و معمول است اینک : جلسات با مذاکرات سیاسی و انتقادات و بدگوئی و غیبت جریان پیدا کند ، و توجّه و علاقه‌ای بمطالب اخلاقی و معارف و حقایق نشود .

قال ربّ أنصُرني على القوم المفسدين . - ۳۰ و لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ . - ۳۱ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ . - ۳۲ و لَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وضاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجَوُكَ وَ أَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ . - ۳۳ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ . - ۳۴ .

بُشْرَى : مزده و بشارت دادن .

قریه : محلّ اجتماع مردم یا چیز دیگر است .

تنجیه : نجات و رهایی دادن است .

غایر : ماکت ، باقی است .

سوء : حزن ، بدحالی است .

ذرع : طول ، وسعت است .

رِجْز : عذاب ، گناه ، رجس .
 فِسْق : خروج از راه حق است .
 ضِيق : ضدّ وسعت ، گرفتگی است .

می‌فرماید : ابراهیم گفت پروردگارا یاری کن مرا بر قوم فساد کنندگان . - ۳۰ و زمانیکه فرستاده‌های ما آوردند بشارت را به ابراهیم ، گفتند : ما مأمور هستیم که اهل این آبادیرا بهلاکت برسانیم ، که اهل آن ستمکار هستند . - ۳۱ ابراهیم گفت : لوط در میان آنها است ! گفتند که ما میدانیم لوط را ، و ما نجات می‌دهیم او را ، مگر زنشرا که از باقیماندگان در عذاب خواهد بود . - ۳۲ و زمانیکه رسولان ما بسوی لوط آمدند ، گرفته و منقلب شد حال او ، گفتند ترس و حزنی نداشته باش که ما تو را و اهل تو را نجات می‌دهیم مگر زنت را که باشد از باقیماندگان . - ۳۳ بتحقیق ما نازل میکنیم بر مردم این آبادی عذابی را از آسمان بسبب آنچه از راه حق بیرون رفته‌اند . - ۳۴ .

نتیجه :

کانوا ظالمین : مفسدین در آیه گذشته بعنوان ظالمین تفسیر شده است ، زیرا افساد سبب ستمکاری و ظلم بخود و دیگران خواهد بود ، و در حقیقت : افساد بزرگترین ظلم فردی و اجتماعی می‌باشد .

و لَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ . - ۳۵ و اِلَى مَدِينٍ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا فِقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاَرْجُوا الْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَاَلَّا تَعْتَوْا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ . - ۳۶ فَكَذَّبُوهُ فَاَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ فَاَصْبَحُوا فِى دَارِهِمْ جَاثِمِينَ . - ۳۷ و عَادًا و ثَمُودَ وَاَقْدَانَ فَتَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ

السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ . - ۳۸ و قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ
مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانُوا سَابِقِينَ . - ۳۹ .

آیةٔ بَيِّنَةٌ : نشانه‌ای آشکار .

مَدِينٍ : سرزمین مدین در جانب جنوب مدینه است .

شُعَيْبٍ : از انبیاء بوده ، و قبرش در یمن زیارتگاه است .

عَثُو : مبالغه در فساد و در کفر است .

رَجْفَةٌ : حرکت شدید ، اضطراب است .

جَائِمِينَ : بزمین افتادگان است .

عَاد : شعبه ایست از عرب که هلاک شدند (بائده) .

ثَمُود : شعبه ایست از عرب بائده که در شمال حجاز بودند .

سَبِيلٍ : طریق ، راه روشن است .

استبصار : ظاهر شدن و ظاهر کردن است .

هامان : وزیر فرعونست که مأمور شد ساختمان بلندی بسازد .

می‌فرماید : بتحقیق ترک کردیم از آن محلّ آیت و نشانه آشکاری برای قومی که
می‌فهمند . - ۳۵ و فرستادیم بسوی مدین برادرشان شعیب را ، پس گفت : ای قوم
من خدا را بپرستید ، و امیدوار و منتظر باشید بروز آخر ، و فساد نکنید در روی
زمین که در حالت فساد کردن باشید . - ۳۶ پس تکذیب کردند او را ، و گرفت آنها را
زمین لرزه سخت ، که در خانه‌های خودشان افتاده بودند . - ۳۷ و قوم عاد و ثمود
که آشکار شده است باقیمانده از سرزمینهای آنان ، و زینت داده است آنها را اعمال
آنانرا شیطان ، پس مانع شده است از راه حق ، و بودند بینایان بخیر و
صلاح . - ۳۸ و قارون و هامان و فرعون که موسی آیات روشنی برای آنها آورد ، پس

آنها خودشانرا بزرگ دیدند در روی زمین ، و نبودند در این برنامه سبقت گیرندگان ، و بلکه لازم بود که از جریان امور گذشتگان عبرت بگیرند . - ۳۹ .

نتیجه :

و زینت داده شیطان : باید توجه شود که دخل و تصرف شیطان در وجود انسان ، بوسیله نفس خود انسان صورت می‌گیرد ، نه آنکه بتواند بی‌واسطه وجود انسانرا منحرف کند .

پس یگانه راه جلوگیری از تصرف و انحراف کردن شیطان اینست که انسان روح خودشرا تهذیب و تقویت کند ، تا شیطان نتواند آنرا منحرف سازد .

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ
و مِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ
كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . - ۴۰ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَا تَلَّ
الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ . - ۴۱ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ . - ۴۲ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ . - ۴۳
خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ . - ۴۴ .

أَخَذَ : گرفتن و مؤاخذه کردن است .

حَاصِبٌ : سنگ ریزه است .

خَسَفْنَا بِهِ : بزمین فرو بردن است .

عَنْكَبُوتٌ : حیوانیست که سائر حیوانات ضعیف را با تار دهنش میگیرد .

أَوْهَنٌ : ضعیفتر و سستتر است .

می‌فرماید : پس همه آنها را گرفتیم بسبب گناهشان پس از آنها بعضی را با سنگ ریزه ریختن هلاک ساختیم ، و بعضی دیگر را بوسیله صیحه آسمانی تند ، و از آنها برخی را بزمین فرو بردیم ، و بعضی را با غرق کردن در آب ، و نباشد خداوند متعال که ظلم روا بدارد بکسی ، ولیکن آنها بخودشان ظلم میکنند . - ۴۰ و مثال کسانی که بجز خداوند متعال برای خودشان اولیایی میگیرند مانند عنکبوتیست که برای خود خانه‌ای میسازد ، و ضعیفترین خانه آن و سستترین خانه‌ها خانه عنکبوتست ، اگر بدانند . - ۴۱ بتحقیق خداوند میداند آنچه را که میخوانید بجز خداوند از چیزی و او عزیز و حکیم است . - ۴۲ و این مثلها را میزنیم آنها را برای مردم ، و تعقل نمیکنند آنها را مگر اشخاص دانا . - ۴۳ خداوند آفریده است آسمانها و زمین را بحق ، و در اینجهت نشانه و آیتی است برای مؤمنین . - ۴۴ .

نتیجه :

أخذنا بذنبه : ذُنْبُ بمعنی تبعیت است ، و باین مناسبت بدم حیوان و اثر عمل سوء اطلاق میشود ، و جمع آن ذنوب است .
و مجازات عمل سوء متناسب با خصوصیات ذنب باشد ، که برخی از ذنوب اثرش سنگباران ، و بعضی فرو رفتن در زمین ، و بعضی دیگر غرق شدن در آب ، و بعضی فرا گرفتن صیحه باشد .
و أمّا خانه عنکبوت : بتناسب توجه و اعتماد و سکونت نفس است که در آن محلّ برقرار شده ، و طمأنینه حاصل میشود .
در صورتیکه اعتماد بغیر خداوند متعال در زندگی خود : هرگز قابل اطمینان نباشد ، چیزیکه خود ثبات و بقایی ندارد : چگونه جایز است که مورد اعتماد باشد .

أُتِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ

الْمُنْكَرُ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ . - ۴۵ و لا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ
إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ
إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ . - ۴۶ و كذلك أنزلنا إليك
الكتاب فالذين آتيناهم الكتاب يؤمنون به و من هؤلاء من يؤمن به و ما يجحد
بآياتنا إلا الكافرون . - ۴۷ و ما كنت تتلوا من قبله من كتاب و لا تحطه
بيمينك إذا لارتاب المبطون . - ۴۸ بل هو آيات بيّنات في صدور الذين أوتوا
العلم و ما يجحد بآياتنا إلا الظالمون - ۴۹ .

أُتِلَ : تابع شدن ، تابع باش .

فَحِشَاءٌ : قبیح از قول و عمل است .

الْمُنْكَرُ : شناخته شده نباشد ، مجهول باشد .

مُجَادِلَةٌ : خصومت در گفتار ، و ادامه بحث .

أَهْلَ الْكِتَابِ : پیروان کتاب آسمانی هستند ، چون تورات و انجیل .

و لا تَحُطُّهُ : کتابت و نوشتن است .

إِرْتَابٌ : فساد ، تحیر است .

يَمِينٌ : دست راست ، طرف راست ، مبارک .

می فرماید : پیروی کن از آنچه وحی شده است تو را از کتاب ، و برپا بدار نماز را
که نماز نگهداری میکند از اعمال قبیح و نشناخته ، و هر آینه یاد خداوند بزرگتر
است ، و خداوند میداند آنچه را که عمل میکنید . - ۴۵ و مجادله نکنید با اهل
کتاب مگر بآن نحویکه آن پسندیده است ، مگر با کسانی که ستمکارند از آنها ، و
بگویید که ما ایمان داریم بآنچه نازل شده است از جانب خداوند متعال برای ما ، و
بآنچه نازل شده است برای شما ، و خدای ما و خدای شما واحد است ، و ما در

مقابل او تسلیم هستیم . - ۴۶ و اینچنین نازل کردیم برای تو کتاب را ، پس آنانکه نازل کردیم برای آنها کتاب را ایمان می‌آورند بآن ، و از اهل کتاب جمعی ایمان می‌آورند بآن ، و مخالف و منکر میشود بآن ، افرادی که کافرند . - ۴۷ و نبودى که پیش از آن پیروی کنی از کتابی و یا بنویسی با دست خود نوشته ایرا و در اینصورت متحیر و در تردید می‌شد آنانکه در پی بطلان هستند . - ۴۸ بلکه او آیاتی است روشن کننده در سینه‌های کسانی که علم به آنها عطا شده است و انکار نمی‌کند آیات ما را مگر ستمگران . - ۴۹ .

نتیجه :

تنهی عن الفحشاء : حقیقت نماز خضوع و خشوع کامل در مقابل خداوند متعال است ، بحالت قیام در مقابل مقام الوهیت برای انجام خدمت و عبودیت ، و رکوع و سجده تمام در مقابل عظمت او ، و اظهار کمال بندگی برای مقام بزرگ معبود بودن او ، و تنزیه و تسبیح او از آنچه تصوّر می‌شود ، و حقیقت تسبیح در رکوع و سجود : تنزیه او است از هر چه متصوّر باشد .

و قالوا لو لا أنزلَ عليه آياتٌ من ربه قل إنما الآيات عند الله و إنما أنا نذير مبين . - ۵۰ أولم يكفهم أنا أنزلنا عليك الكتاب يتلى عليهم إن في ذلك لرحمة و ذكرى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . - ۵۱ قل كفى بالله بينى و بينكم شهيداً يعلم ما فى السموات و الأرض و الذين آمنوا بالباطل و كفروا بالله أولئك هم الخاسرون . - ۵۲ و يستعجلونك بالعذاب و لو لا أجلٌ مسمى لَجاءهم العذاب و ليأتينهم بعتة و هم لا يشعرون . - ۵۳ يستعجلونك بالعذاب و إن جهنم لمحيطة بالكافرين . - ۵۴ .

آیات : علامات ، نشانیها .
 یُنلَىٰ عَلَیْهِمْ : پیروی کرده میشود از آنکتاب برای آن قوم .
 خَاسِرٍ : ضایع ، هالک ، ضدّ رابح است .
 أَجَلٌ مُّسَمًّى : وقت معین شده ، سر وقت .
 بَغْتَةً : فجأة ، ناگهانی .

می فرماید : هرگاه نبود که نازل میشد بر او آیاتی از پروردگارش ، بگوی که آیات نزد خداوند بوده و در اختیار او باشد ، و من نذیر (ترساننده) روشنی هستم . - ۵۰
 آیا کافی نیست برای آنها که ما نازل کردیم بر تو کتابی آسمانی ، و در این امر رحمت و تذکر است برای افرادی که مؤمنند . - ۵۱ بگوی که کفایت است خداوند کفایت او در میان من و شما که آگاه است از آنچه در آسمانها و در زمین است ، و آنانکه ایمان آورده اند بیاطل ، و کافر شدند بخداوند ، آنان زیانکارانند . - ۵۲ و شتاب میکنند برای عذاب ، و اگر نبود که وقت معین هست ، و هر آینه می آید آنها را عذاب موعود ، و آنها نمی فهمند . - ۵۳ شتاب میکنند بعذاب ، در صورتیکه جهنّم احاطه میکند به کافرین . - ۵۴ .

نتیجه :

لرَحْمَةً و ذِکْرٍ : کتابیکه (قرآن) نازل شده است ، موجب نزول رحمتِ اِلَهِی و یاد و تذکرِ حقایقِ آسمانی است .
 و اِنَّ جَهَنَّمَ لَمَحِیْطَةٌ : مبدء و منشأ آتش و جهنّم و عذاب از باطن انسان ظاهر و سرچشمه می گیرد .
 و اِنَّ جَهَنَّمَ لَمَحِیْطَةٌ : مراد از جهنّم و آتش و عذاب ، موضوعات روحانی است نه جسمانی ، و آن حالت محجوب شدن و تیره و تاریک شدن نفس است که محیط

می‌شود به وجود انسان ، و حالت ارتباط با نور و روحانیت را محو میکند .

يَوْمَ يَغْشِيهِمُ الْعَذَابُ مِمَّنْ فَوْقَهُمْ وَمِمَّنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . - ۵۵ يا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ . - ۵۶ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ . - ۵۷ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ . - ۵۸ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ . - ۵۹ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . - ۶۰ وَلئن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ . - ۶۱ .

غَشِيَ : حلول کردن ، پوشانیدن

تَبَوَّءَ : تهیه‌ای ، و نازل کردن است .

غُرْفَ : جمع غُرْفَه ، از غُرْف بمعنی قطع و جدا کردن است .

كَأَيِّنْ : دلالت میکند به زیادی و تکثیر .

يُؤْفَكُونَ : انصراف ، قلب ، کذب .

می‌فرماید : روزیکه می‌پوشاند آنها را عذابِ الهی از جهت بالای آنها ، و از زیر پاهای آنها ، و خطاب میرسد که : بچشید آنچه را که بودید عمل میکردید . - ۵۵ ای بندگان من که ایمان آوردند ، بتحقیق زمین من وسیع است ، پس مرا پرستش کنید . - ۵۶ هر فردی چشنده موت است ، و سپس بسوی ما برگردانیده می‌شوید . - ۵۷ و کسانی که ایمان آورده و اعمال نیکو انجام دادند : هر آینه جای میدهیم آنها را از بهشت غرفه‌هائیرا که جاری میشود از پایین آنها چشمه‌ها ، و

همیشگی باشند در آنجا ، چه خوب است جزای عمل کنندگان . - ۵۸ آنها بیکه صابر و استقامت داشته و بر پروردگار خودشان توکل داشتند . - ۵۹ و بسا از جنبنده‌ای که روزی خود را حمل نمیکند ، و خدا آنها را روزی میدهد و شماها را ، و او شنونده و عالم است . - ۶۰ و اگر سؤال کنی از آنها که کیست که آسمانها و زمین را آفریده است ، و کیست که آفتاب و ماه در تحت قدرت و اراده او جریان پیدا میکنند ؟ گویند که او خدا است که همه را آفریده است ، پس بکجا منحصر می‌شوید ؟ - ۶۱ .

نتیجه :

ذوقوا ما كنتم تعملون : برخی از اعمال سوء بصورت بلاهای آسمانی متجسم شده ، مانند قطع باران که تجسم قطع رحمت الهی ، و نتیجه تجاوز بحقوق بندگان ضعیف است ، و بعضی از اعمال نتیجه ظلم و تعدی بدیگران است که سبب رفع برکت و توجهات خاص الهی باشد .

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . - ۶۲ و لئن سألتهم من نزل من السماء ماءً فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولنَّ اللَّهُ قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعقلون . - ۶۳ و ما هذه الحيوة الدنيا إلا لهو و لعب و إن الدار الآخرة لهي الحيوان لو كانوا يعلمون . - ۶۴ فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجاهم إلى البر إذا هم يشركون . - ۶۵ ليكفروا بما آتيناهم وليتمتعوا فسوف يعلمون . - ۶۶ أولم يروا أنا جعلنا حرماً آمناً و يُنخطفُ الناس من حولهم أفبالباطل يؤمنون و بنعمة الله يكفرون . - ۶۷ و من أظلم ممن افترى على الله كذباً أو كذب بالحق لما جاءه أليس في جهنم مثوى للكافرين . - ۶۸ و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و إن الله لَمَعَ المحسنين . - ۶۹ .

يَقْدِرُ : به مقدار و میزان معین عمل کردن است .

فُلْک : سفینه ، کشتی .

لَهْو : بیهوده .

حَيَوَان : مصدر است از حیات ، موجودات زنده است .

يُتَخَطَّفُ : از اختطاف که نزع و جذب است .

مَثْوًى : بمعنی اقامتگاه است .

سُبُل : جمع سبیل که راه و طریق است .

بَرٌّ : زمین خارج از آبادی است ، مقابل بحر .

می فرماید : خداوند بسط و گسترش میدهد روزی را برای هر کدام از موجودات زنده که میخواهد ، و یا تنگ میگیرد برای او ، و خداوند بهر چیزی دانا و محیط است . - ۶۲ و اگر سؤال کنی که کیست که از آسمان آبرا نازل کرده و زنده کرده است زمین را پس از مردن آن ؟ هر آینه گوید که او خدا است ، بگوی که ستایش برای خداوند است ، بگوی که اکثر مردم نمی فهمند . - ۶۳ و نیست این زندگی دنیوی مادی مگر بیهوده و بازی ، و بتحقیق که خانه آخرت آن هر آینه حیات و زنده است ، اگر باشند بدانند . - ۶۴ پس زمانیکه سوار شدند در کشتی : میخوانند خدا را بحالت اخلاص در نیت و دین خالص ، و چون خداوند آنها را نجات داده و آزاد شدند : در این هنگام آنها شرک میورزند . - ۶۵ تا کفر بورزند بآنچه داده ایم ، و تا متمتع و لذت برنده باشند ، پس خواهند فهمید نتیجه اعمال خودشانرا . - ۶۶ آیا ندیدند که ما قرار دادیم برای آنها حرمیکه امن دهنده بود ، که ربوده میشد افراد از اطراف آنها ، که از سرزمینهای اطراف حرم بود ، آیا بموضوعات باطل چون بتها ایمان آورده ، و بنعمت های خداوند متعال کفران میورزند . - ۶۷ کیست که ستمکارتر باشد از کسی که دروغ بباقد بخداوند متعال ، و یا دروغ گوید در مقابل

حقّ و واقعیت که با او مواجه میشود ، آیا در جهنّم محلّی مخصوص کافرین نیست ؟
و آنانکه کوشش میکنند در راه ما هر آینه هدایت میکنیم آنها را براههای خود ما ، و
بتحقیق خداوند با نیکوکارانست . - ۶۹ .

نتیجه :

در اینسوره مبارک آیات مخصوصی هست برای مواعظ و ذکر حقایق اخلاقی و
معارفِ اِلَهِی ، و از این لحاظ خواندن آن در شبهای قدر ، مستحبّ نوشته شده
است .

و از آیات مخصوص و مهمّ این سوره : همین آیه آخری است که می فرماید : و
الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا .

فهرست سوره‌ها

شماره صفحه	نام سوره
۱	أنبياء
۲۸	حجّ
۵۷	مؤمنون
۸۱	نور
۱۰۹	فرقان
۱۲۹	شعرا
۱۵۹	نمل
۱۸۳	قصص
۲۱۴	عنكبوت